



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# روحانیت تصویر و نمایش

(تربیتی و اخلاقی)



گروهی از نویسندگان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# احاديث تصويري و نمايشي تربيتي و اخلاقي

نويسنده:

رحمت پوريزدي

ناشر چاپي:

قدس

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	احادیث تصویری و نمایشی تربیتی و اخلاقی
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	دیباجه
۱۳	اشاره
۱۲۸	کتاب نامه
۱۳۱	نمایه موضوعی احادیث
۱۴۶	درباره مرکز

## احادیث تصویری و نمایشی تربیتی و اخلاقی

### مشخصات کتاب

سرشناسه: پوریزدی، رحمت، 1365

عنوان و نام پدیدآور: احادیث تصویری و نمایشی تربیتی و اخلاقی / رحمت پوریزدی، وحید خدیوی، اصغر قاسم زاده.

مشخصات نشر: قم: قدس، 1399 .

مشخصات ظاهری: 128 ص. : 5/14\*5/21 س م.

شابک: 978-600-3790-47-6

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه، ص. 122 \_ 124 ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه.

موضوع: احادیث شیعه -- قرن 14

موضوع: the century 20-Hadith (shiites) -- Texts

موضوع: احادیث اخلاقی -- قرن 14

موضوع: the century 20-Hadiths, -- Ethical \*

شناسه افزوده: خدیوی، وحید - 1361

شناسه افزوده: قاسم زاده، اصغر - 1338

رده بندی کنگره: BP136/9

رده بندی دیویی: 212 / 297

شماره کتابشناسی ملی: 6241085

انتشارات قدس

احادیث تصویری و نمایشی تربیتی و اخلاقی

طراح جلد: سید رضا حسینی

قطع: رقعی / 128 صفحه

نوبت چاپ: اول / تابستان 1399

چاپ: کمال الملک / تیراژ: 1000 نسخه

شابک: 978-600-3790-47-6

ناشر: انتشارات قدس

قم، خیابان شهدا، کوچه ممتاز / تلفکس: 025 - 37744053

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص میباشد.

قیمت: 10.000 تومان

تقدیم به:

شهدای مدافع حرم و مدافع سلامت

ص: 1

**اشاره**

بسم الله الرحمن الرحيم





ص:3

احاديث تصويري و نمايشي

تربيتي و اخلاقي

رحمت پوريزدي

وحيد خديوي

اصغر قاسم زاده



## دیباچه

دغه دغه ی جدی متولیان تعلیم و تربیت از جمله والدین، پرورش فرزندانی سالم و آگاه برای جامعه است. در این عرصه، نقش مسائل تربیتی و اخلاقی بسیار پررنگ و برجسته است. از طرفی دیگر شیوه گفتن و اجرا کردن این دسته از مسائل بسیار ظریف و مهم است. چه بسا شخصی بر اثر تذکر و نصیحت نادرست از مسائل تربیتی و اخلاقی فاصله بگیرد؛ و از این گونه مسائل دوری کند. بهترین شیوه پند و اندرز و بیان مسائل اخلاقی (تبلیغ خاموش) است. در این روش نیاز به امرونی و طرح پروژه ای سنگین هزینه بردار نیست. چراکه بهره جستن از تصویر و نمایش ساده می تواند به طور غیر مستقیم و ناخودآگاه بر سبک زندگی افراد جامعه تأثیر بسزایی داشته باشد.

در زمینه تربیت و اخلاق، مؤثرترین و زیباترین سخنان از آن اهل بیت علیهم السلام است. چراکه اهل بیت علیهم السلام بهترین شیوه تبلیغ و گسترش مسائل اخلاقی را در قالب (تمثیل، کنایه، تشبیه و استعاره) بیان کرده اند. چه بسا که آشوب و نزاعی را با یک تشبیه به صلح رسانده اند و یا پند و اندرز را در قالب تمثیل به مخاطب خود

تفهیم کرده اند.

از آنجاکه بیشترین راه یادگیری افراد از طریق چشم و دیدن تصاویر و تأثیر آن بر آینه فکر تا سال ها ماندگار است بهترین شیوه برای گسترش فضائل تربیتی و اخلاقی را به تصویر کشیدن آن می دانیم لذا احادیثی جمع آوری شد که قابلیت به تصویر کشیدن بالایی داشته باشد تا ناخواسته و بدون پند و اندرز فضائل تربیتی و اخلاقی را به فرد یادآوری کنیم.

در این مجموعه سعی شده است از احادیث تربیتی و اخلاقی کوتاه، کاربردی و موردنیاز جامعه استفاده شود. تا با به تصویر کشیدن آن گام کوچکی در گسترش فضائل اخلاقی داشته باشیم.

و از آنجایی که بیشترین روایات تصویری در قالب صناعات علم بیان (تشبیه، کنایه، استعاره و...) بیان شده است. در برخی موارد، احادیث به اختصار شرح و توضیح داده شده است. تا فهم آن برای طراحان و تصویرگران آسان گردد.

از این مجموعه می توان در ساخت فیلم کوتاه، پویانمایی و نیز در طراحی پوستر و عکس و نقاشی بهره وافی و کافی برد. از آنجایی که تمامی این احادیث قابلیت به تصویر کشیدن را دارد (در هر حدیث یک سوژه برای کار است. شیء، شخص، حیوان، تمثیل به اشیاء، مکان...) می توان مفاهیم تربیتی و اخلاقی را به راحتی در قالب تصویر به مخاطب عرضه داشت. حتی این قابلیت وجود دارد که برای آموزش نقاشی و طراحی برای کودکان و نوجوانان از این احادیث بهره جست.

در پایان از تمامی کسانی که صمیمانه و خالصانه ما را یاری و راهنمایی کردند تشکر و قدردانی می کنیم و از خوانندگان و اندیشمندان تیزبین خواستاریم تا

ص:7

کاستی ها را ببخشایند و مشتاقانه پذیرای نقدها و پیشنهاد هستیم.

ryazdi1395@gmail.com

27/رمضان/1399

الحمد لله رب العالمين

**اشاره**

\*\*\*

1. امام علی علیه السلام: *صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ*؛ سینه خردمند گنجینه اسرار اوست. (1)

عقل در اثر داشتن شرح صدر اسرار خود را برای دیگران بازگو نمی کند (مگر در موارد ضرورت) و این باعث می شود که هم آبروی خودش حفظ شود و هم از دخالت های بی مورد دیگران که چه بسا مانع کارهای صحیح او باشد در امان بماند و همچنین اگر آن راز مربوط به دیگران است از بی آبرو شدن دیگران جلوگیری کرده است.

2. امام صادق علیه السلام: *سِرُّكَ مِنْ دَمِكَ فَلَا يَجْرِيَنَّ مِنْ غَيْرِ أَوْ دَا جِ كَ*؛ راز تو جزئی از خون توست، پس نباید که در رگ های غیر تو جریان یابد. (2)

به همان مقدار که انسان از ریخته شدن خون خود پرهیز می کند از افشا نمودن راز خود نیز باید پرهیز نماید. از طرفی مطلع شدن دیگران از راز انسان به مثابه این

1- نهج البلاغه، ح، 6.

2- نزهه الناظر و تنبيه الخاطر، ص 112.

است که خون انسان به رگ های آنان تزریق شود و این باعث ضعف انسان و تقویت نامحرمان است و هیچ عاقلی به این کار تن نمی دهد.

3. امام علی علیه السلام: **الْبَشَاشَةُ حِبَالُهُ الْمَوَدَّةُ**؛ گشاده رویی گمند محبت است. (1)

هر انسانی به زیبایی تمایل دارد و جذب آن می شود و انسان با صورت بشاش زیباتر می گردد و از طرفی این گشاده رویی حاکی از قلبی دور از کینه و عصبانیت است و حاکی از یک آرامش درونی است و شکی نیست که این صفات همگی سبب جذب دیگران می شود

4. امام علی علیه السلام: **الْإِحْتِمَالُ قَبْرُ الْعُيُوبِ**؛ سعه صدر و تحمل موجب پنهان سازی عیب ها و به خاک سپاری آن هاست. (2)

از ویژگی های باحوصله بودن و سعه صدر داشتن عیب پوشی عیب های خود و دیگران است.

5. امام علی علیه السلام: **الْحِكْمَةُ شَجَرَةٌ تَنْبُتُ فِي الْقَلْبِ وَ تُثْمِرُ عَلَى اللِّسَانِ**؛ حکمت همانند درختی است که در دل می روید و میوه آن بر زبان آشکار می شود. (3)

از کوزه همان تراود که در اوست. حکمت یک صفت باطنی است ولی میوه های آن در ظاهر انسان نمودار می شود. گویاترین اعضای ظاهری انسان زبان است از این رو هرچند حکمت در دل کاشته می شود ولی میوه هایش (آثار حکمت) بر روی زبان ظاهر می گردد.

1- نهج البلاغه، ح 6.

2- نهج البلاغه، ح 6.

3- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 617.

6. امام علی علیه السلام: الْقَلْبُ مُصْحَفُ الْبَصَرِ؛ قلب، کتاب چشم است. (1)

آدمی با قلم چشم بر صفحه دل می نگارد. اگر دیدنی های انسان خوب باشد موجب نشاط و نورانی شدن قلب می گردد و اگر دیدنی ها انسان ناپسند همراه با گناه باشد صفحه قلب انسان نیز تاریک می شود.

7. امام علی علیه السلام: مَنْ رَكَبَ ظَهْرَ الْبَاطِلِ نَزَلَ بِهِ دَارَ النَّدَامَةِ؛ هر که بر مرکب باطل سوار شود او را در خانه پشیمانی فرود آورد. (2)  
مقصد نهایی گفتار و رفتار باطل، پشیمانی است.

8. امام صادق علیه السلام: إِذَا دُقَّ الْعُرْضُ اسْتُصْعِبَ جَمْعُهُ؛ چون آبروی کسی کوبیده و پراکنده شود جمع آوری اش دشوار است. (3)  
آب ریخته را نمی شود جمع کرد. اگر اعتبار و آبروی کسی از بین رفت؛ برگرداندن آن اعتبار و آبرو کار سختی است.

9. امام علی علیه السلام: مَنْ رَكَبَ جِدَّةَ فَهَرَّ ضِدَّةً؛ هر که بر مرکب کوشش سوار شود دشمنش را مقهور گرداند. (4)  
پیروزی بر دشمن ظاهر و باطن (نفس) با سعی و تلاش به دست می آید.

10. امام علی علیه السلام: اللِّسَانُ مِغْيَاةٌ أَطَاشُهُ الْجَهْلُ وَأَزَجَحَهُ الْعَقْلُ؛ زبان کفه ترازویی است که نادانی آن را سبک و عقل آن را سنگین سازد. (5)

گفتار انسان، نشانه ای از دانا و یا نادان بودن شخص است. آدمی به وسیله زبان

1- نهج البلاغه، ح 417.

2- بحار الانوار، ج 75، ص 379.

3- بحار الانوار، ج 75، ص 277.

4- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ح 10129.

5- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 207.



سنجیده می شود اگر گفتارهایی سبک و بی مغز داشت نشانه از نادانی فرد دارد و اگر گفتارهایی سنگین و متین داشت نشانه ای از دانا بودن شخص دارد.

11. امام علی علیه السلام: **وَاعْلَمَنَّ أَنَّ الْكَلَامَ فِي وَثَاقِكَ مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ بِهِ فَإِذَا تَكَلَّمْتَ بِهِ صِرْتَ فِي وَثَاقِهِ؛** بدان که کلام در اختیار تو است تا زمانی که سخن نگفته ای، اما هنگامی که سخن خود را گفتی، اسیر آن هستی. (1)

فرد تا زمانی که سخن نگوید اختیار سخن خود را دارد و لکن اگر سخن از دهان بیرون آمد دیگر دربند و اسیر سخنی است که گفته شده و قابل انکار نیست و به ناچار باید اسیر آن باشد.

12. امام علی علیه السلام: **فَاخْزِنْ لِسَانَكَ كَمَا تَخْزِنْ ذَهَبَكَ وَوَرِقَكَ؛** زبان خود را ننگه دار، همچنان که طلا و پول خود را ننگه می داری. (2)

13. امام علی علیه السلام: **إِنَّ اللِّسَانَ كَلْبٌ عَقُورٌ فَإِنْ أَنْتَ خَلَيْتَهُ عَقَرَ؛** زبان، سگی گزنده است، که اگر آن را آزاد گذاشتی، دیگران را آزار می دهد. (3)

شایست است انسان زبان و گفتار خود را مهار و کنترل کند چراکه اگر هر سخنی را در هر جا و هر مکان بزند ممکن است به دیگران آزار برساند؛ و سبب کدورت، دشمنی، کینه، تهمت ... شود.

14. امام علی علیه السلام: **أَنْفَذُ السَّهَامَ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ؛** نافذترین تیرها دعای مظلوم است. (4)

1- مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، ج 4، ص 388.

2- مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، ج 4، ص 388.

3- مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، ج 4، ص 388.

4- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 3760.

از دعاهایی که سریع به اجابت می رسد دعای مظلوم است.

15. امام سجاد علیه السلام: لِكَبَالِ شَيْءٍ فَاكِبْهُ وَفَاكِبْهُ السَّمْعَ الْكَلَامُ الْحَسَنُ؛ برای هر چیز، میوه ای (مناسب) وجود دارد و میوه ی و گوش، شنیدن سخن خوب و مفید است. (1)

خداوند متعال برای هر کس و هر چیزی، میوه ای آفریده است که استفاده از آن میوه، برای آن کس یا آن چیز لذت آور است و به او نشاط و تنوع می دهد؛ و اما میوه ای که خداوند برای لذت بردن گوش قرار داده است و به او نشاط و تنوع ارزانی می کند، سخنان زیبا و نیکو است.

16. امام سجاد علیه السلام: كَمْ مِنْ مَفْتُونٍ بِحُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِ؛ چه بسا افراد زیادی که به خاطر خوش زبانی و چاپلوسی دیگران فریب می خورند. (2)

اشخاص کم ظرفیت از تعریف و تمجید دیگران مغرور می شود و خود را باخته گمان می کنند بی عیب و نقص اند و این موجب توقف وعدم پیشرفت آن ها می شود و این فتنه بزرگی برای آنان است.

17. امام علی علیه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ يَحْتَمِي الطَّعَامَ لِأَذِيَّتِهِ كَيْفَ لَا يَحْتَمِي الذَّنْبَ لِأَلِيمِ عُقُوبَتِهِ؛ تعجب دارم از کسی که باز می ایستد از خوردنی به سبب آزار دادن آن، چگونه باز نمی ایستد از گناه از برای جزای دردناک آن. (3)

برخی افراد اصول بهداشت و غذا را به خوبی رعایت می کند و در تهیه و انتخاب غذای خود دقت بالایی دارند و به آثار جسمی آن غذا توجه دارند که

1- بحار الأنوار، ج 75، ص 160.

2- تُحَفُّ الْعُقُولُ، 281.

3- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 3262.

مبادا به سلامتی شان لطمه وارد شود و حال آنکه در پرهیز از گناه که عواقب بدتری را دارد راحت و بی خیال هستند؛ و به عواقب آن توجه نمی کنند. لذا هر گفتار و رفتاری را انجام می دهند.

18. امام صادق علیه السلام: لَا يُسَدُّ تَقَلُّ مَا يُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ؛ نباید آنچه برای تقرب به خدا انجام شود را کوچک شمرد، گرچه (انفاقی) به اندازه نصف خرما باشد. (1)

معیار سنجش عمل، اخلاص است و به کیفیت عمل بها می دهند نه به کمیت عمل. در انفاق و بخشش نباید از کوچک ترین شیء دریغ کرد و چه بسا تنها همان مقدار کم مورد رحمت و پذیرش الهی واقع شود.

19. رسول خدا علیه السلام: الْعَالَمُ بَيْنَ الْجَهَّالِ كَالْحَيِّ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ؛ دانشمند در میان مردم چون زنده در میان مردگان است. (2)

حیات حقیقی انسان به دانش است؛ و افرادی که به دنبال تحصیل علم و دانش نیستند در حقیقت مرده به حساب می آیند؛ و مرده نیز هیچ خاصیتی بر او مترتب نیست.

20. امام صادق علیه السلام: الْقَلْبُ حَرَمٌ لِلَّهِ فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ؛ قلب حرم خداست پس در حرم خدا، غیر خدا را راه مده. (3)

قلب و روح انسان در حُکم حرم خداست؛ و شایسته است انسان به صاحب حرم (خداوند) شناخت داشته باشد و آن چیزهایی را که صاحب حرم (خداوند)

1- بحار الأنوار، ج 68، ص 223.

2- إرشاد القلوب، ج 1، ص 165.

3- بحار الأنوار، ج 67، ص 25.

نمی پسندد از آن دوری کند و آنچه موجب رضایت اوست انجام دهد.

21. امام صادق علیه السلام: عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ (يَس) فَإِنَّهَا رِيحَانَةُ الْقُرْآنِ؛ به فرزندانان سوره یس بیاموزید، زیرا که آن گل و گیاه با طراوت قرآن است. (1)

22. امام صادق علیه السلام: تَدْخُلُ يَدَكَ فِي فَمِ التَّيِّبِ إِلَى الْمَرْفِقِ خَيْرٌ لَكَ مِنْ طَلَبِ الْحَوَائِجِ إِلَى مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَكَانَ؛ دست خود را تا آرنج به دهان اژدها کنی برای تو بهتر است از این که از کسی که (نوکیسه است و) به تازگی به نوایی رسیده حاجتی بخواهی. (2)

آدمی نباید خواسته هایش را از نوکیسه کسی که تهی دست بوده و حالا به ثروتی دسته یافته است طلب کند. چراکه هر انسانی ظرفیتی دارد و ممکن است او این ظرفیت را نداشته باشد و منجر به حقارت و خجالت فرد طلب کننده شود.

23. امام علی علیه السلام: إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا اِزْدَوَجَتْ اِزْدَوَجَ الْكَسَلُ وَالْعَجْزُ فَنُتِجَا بَيْنَهُمَا الْفَقْرُ؛ به هنگام جفت شدن و ترکیب موجودات، کسالت و ناتوانی با یکدیگر ترکیب شده و نتیجه این ترکیب، تولد فقر بود. (3)

نتیجه ی تنبلی و ناتوانی فقر و نداری در دنیا و آخرت است.

24. امام علی علیه السلام: لِلَّهِ دُرُّ الْحَسَدِ مَا أَعْدَلَهُ بَدَأَ بِصَاحِبِهِ فَقَتَلَهُ؛ آفرین بر حسد! چقدر عدالت پیشه است، نخست به سراغ صاحبش می رود و او را به قتل می رساند. (4)

نخستین کسی که از حسد آسیب می بیند شخص حاسد است. کسی که

1- الامالی (طوسی)، ص 677.

2- تَحْفُ الْعُقُولِ، ص 365.

3- الکافی، ج 5، ص 76.

4- إرشاد القلوب، ج 1، ص 129.

حسادت به دیگران می ورزد نخست خودش را در معرض هلاکت قرار می دهد.

25. امام علی علیه السلام: لَوْ رَأَيْتُمْ الْبُخْلَ رَجُلًا لَرَأَيْتُمُوهُ مُشَوَّهًا يُعْضُ عَنْهُ كُلُّ بَصَرٍ وَيُنْصَرِفُ عَنْهُ كُلُّ قَلْبٍ؛ اگر بخل را ببینید البته او را شخصی زشت و کریه المنظر خواهید دید که هر چشمی از او روی گردان و هر دلی را از او متنفر است. (1)

تنگ نظری سبب ننگ و خواری می شود. فرد بخیل به سبب رفتاری زشتی که دارد همگان از او متنفرند و از وی دوری می کنند.

26. امام علی علیه السلام: إِنَّ وَرَاءَكَ طَالِبًا حَيْثُأَ مِنْ الْمَوْتِ فَلَا تَغْفُلْ؛ به راستی از پشت سر تو جوینده شتابانی چون مرگ به دنبال توست. پس غافل منشین. (2)

اگر غافل چری غافل خوری تیری.

27. امام علی علیه السلام: الْعُيُونُ طَلَانِعُ الْقُلُوبِ؛ چشم ها دیده بانان دل هایند. (3)

28. امام حسن عسکری علیه السلام: أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَإِدَامَةِ التَّقْوَى فَإِنَّ التَّقْوَى أَبُو كُلِّ خَيْرٍ وَأُمُّهُ؛ شمارا به تقوای الهی و تداوم تفکر سفارش می کنم، زیرا تفکر پدر و مادر تمامی نیکی ها است. (4)

منشأ و سرچشمه هر کار خیر و نیکی در تفکر و تأمل است.

29. امام علی علیه السلام: الْمُتَعَبِّدُ عَلَى غَيْرِ فِقْهِ كَحِمَارِ الطَّاحُونَةِ يَدُورُ وَلَا يَبْرَحُ؛ عبادت کننده بدون دانش چون الاغ آسیاب است که به دور خود می گردد و

1- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 6542.

2- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 3132.

3- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 669.

4- مجموعه ورام، ج 1، ص 52.



پند و اندرز پرده ای از غرور آویخته شده است. (1)

کسی از پند دیگران بهره می برد که خود را نیازمند به توصیه های مفید دیگران ببیند اما اگر خود را کامل ببیند هیچ گاه در خود نقصی مشاهده نمی کند تا به نصایح دیگران توجهی کند و هیچ گاه دنبال برطرف کردن نقص های خود بر نمی آید این حالت همان غروری است که دامن گیر انسان می شود و همچون پرده ای بین انسان و نصایح مفید دیگران حائل می شود.

33. امام علی علیه السلام: عِلْمٌ بِلَا عَمَلٍ كَشَجَرٍ بِلَا ثَمَرٍ؛ علم بدون عمل همچون درخت بدون میوه است. (2)

اگر کسی علم دارد ولی بهره ای از علم خود نمی برد و به این علم را جامه ی عمل نمی پوشاند مانند درختی است بدون ثمر؛ زیرا علم به تنهایی نجات بخش نیست بلکه عمل آن انسان را نجات می دهد. بهترین قوانین اگر اجرا نشود ارزشی ندارد. بهترین نسخه اگر توسط مریض به کار گرفته نشود شفا بخش نیست.

34. امام علی علیه السلام: الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ لِأَنَّ الْعِلْمَ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ؛ دانش بهتر از مال است زیرا دانش پاسبان تو است و تو پاسبان مال هستی. (3)

دانش آدمی را از آفات و آسیب ها و ضررها محافظت و راهنمایی می کند ولیکن ثروت نیاز به پاسبان و نگهبان دارد که انسان باید از آن مراقبت کند.

35. امام علی علیه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ كَرَجُلٍ لَهُ امْرَأَتَانِ إِذَا أَرْضَى إِحْدَاهُمَا

1- نهج البلاغه، ح 282.

2- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 2818.

3- کنز العمال، ج 1، ص 319.

أَسْخَطَ الْأُخْرَى؛ مثل دنیا و آخرت مثل مردی است که دوزن دارد زمانی که یکی را راضی کند دیگری خشمگین می شود. (1)

دنیا و آخرت قابل جمع نیست. تنها راه حل آن این است که دنیا را در مسیر آخرت بخواهد و برای رسیدن به کمال الهی از دنیا استفاده کند. نه اینکه دنیا را مقصد اصلی خود قرار دهد.

36. منسوب به امام علی علیه السلام: الرَّفِيقُ السُّوءُ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ؛ دوست بد پاره ای از آتش است. (2)

دوست ناشایست، آتشی است که هر لحظه ممکن است دامن شمارا بگیرد و خانمان سوزتان کند.

37. امام علی علیه السلام: زَلَّةُ الْعَالِمِ كَأَنْكَسَارِ السَّفِينَةِ تَغْرُقُ وَ تُغْرَقُ؛ گمراهی دانشمندان همچون شکستن کشتی است که هم خود غرق می شود و هم باعث غرق دیگران است. (3)

38. امام علی علیه السلام: الْجَاهِلُ صَخْرَةٌ لَا يَنْفَجِرُ مَاؤُهَا وَ شَجَرَةٌ لَا يَخْصِرُ عُودُهَا وَ أَرْضٌ لَا يَطْهَرُ عُشْبُهَا؛ جاهل صخره ای است که از دل آن آبی نمی جوشد و درختی است (خشک) که شاخه هایش نمی روید و زمینی است (بایر) که سرسبز نمی شود. (4)

39. امام صادق علیه السلام: الْإِخْوَانُ ثَلَاثَةٌ فَوَاحِدٌ كَالْغَدَاءِ الَّذِي يُحْتَاجُ إِلَيْهِ كُلَّ وَقْتٍ

1- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 2473.

2- شرح نهج البلاغه، ج 20، ح 875.

3- بحار الأنوار، ج 2، ص 58.

4- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 1123.



فَهُوَ الْعَاقِلُ وَ الثَّانِي فِي مَعْنَى الدَّاءِ وَ هُوَ الْأَحْمَقُ وَ الثَّلَاثُ فِي مَعْنَى الدَّوَاءِ فَهُوَ اللَّيِّبُ؛ برادران (و دوستان) سه دسته اند: یکی چون خوراک است که همیشه بدان نیاز است و آن خردمند است. دومی چون درد است و آن نابخرد است و سومی چون درمان است و آن حکیم روشن ضمیر است. (1)

آدمی برای ادامه حیات مادی خودش نیاز به خوردن و آشامیدن دارد تا بتواند رشد جسمی داشته باشد همان طور انسان برای رسیدن به کمال نیاز دارد از انسان های عاقل و خردمند برای رشد معنوی خود استفاده کند. همان طور که امراض جسمی آدمی را رنج و آزار می دهد. نادان نیز مایه رنج و بیماری جان است. همان طور که برای درمان بیماری های جسمی نیاز به دارو است و برای درمان بیماری های روح نیز نیاز به حکیم روشن ضمیر داریم تا از رهنمودهای او بهره ببریم و دردها درمان کنیم.

40. امام سجاد علیه السلام: إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الْكُذَّابِ فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَةِ السَّرَابِ يُقَرَّبُ لَكَ الْبَعِيدَ وَ يُبَاعِدُ لَكَ الْقَرِيبَ؛ از مصاحبت و همنشینی با دروغ گو پرهیز چراکه او همچون سراب است که دور را برایت نزدیک و نزدیک را برایت دور جلوه می دهد. (2)

شخص دروغ گو آن چنان شیرین زبانی و با کلمات بازی می کند که انسان گمان می کند حقیقت را بیان می کند و آن چنان جذاب صحبت می کند که دور را نزدیک و نزدیک را دور جلوه می دهد. همانند سراب که هیچی و پوچی را نشان می دهد.

41. امام علی علیه السلام: إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الشَّرِيرِ، فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُوبِ، يَحْسُنُ

1- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 323.

2- الكافي، ج 2، ص 376.

مَنْظَرُهُ وَيَقْبُحُ أَثَرُهُ؛ از مصاحبت و همنشینی با انسان شرور بپرهیز، زیرا او همچون شمشیر برهنه (شمشیری که از غلاف کشیده شده است) است که ظاهرش زیباست ولی نتیجه ای شوم به دنبال دارد. (1)

همیشه نباید نگاه ما به ظاهر اشیاء و افراد محدود شود و چه بسا اموری که ظاهری زیبا دارند ولی در باطن شری را به دنبال دارند. خداوند قرآن کریم می فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». بقره/216.

42. امام علی علیه السلام: كُنْ كَالنَّحْلَةِ إِذَا أَكَلْتَ أَكَلْتَ طَيِّباً وَإِذَا وَضَعْتَ وَضَعْتَ طَيِّباً وَإِذَا وَقَعْتَ عَلَى عُوْدٍ لَمْ تَكْسِرْهُ؛ در زندگی همچون زنبور عسل باش که پاکیزه می خورد و از خود محصولی پاکیزه گذارد و هرگاه بر شاخه ای نشیند آن را نشکند. (2)

آدمی در زندگی می بایست همانند زنبور عسل باشد. غذایی پاکیزه و طیب بخورد و آثار نیک و صالح و مفید به جا بگذارد و آزار و اذیتش به دیگران نرسد. نیز علوم و معارف صحیح را دریافت کند و محصولات علمی مفید و قوی تولید کند و در عین خدمت به دیگران، آسیبی به دیگران تحمیل نکند.

43. امام صادق علیه السلام: إِنَّمَا الْمَرْأَةُ قِلَادَةٌ فَإِنْظُرْ مَا تَتَقَلَّدُ؛ زن گردنبند است پس بنگر چه چیز را به گردن می آویزی. (3)

انسان باید در انتخاب همسر دقت کند چراکه همسر شریک و جزئی از زندگی او است و همسر می تواند مایه زینت و آرامش مرد شود و یا مایه آزار و اذیت وی

1- بحار الأنوار، ج 71، ص 198.

2- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ح 7534.

3- معانی الاخبار، ص 144.

گردد.

44. منسوب به امام علی علیه السلام: **الْوَالِدُ الْعَاقِ كَالْإِصْبَعِ الزَّائِدِ** **إِنْ تَرَكْتَ شَأْنَكَ وَ إِنْ قَطَعْتَ أَلَمْتَ**؛ فرزند نافرمان همانند انگشت زیادی است که اگر آن را وانهی عیب است و اگر بریده شود سبب درد می شود. (1)

انسان اگر فرزند ناشایست خود را از خود دور کند مایه غم و غصه است و اگر به حال خودش رها کند مایه آبروریزی و خجالت است.

45. منسوب به امام علی علیه السلام: **شَرِبُ الدَّوَاءِ لِلْجَسَدِ كَالصَّابُونِ لِلثَّوْبِ يُنْقِيهِ وَ لَكِنْ يُخْلِقُهُ**؛ خوردن دارو در بدن اثر سوء می گذارد همانند صابون در جامه که چرک را می زداید ولی آن را به فرسودگی می کشاند. (2)

گاهی دارو برای سلامتی بدن نیاز می شود ولیکن مصرف زیادی آن نیز آسیب زا است؛ و ممکن است بر دیگر اعضا تأثیر منفی بگذارد.

46. امام باقر علیه السلام: **إِيَّاكَ وَ التَّسْوِيفَ فَإِنَّهُ بَحْرٌ يَغْرُقُ فِيهِ الْهَلْكَى**؛ از تسویف (امروز و فردا کردن و به تأخیر انداختن کارها) بپرهیز، چراکه آن دریای است که اهل هلاکت در آن غرق خواهند شد. (3)

هر کاری را باید به موقع انجام داد و با امروز و فردا کردن کار پیش نمی رود و کارها روی هم انباشته شود و هیچ نتیجه ی خوبی از آن ها به دست نمی آید. نیز نباید توبه (حق الله و حق الناس) و تمام کارهای نیک و پسندیده را به تأخیر انداخت چراکه هیچ کس از فردای خود خبر ندارد.

1- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 20، ح 427.

2- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 20، ح 422.

3- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 284.

47. امام کاظم علیه السلام: يَا هِشَامُ إِنَّ الزَّرْعَ يَنْبُتُ فِي السَّهْلِ وَلَا يَنْبُتُ فِي الصَّفَاكَذَلِكَ الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَلَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ؛ ای هشام! به درستی که بذر در زمین نرم و هموار بروید و در سنگلاخ نروید و همین طور حکمت در دل فروتن شکوفا گردد و در دل خودبزرگ بین گردنکش شکوفا نشود. (1)

48. امام علی علیه السلام: مَثَلُ الْعَالِمِ مَثَلُ النَّحْلِ يَنْتَظِرُ بِهَا مَتَى يَسْقُطُ عَلَيْكَ مِنْهَا شَيْءٌ؛ مثل دانشمند همچون درخت نخلی است که باید به انتظار بنشینی تا چیزی از آن بر تو فروافتد. (2)

اگر عالم، خود سخنی گوید، پخته تر است از آنچه در جواب سؤال تو گوید، مانند درخت میوه که اگر از آن، میوه خود فرود آید، پخته تر خواهد بود و اگر تو چینی، خام و پخته درهم است و در راه تحصیل علم و دانش باید صبوری نمود و نباید عجولانه استاد خود را عوض کرد.

49. امام علی علیه السلام: إِنَّمَا مَثَلُ شِيعَتِنَا مَثَلُ النَّحْلِ فِي الطَّيْرِ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الطَّيْرِ إِلَّا وَهُوَ يَسْتَضَعِفُهَا وَ لَوْ أَنَّ الطَّيْرَ تَعَلَّمَ مَا فِي أَجْوَاهِهَا مِنَ الْبَرَكَه لَمْ تَفْعَلْ بِهَا ذَلِكَ؛ مثل شیعیان ما همچون زنبور عسل در میان پرندگان است، هیچ پرنده ای نیست مگر آن که او را حقیر می شمارد؛ اما اگر پرندگان می دانستند که چه برکاتی در شکم او نهفته است با او چنین رفتار نمی کردند. (3)

50. امام رضا علیه السلام: مَثَلُ الْإِسْتِغْفَارِ مَثَلُ وَرَقٍ عَلَى شَجَرَةٍ تَحْرُكُ فَيَتَنَاثَرُ؛ مثل

1- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 397.

2- الكافي، ج 1، ص 37.

3- بحار الأنوار، ج 65، ص 75.

استغفار (و توبه به درگاه خداوند) همچون برگ روی درخت است که چون درخت تکانی می خورد برگ ها می ریزند و پراکنده می شوند. (استغفار نیز باعث ریزش گناهان می گردد). (1)

51. امام کاظم علیه السلام: اتَّقِ الْمُرْتَقَى السَّهْلَ إِذَا كَانَ مُنْحَدِرُهُ وَعَرَا؛ از مکان مرتفع (و یا نردبانی) که صعودش آسان اما فرود آمدنش دشوار است بپرهیز. (2)

به لذات دنیا رسیدن آسان است امام جواب دادن آن در روز قیامت سخت است. همانند کسی که با هزاران حيله و ترفند به نوک کوه ای صعود می کند امام هنگام پایین آمدن راه برایش سخت می گردد؛ و نیز اشاره تشویق به دورنگری و سنجیدن پیامدهای کار قبل از شروع در آن کار است.

52. امام صادق علیه السلام: إِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ يُذِيبُ الْخَطِيئَةَ كَمَا تُذِيبُ الشَّمْسُ الْجَلِيدَ، خوش خلقی گناهان را ذوب می کند همان گونه که خورشید یخ را. (3)

آنقدر صفت خوش اخلاقی مهم است که دارنده این صفت مورد عفو و بخشش الهی قرار می گیرد. خداوند متعال در قرآن کریم چنین می فرماید: مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ؛ هر کس کار نیکی بجا آورد، ده برابر آن پاداش دارد و هر کس کار بدی انجام دهد، جز بمانند آن، کیفر نخواهد دید؛ و ستمی بر آن ها نخواهد شد. انعام/160.

53. امام رضا علیه السلام: السَّحَاءُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ أَغْصَانُهَا فِي الدُّنْيَا، مَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهَا قَادَهُ ذَلِكَ الْغُصْنُ إِلَى الْجَنَّةِ؛ بخشندگی درختی است در بهشت که

1- الکافی، ج 2، ص 54.

2- الکافی، ج 2، ص 336.

3- بحار الأنوار، ج 68، ص 395.

شاخه های آن در دنیا آویخته شده، پس هر کس به یکی از شاخه های آن درآویزد او را به بهشت رهنمون سازد. (1)

بعضی صفات و روحیات انسان را برای رسیدن به بهشت و جهنم بسیار یاری می دهد و در طی طریق هدایت و ضلالت بسیار کلیدی است. به تعبیر دیگر شاهراه است.

54. امام رضا علیه السلام: *الْبُخْلُ شَجَرَةٌ فِي النَّارِ أَغْصَانُهَا فِي الدُّنْيَا، مَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهَا قَادَهُ ذَلِكَ الْغُصْنُ إِلَى النَّارِ*؛ بخل درختی است در آتش (دوزخ) که شاخه های آن در دنیا آویخته شده، پس هر کس به یکی از شاخه های آن درآویزد او را به آتش درافکند. (2)

ایستگاه آخر بخل ورزی دوزخ است. از آنجایی که فرد بخیل حاضر نیست از نعمت هایی که خداوند در اختیار او قرار داده به دیگران بدهد و یا خودش استفاده کند، در اثر این تنگ نظری دچار عذاب الهی می گردد.

55. امام علی علیه السلام: *كُنْ لِمَنْ لَا تَرْجُو أَرْجَى مِنْكَ لِمَا تَرْجُو فَإِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَخَرَاجَ يَفْتَسُ نَارًا لِأَهْلِهِ كَلَّمَهُ اللَّهُ وَرَجَعَ نَبِيًّا وَخَرَجَتْ مَلَكَهُ سَبِيًّا فَاسْتَلَمَتْ مَعَ سُلَيْمَانَ وَخَرَجَتْ سَحْرَهُ فِرْعَوْنَ يَطْلُبُونَ الْعِزَّ لِفِرْعَوْنَ فَرَجَعُوا مُؤْمِنِينَ*؛ نسبت به آنچه امید نداری امیدوارتر از آنچه به آن امید داری باش، زیرا موسی بن عمران رفت تا برای خانواده اش پاره آتشی (جهت گرم کردن) بیاورد اما (به جای آن) خداوند عزوجل با وی سخن گفت و به عنوان پیامبری مرسل از آنجا بازگشت؛ و ملکه سبا از دیار خود (برای آزمودن سلیمان) بیرون آمد اما (در عوض) به سلیمان ایمان آورد؛

1- بحار الأنوار، ج 68، ص 352.

2- بحار الأنوار، ج 68، ص 352.

و جادوگران فرعون برای عزت بخشیدن به فرعون راهی شدند، اما مؤمن (و مخلص) بازگشتند. (1)

سبب ساز و سبب سوز خداوند است.

56. امام کاظم علیه السلام: إِنَّ مَثَلَ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ مَسَّهَا لَيْنٌ وَفِي جَوْفِهَا السَّمُّ الْقَاتِلُ يَحْدَرُهَا الرَّجَالُ ذُوو الْعُقُولِ وَيَهْوَى إِلَيْهَا الصَّبِيَانُ بِأَيْدِيهِمْ؛ مثل دنیا همچون مار است که ظاهر آن و تماس با آن نرم است ولی درون آن زهر کشنده است. مردان عاقل از آن حذر می کنند ولی بچه ها به سوی آن دست دراز می کنند. (2)

دنیا ظاهری زیبا و فریبنده و باطنی خطرناک دارد و کسانی را به خود جذب و شیفته می کند که همچون کودکان بی توجه و ناآگاه از عواقب کارند.

57. امام علی علیه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا ظِلُّ الغَمَامِ وَ حُلْمُ المَنَامِ؛ دنیا سایه ابر است و خوابی که آدمی در خواب می بیند. (3)

دنیا زودگذر است.

58. امام کاظم علیه السلام: مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ اِزْدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ؛ مثل دنیا همچون آب دریاست، هر چه تشنه ای از آن بیشتر بنوشد تشنه تر می شود تا جایی که او را به هلاکت می رساند. (4)

59. امام علی علیه السلام: اِنَّ بَدْوِي الْعُقُولِ مِنَ الْحَاجَةِ اِلَى الْاَدَبِ كَمَا يَطْمَأُ الزَّرْعُ

1- الكافي، ج 5، ص 84.

2- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 396.

3- تصنيف غررالحكم و درر الكلم، ح 3217.

4- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 396.

إِلَى الْمَطَرِ؛ همانا نیاز صاحبان خرد به ادب همچون نیاز زراعت به باران است. (1)

گاهی زمین کشاورزی از هر لحاظ آماده است امام چونکه آب کافی ندارد. محصولانش به بار نمی نشیند و ثمره ای نمی دهد. همین گونه شایسته است فرد دانا، خودش را به آداب و اخلاق زینت دهد. چراکه ادب به انسان شخصیت و عزت می دهد؛ و بر اساس ادب است که انسان مورد قضاوت قرار می گیرد.

60. امام صادق علیه السلام: مَا مِنْ مُسْلِمٍ لَقِيَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ فَصَافَحَهُ وَ شَبَّكَ أَصَابِعَهُ فِي أَصَابِعِهِ إِلَّا تَنَاءَثَرَتْ عَنْهُمَا ذُنُوبُهُمَا كَمَا يَتَنَاءَثَرُ الْوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ فِي الْيَوْمِ الشَّاتِي؛ هیچ مسلمانی نیست که به هنگام دیدار برادر مسلمان خود با وی مصافحه کند و انگشتان خود را به انگشتان وی پیوند دهد، جز آن که گناهان هر دو فرو می ریزد بدان گونه که برگ درخت در روز سرد فرو می ریزد. (2)

دست دادن به هنگام ملاقات از آداب احوال پرسی است؛ و باعث از بین رفتن کینه ها، کدورت ها و گناهان می شود.

61. امام صادق علیه السلام: الصَّبْرُ فِي الْأُمُورِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا فَارَقَ الرَّأْسُ الْجَسَدَ فَسَدَ الْجَسَدُ وَإِذَا فَارَقَ الصَّبْرُ الْأُمُورَ فَسَدَتِ الْأُمُورُ؛ صبر در کارها به منزله سر است برای بدن پس همچنان که اگر سر از بدن جدا شود بدن نابود و فاسد می شود، اگر صبر از کارها برگرفته شود کارها فاسد و تباه می گردند. (3)

لازمه زنده بودن انسان وجود سر در بدن است. اگر در کاری صبر و حوصله نداشته باشیم. در حقیقت آن کار زنده نخواهد ماند و به سرعت در معرض نابودی

1- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 406.

2- الکافی، ج 2، ص 180.

3- الکافی، ج 2، ص 90.



قرار می گیرد.

62. امام علی علیه السلام: مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَقَّ بِطُولِ السَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ؛ هیچ چیز برای زندانی کردن درازمدت مستحق تر از زبان نیست.

(1)

63. امام باقر علیه السلام: إِنَّ هَذَا اللِّسَانَ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ وَشَرٍّ فَيُنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَخْتِمَ عَلَى لِسَانِهِ كَمَا يَخْتِمُ عَلَى ذَهَبِهِ وَفِضَّتِهِ؛ این زبان کلید هر خوبی و بدی است، پس شایسته است که مؤمن بر زبانش مهر نهد همان گونه که بر (صندوق) طلا و نقره اش مهر می نهد. (2)

هر چه آدمی مهر سکوت بر زبان خود بزند و کمتر سخن بگوید از امنیت و آرامش بیشتری برخوردار خواهد بود. همان گونه که انسان در صندوقچه جواهرات را بر روی هرکسی باز نمی کند در سخن گفتن نیز باید مراقب باشد که چگونه؟ چه وقت؟ با چه کسی؟ کجا؟ صحبت می کند.

64. امام علی علیه السلام: صُحِبَهُ الْأَشْرَارُ تَكْسِبُ الشَّرَّ كَالرَّيْحِ إِذَا مَرَّتْ بِالنَّشْرِ حَمَلَتْ نَشْنَأَ؛ مصاحبت با بدان بدی بار آورد، همچون باد که اگر بر چیز گندیده بوزد بوی بد با خود آورد. (3)

دوست و همراهی با انسان های ناشایست، خواه و ناخواه لباس بدی و شرارت به تن ما می پوشاند.

65. امام علی علیه السلام: مُصَاحِبُ الْأَشْرَارِ كَرَآكِبِ الْبَحْرِ إِنْ سَلِمَ مِنَ الْغَرَقِ لَمْ يَسْلَمْ مِنَ الْفَرَقِ؛ همنشین بدان همچون مسافر دریاست که اگر از غرق شدن جان

1- الخصال، ج 1، ص 15.

2- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 298.

3- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 9826.

به سلامت برد از ترس در امان نباشد. (1)

همنشینی با انسان‌ها ضرور این آسیب را داد که هر لحظه ممکن است طومار زندگی آدمی را بپیچند و عاقبت به شری را نصیب شخص کنند؛ و اگر از هلاکت نجات یابد. باز هم در امان نیست چراکه آدمی را با دوستانش می‌شناسند از این رو دائم در معرض تهمت قرار دارد.

66. امام علی علیه السلام: إِذَا أَمْطَرَ التَّحَاؤُدُ نَبَتَ [أَنْبَتَ] التَّقَاؤُدُ؛ هنگامی که باران حسد (بر سرزمین دل‌ها) بیارد، فساد و تباهی در آن می‌روید. (2)

تحاسد و تفاسد؛ اشاره به طرفینی بودن دارد. از این رو هرگاه روابط اجتماعی بر پایه حسادت طرفینی استوار شود و افراد جامعه نسبت به یکدیگر حسادت بورزند و هیچکدام نتوانند پیشرفت دیگران را ببینند (همچنین گروه‌ها و احزاب) نتیجه این روحیه، عدم اصلاح و پیشرفت جامعه است و فساد بر این جامعه حاکم می‌گردد.

67. امام علی علیه السلام: طَعْنُ اللِّسَانِ أَمْضُ مِنْ طَعْنِ السِّنَانِ؛ زخم زبان دردناک‌تر از زخم سرنیزه است. (3)

زخم نیزه و شمشیر به مرور زمان ترمیم می‌یابد و پس از مدتی آرام می‌گیرد و اثراتش محدود است. ولی زخم زبان به سختی ترمیم می‌یابد؛ و تا مدت‌های زیادی اثرش باقی است. زخم نیزه به جسم لطمه می‌زند ولی زخم زبان روح و روان آدمی را آزار می‌دهد. و نیز اشاره به اینکه دردهای روحی مزمن‌تر است از دردهای

1- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 9834.

2- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 6801.

3- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 4513.

جسمی است و در مراقبت از روح باید حساسیت بیشتری نشان داد.

68. امام صادق علیه السلام: إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ انَّمَاثَ الْإِيمَانِ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاطُ الْمِدْحُ فِي الْمَاءِ؛ هرگاه مؤمنی برادر ایمانی خود را مورد تهمت قرار دهد (به عملی که مرتکب نشده) ایمان در دلش آب می شود همان گونه که نمک در آب حل می شود. (1)

تهمت زدن با ایمان حقیقی رابطه ای ندارد. با تهمت زدن ایمان نیز از دل و قلب انسان رخت می بندد.

69. منسوب به امام علی علیه السلام: الصلاة صابون الخطايا؛ نماز صابون شست و شوی گناهان است. (2)

70. امام صادق علیه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَسَّ كُنُّ إِلَى الْمُؤْمِنِ كَمَا يَسَّ كُنُّ الظَّمَانُ إِلَى الْمَاءِ الْبَارِدِ؛ مؤمن در نزد مؤمن آرامش می یابد، همچنان که انسان تشنه با آب سرد آرام می شود. (3)

مؤمن به دلیل ایمان واقعی که به خداوند دارد از یک طمأنینه و آرامش برخوردار است و افرادی که با او در ارتباط هستند. آن آرامش قلبی او در دیگران تأثیر می گذارد با سخنان صحیح و عمل درست و روحیه امیدوارکننده ای و حتی نورانیت و صفای باطنی که دارد آرامش را در قلب دیگران وارد می کند مثل انسان تشنه که وقتی از آب سرد می نوشد دلش آرام می گیرد. نیز صرف وجود مؤمن باعث برکت و آرامش است.

1- الکافی، ج 2، ص 361.

2- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ح 598.

3- الکافی، ج 2، ص 247.

71. امام باقر علیه السلام: مَثَلُ الْحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا كَمَثَلِ دُودِهِ الْقُرْ كَلَّمَا ازْدَادَتْ عَلَى نَفْسِهَا لَفًا كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ عَمَّا؛ حریص بر دنیا همچون کرم ابریشم است که هر چه بیشتر بر اطراف خود تار می تند او را از بیرون آمدن بازمی دارد تا این که از غصه بمیرد. (1)

72. امام باقر علیه السلام: الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَارِهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ كَمِثْلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَتَكَى لَهُ سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَالْحَمَى؛ مثل مؤمنین در دوستی و رحمت و عطوفت و ورزیدن به یکدیگر، همانند یک پیکر است هنگامی که عضوی از آن به درد آید سایر اعضا با بیداری و تب با آن هم ناله می شوند. (2)

بنی آدم اعضای یکدیگر که در آفرینش ز یک گوهرند

چه عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار (سعدی)

73. امام علی علیه السلام: قَلْبُ الْأَحْمَقِ فِي فِيهِ وَ لِسَانُ الْعَاقِلِ فِي قَلْبِهِ؛ قلب احمق در پشت زبانش و زبان عاقل در پشت قلب اوست. (3)

انسان نادان اول حرف می زند سپس فکر می کنند و لکن انسان های دانا اول فکر می کنند سپس حرف می زنند.

کلمه «فم» وقتی به چیزی اضافه شود «میم» آن حذف می شود و حالت جری می گیرد. به اصطلاح، إعراب اسماء سته را می گیرد.

74. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: مَثَلُ الَّذِي يَعْلَمُ الْخَيْرَ وَ لَا يَعْمَلُ بِهِ مَثَلُ السَّرَاحِ يُضِيءُ

1- الکافی، ج 2، ص 134.

2- بحار الانوار، ج 71، ص 234.

3- نهج البلاغه، ح 40.

لِلنَّاسِ وَيُحْرِقُ نَفْسَهُ؛ دانشمند بی عمل همانند چراغی است که به دیگران نور می افشاند و خود را می سوزاند. (1)

75. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: مَثَلُ الَّذِي يَدْعُو بِغَيْرِ عَمَلٍ كَمَثَلِ الَّذِي يَرْمِي بِغَيْرِ قَوْسٍ؛ مثل آن کسی که دعا می کند ولی در راه رسیدن به خواسته اش تلاش نمی کند مثل کسی است که از کمان بدون زه تیراندازی کند. (2)

76. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ الْعِلْمَ فِي صِغَرِهِ كَالنَّقْشِ عَلَى الْحَجَرِ وَ مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ الْعِلْمَ فِي كِبَرِهِ كَالَّذِي يَكْتُبُ عَلَى الْمَاءِ؛ مثل کسی که در کودکی علم فراگیرد، چون نقش بر روی سنگ باشد و کسی که در بزرگی دانش آموزد همچون نوشتن بر آب باشد (3)

هر کس در سنین پایین تر به تحصیل علم و دانش تلاش کنند این دانش برای او ماندگارتر است. ولیکن دانش آموزی در سن بزرگی سریع از حافظه پاک می شود و ماندگاری زیادی ندارد.

77. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؛

مثل اهل بیت من همانند کشتی نوح است، هر کس بر آن سوار شود نجات یابد و هر که تخلف ورزد غرق گردد. (4)

هر کس همراه اهل بیت علیه السلام: باشد نجات یافته است و هر کس از دستورات آن ها سرپیچی کند هلاک می شود.

1- مجموعه ورام، ج 2، ص 214.

2- مجموعه ورام، ج 2، ص 239.

3- مُنِيهِ الْمُرِيد، ص 225.

4- كنز العمال، ح 34151.

78. امام باقر علیه السلام: بَشَسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَكُونُ ذَا وَجْهَيْنِ وَ ذَا لِسَانَيْنِ يُطْرِي أَخَاهُ شَاهِدًا وَيَأْكُلُهُ غَائِبًا؛ چه بد بنده ای است، آن بنده ای که دور و دو زبان باشد، هنگامی که برادرش را ببیند، ثناخوانی او کند و چون از دیده اش پنهان شود، گوشت او را با (غیبت) بخورد. (1)

افراد منافق کسانی هستند که در جلوی شخص تعریف و تمجید می کنند و در پشت سر از او غیبت می کنند.

79. امام علی علیه السلام: لَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَقُولُ لِي قَبْلَ وَفَاتِهِ بِسَاعَةٍ مَرَارًا ثَلَاثًا يَا أَبَا الْحَسَنِ أَدِّ [أداء] الْأَمَانَةَ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ فِيمَا جَلَّ وَ قَلَّ حَتَّى الْخَيْطِ وَ الْمَخِيْطِ؛ سوگند می خورم که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم، ساعتی پیش از وفات آن بزرگوار که سه بار به من فرمود: ای ابوالحسن امانت را (به صاحبش) بازگردان، نیکوکار باشد یا بدکار، کم باشد یا زیاد، حتی در نخ و سوزن. (2)

80. امام علی علیه السلام: مَسْكِينٌ ابْنُ آدَمَ مَكْتُومٌ الْأَجَلِ مَكْنُونٌ الْعِلَلِ مَحْفُوظٌ الْعَمَلِ تُؤْلِمُهُ الْبَقَّةُ وَ تَقْتُلُهُ الشَّرْقَةُ وَ تُنْتِنُهُ الْعَرْقَةُ؛ بی نوا آدمی زاده: مرگش پنهان، بیماری هایش پوشیده است، پشه ای او را بیازارد و جرعه گلوگیری او را بکشد و اندکی عرق بدنش را بد بود کند. (3)

انسان هرچند هم توانا و دانا باشد باز هم ضعیف است چراکه توانایی دور کردن مرگ، بیماری، پشه، جرعه ای آب، اندکی عرق را ندارد.

81. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ؛ علم و دانش

1- الکافی، ج 2، ص 343.

2- تَحْفَ الْعُقُولِ، 175.

3- نهج البلاغه، ح 427.

گنجینه‌هایی است و کلیدهای آن پرسش است. (1)

82. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ؛ دانش را با نوشتن در بند کنید (و نگه دارید) (2)

از بهترین روش‌ها برای حفظ دانش یادداشت کردن آن است. تا مکتوب و ماندگار گردد و نسل‌های بعدی نیز بتوانند از آن دانش بهره ببرند؛ و از آنجاکه دانش به سرعت فراموش می‌شود برای جلوگیری از فراموشی دانش توصیه به نوشتن آن شده است.

83. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: يَهْرَمُ ابْنُ آدَمَ وَيَسْبُ مِنْهُ اثْنَانِ الْجِرْصُ عَلَى الْمَالِ وَالْجِرْصُ عَلَى الْعُمْرِ؛ آدمی زاد پیر می‌شود و دو خوی در او جوان می‌گردد: حرص بر مال و حرص بر عمر. (3)

84. امام علی علیه السلام: بَلَاءُ الْإِنْسَانِ مِنَ اللِّسَانِ؛ گرفتاری انسان از زبان او است. (4)

بیشتر مشکلات و گرفتاری‌های بشر از زبان اوست. گاهی با یک حرف کوچک دنیایی را به آتش می‌کشد. سخن چینی، تهمت، دروغ،... از گناهان زبان هستند که منجر به تفرقه و گرفتاری خود و دیگران می‌شود.

85. امام علی علیه السلام: اللِّسَانُ سَبْعٌ إِنْ خُلِّيَ عَنْهُ عَقَرَ؛ زبان درنده‌ای است، که اگر آزادش گذارند بگزد. (5)

1- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 41.

2- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 37.

3- الخصال، ج 1، ص 73.

4- بحار الأنوار، ج 75، ص 90.

5- نهج البلاغه، ح 58.

اگر زبان کنترل نشود همانند درنده ی وحشی می ماند که به هرکس آزار و اذیت می رساند. به وسیله تهمت، سخن چینی، غیبت، بدزبانی... گزندش را می رساند.

86. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُلْدَغُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ**؛ مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود. (1)

مؤمن مراقب است که اشتباهاتش به حداقل برسد و اگر خطایی هم از او سر زد درس عبرت می گیرد تا دیگر در دام آن گرفتار نشود. شخصی که یک بار گرفتار مشکلی شد دیگر حتی به مقدمات آن مشکل نیز فکر نمی کند و گرد آن نمی چرخد چراکه تجربه کرده است؛ و مزه آن را چشیده است.

87. امام علی علیه السلام: **لِسَانُ الْحَالِ أَصْدَقُ مِنْ لِسَانِ الْمَقَالِ**؛ زبان حال، راستگوتر از زبان گفتار است. (2)

زبان عمل و رفتار راستگوتر از زبان گفتاری است. انسان ممکن است که واقعیات را در زبان کتمان کند ولی کتمان زبان حال آسان نیست چراکه آنچه در قلب است خود را در رفتار و کردار و نگاه بروز می دهد. از کوزه همان تراود که در اوست.

88. امام علی علیه السلام: **زُبَيْمَا كَانَ الدَّوَاءُ دَاءً وَ الدَّاءُ دَوَاءً**؛ چه بسا دارو بیماری و بیماری دارو باشد. (3)

خداوند در قرآن کریم می فرماید: **كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ**

1- بحار الأنوار، ج 19، ص 346.

2- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ح 2842.

3- تُحْفُ الْعُقُولِ، ص 80.



تَكَرُّهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ جهاد در راه خدا، بر شما مقرر شد؛ در حالی که برایتان ناخوشایند است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خیر شما در آن است؛ و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است؛ و خدا می داند و شما نمی دانید.. بقره/216.

از قضا سرکنگبین صفرا فزود روغن بادام خشکی می نمود

از هلیله قبض شد اطلاق رفت آب آتش را مدد شد همچو نفت (مولوی)

89. امام علی علیه السلام: مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئاً إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَائِتِ لِسَانِهِ وَصَفْحَاتِ وَجْهِهِ؛ هیچ کس چیزی را در دل نماند مگر آنکه در لغزش های زبانش و صفحه رخسارش آشکار گشت. (1)

باطن آدمی در گفتار و حالت های رفتاری اش آشکار می گردد. فرد خجالتی چهره اش سرخ می شود فردی که می ترسد لکنت زبان می گیرد و لرزه بر اندام می افتد...

90. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَالْكَلَامُ فِضَّةٌ؛ سکوت طلا و سخن گفتن نقره است. (2)

ارزش سکوت به جا بیشتر از سخن گفتن بی مورد است. چراکه آدمی با معیار سخن سنجیده می شود و با سخن گفتن راه سعادت یا شقاوت را تعیین می کند. باید توجه داشت که اصل بر سکوت است مگر جایی که انسان بداند ارزش سخن

1- نهج البلاغه، ح 26.

2- بحار الأنوار، ج 68، ص 294.

بیشتر است.

91. امام علی علیه السلام: الْإِنْسَانُ عَبْدُ الْإِحْسَانِ؛ آدمی بنده احسان است. (1)

آدمی زاد مطیع و تسلیم کسی می شود که به او لطف، بخشش و نیکی کند.

92. امام علی علیه السلام: إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ؛ از دست دادن فرصت، اندوه است. (2)

93. امام علی علیه السلام: فَكَّرْتُ ثُمَّ تَكَلَّمْتُ؛ بیندیش سپس سخن بگو. (3)

94. امام علی علیه السلام: كَمَا تُعِينُ تُعَانُ؛ آن گونه که یاری می کنی یاری می شوی. (4)

از هر دست بدهی از همان دست می گیری.

95. امام علی علیه السلام: مَنْ أَوْمَأَ إِلَى مُتَّفَاوِتٍ خَذَلْتَهُ الْحِيَلُ؛ هر که به کارهای گوناگون پردازد، به چه کنم چه کنم دچار شود. (5)

انسان باید اهل برنامه ریزی باشد و هر کاری را در زمان و مکان خودش انجام دهد؛ و اگر بخواهد چند کار را باهم انجام دهد دچار سرگردانی و حیرت می شود.

96. امام علی علیه السلام: بَرُّوا آبَائَكُمْ يَبْرِكْكُمْ أَبْنَاءُكُمْ؛ به پدرانتان نیکی کنید تا فرزندانتان به شما نیکی کنند. (6)

همان گفتار و رفتاری که با والدین خود داریم فرزندان ما نیز آن ها را می آموزند و در موقع نیاز همان گونه با ما رفتار می کنند.

1- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 8771.

2- نهج البلاغه، ح 113.

3- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 594.

4- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 10346.

5- نهج البلاغه، ح 411.

6- عیون الحکم و المواعظ، ح 3985.

97. امام علی علیه السلام: مَنْ نَقَلَ إِلَيْكَ نَقْلَ عَنكَ؛ هر که (سخن دیگران را) پیش تو آورد، (سخن تو را) برای دیگران می برد. (1)

فردی که نزد شما از دیگری سخن چینی کند همین فرد نزد افراد دیگر از شما سخن چینی می کند.

98. امام علی علیه السلام: مَنْ حَفَرَ بِنْرًا لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهِ؛ هر که برای برادرش چاهی بکند، خود در آن می افتد. (2)

هر که به دنبال آسیب رساندن به دیگران باشد اول خودش گرفتار آن آسیب می شود.

99. امام علی علیه السلام: كَمْ مِنْ إِنْسَانٍ أَهْلَكَهُ لِسَانٌ؛ چه بسیار انسان هایی که زبان هلاکشان کرد. (3)

زبان ابزاری است که هم می تواند مایه سعادت و هم مایه شقاوت انسان شود؛ و چه بسیار انسان های که در آسایش زندگی می کردند اما یک لحظه افسار زبان را نگه نداشتند و زبان آن ها را به هلاکت و ناآرامی کشاند.

100. امام علی علیه السلام: لَا تَنْظُرُ إِلَى مَنْ قَالَ وَانْظُرْ إِلَى مَا قَالَ؛ به گوینده سخن منگر، بلکه ببین چه می گوید. (4)

سخن های حکمت آمیز منحصر به عالم نیست. چه بسا کلام گهربار و حکمت آمیزی از شخص نادان یا کودکی صادر شود.

1- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 4432.

2- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 88.

3- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 4159.

4- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 10037.

101. امام صادق علیه السلام: أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي؛ بهترین دوستانم کسی است که عیب هایم را به من هدیه کند. (1)
102. امام علی علیه السلام: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْفَرَجُ عِنْدَ تَضَائِقِ الْأَمْرِ؛ نزدیک ترین زمان گشایش وقتی است که عرصه کار تنگ شود. (2)
- پایان شب سیه سفید است. وقتی سیاهی شب به انتهای خود می رسد فجر (گشایش) نزدیک است. وقتی که مشکلات به حد نهایت خود می رسد گشایش و رهایی نزدیک می شود.
103. امام علی علیه السلام: سَلْ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَعَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ؛ پیش از راه از همراه و پیش از خانه از همسایه جستجو کن (درباره آن ها تحقیق و تفحص کن). (3)
- از آداب سفر، انتخاب همسفر خوب است و از آداب خریدن خانه، پرس و جو کردن از همسایگان است. چراکه همسفر خوب و همسایه خوب مایه سعادت و آرامش انسان است.
104. امام علی علیه السلام: الْهَدِيَّةُ تَجْلِبُ الْمَحَبَّةَ؛ هدیه محبت را جلب می کند. (4)
- از اسباب جلب محبت و دوستی هدیه دادن است.
105. امام علی علیه السلام: إِيَّاكَ وَ مَا يُعْتَدَّرُ مِنْهُ؛ بپرهیز از کاری که از آن عذر خواسته

---

1- الکافی، ج 2، ص 639.

2- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 1767.

3- الکافی، ج 8، ص 24.

4- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 9960.

می شود. (1)

فرد مؤمن، در رفتار و گفتار خود دقت می کند تا کاری نکند که مجبور شود عذرخواهی کند. چه حق الله یا حق الناس باشد.

106. امام علی علیه السلام: صِدْيَانُهُ الْمَرْأَةُ الْأَنْعَمُ لِحَالِهَا وَ أَدْوَمُ لِحَمَالِهَا؛ حفظ (حجاب) زن به حال او بهتر و سبب پایدار ماندن زیبایی اوست. (2)

حفظ حجاب باعث محفوظ ماندن زن، از چشم بیگانگان است و باعث پایداری زیبایی اوست و دست مایه بدخواهان و بیگانگان نمی گردد.

107. امام صادق علیه السلام: سَلِّ تَقَّهًا وَ لَا تَسْأَلْ تَعْتًا؛ برای آموختن بپرس نه برای آزردن. (3)

فردی که طالب علم است تواضع و فروتنی می کند و برای آموختن می پرسد نه برای امتحان، مچ گیری، ...

108. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَّصَبْ لَهُ؛ هر کس کودکی دارد، باید با او کودکانه رفتار کند. (4)

با کودکان، رفتاری و گفتاری کودکانه داشته باشیم تا به ما انس بگیرند و مقدمات تربیت آن ها فراهم شود.

109. امام کاظم علیه السلام: مُلَاقَاةُ الْإِخْوَانِ نُشْرَةٌ؛ دیدار با برادران موجب نشاط

1- نهج البلاغه، نامه 33.

2- عیون الحکم و المواعظ، ح 5382.

3- الکافی، ج 6، ص 381.

4- کتاب مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، ج 3، ص 483.

است. (1)

از راه های نشاط و شادابی دیدار برادران مؤمن و صمیمی است. برادرانی که کلام و رفتارشان مایه آرامش انسان است.

110. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: شَرُّ النَّاسِ مَنْ أَكَلَ وَحَدَه؛ بدترین مردم کسی است که به تنهایی غذا می خورد. (2)

111. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا؛ بهترین کارها اعتدال ترین آن ها است. (3)

112. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: مَرَارَةُ الْجِلْمِ أَعْدَبُ مِنْ حَلَاوَةِ الْإِنْتِقَامِ؛ تلخی بردباری گواراتر از شیرینی انتقام است. (4)

113. امام علی علیه السلام: لَا تَسْتَصْغِرَنَّ عَدُوًّا وَإِنْ ضَعُفَ؛ هیچ دشمنی را کوچک مشمار، اگرچه ضعیف باشد. (5)

114. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ الْعِلْمَ ثُمَّ لَا يُحَدِّثُ بِهِ كَمَثَلِ الَّذِي يَكْنِزُ الْكَنْزَ فَلَا يُنْفِقُ مِنْهُ؛ حکایت کسی که علم آموزد و از آن سخن نکند چون کسی است که گنجی نهد و از آن خرج نکند. (6)

زکات دانش نشر آن است و اگر فردی دانش را آموخت و آن را آموزش و نشر نداد مانند کسی که گنجی را پنهان کرده و از آن بهره نمی برد.

1- الأمالی، (مفید)، ص 329.

2- بحار الأنوار، ج 74، ص 164.

3- الکافی، ج 6، ص 541.

4- إرشاد القلوب (دیلمی)، ج 1، ص 74.

5- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ح 7698.

6- نهج الفصاحه، ح 2723.

115. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْعِطَارِ إِنْ جَالَسْتَهُ نَفَعَكَ وَإِنْ مَشَيْتَهُ نَفَعَكَ وَإِنْ شَارَكَتَهُ نَفَعَكَ؛ حکایت مؤمن چون عطر فروش است اگر با او نشینی سودت دهد اگر با او همراه شوی سودت دهد و اگر با او مشارکت کنی سودت دهد. (1)

116. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: مَثَلُ الْأَخْوَيْنِ مَثَلُ الْيَدَيْنِ تَغْسِلُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى؛ حکایت دو برادر چون دو دست است که یکی دیگری را بشوید. (2)

دوستان حقیقی عیب های یکدیگر را پاک می کنند.

117. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَالرَّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ؛ مدارا کردن با مردم نیمی از ایمان و ملامت با آن ها نیمی از خوش زیستن است. (3)

مدارا و دوستی نمودن با دیگر افراد جامعه هم اثر معنوی دارد و نشانه ایمان است و هم اثر دنیوی دارد و موجب لذت در زندگی است.

118. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: مُدَارَاةُ النَّاسِ صَدَقَةٌ؛ مدارا کردن با مردم (به منزله) صدقه است. (4)

صدقه تنها به بذل پول و ثروت نیست بلکه کلام نیک، شاد کردن دیگران، عیادت بیمار، صلح و آشتی میان مردم ... و ملامت با دیگران نیز صدقه است.

119. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ مَثَلُ الدَّارِ إِنْ لَمْ يَجِدْكَ مِنْ

1- نهج الفصاحه، ح 2726.

2- نهج الفصاحه، ح 2734.

3- الکافی، ج 2، ص 117.

4- مشکاه الأنوار، ص 285.

عِطْرِهِ عَلَّقَكَ مِنْ رِيحِهِ؛ حکایت همنشین خوب مثل عطار است که اگر از عطر خویش به تو ندهد بوی خوش آن در تو آویزد. (1)

در برخی از نسخه ها «لَمْ يُحْذِكْ» به معنای اعطی، يعطی آمده است. (مجمع البحرین، ج 3، ص 305)

120. امام علی علیه السلام: عُنْوَانُ صَاحِبِهِ الْمُؤْمِنِ حُسْنُ خُلُقِهِ؛ سرآغاز دفتر مؤمن، خوش اخلاقی اوست. (2)

مؤمن با خوش اخلاقی شناخته می شود و شاخصه رفتارهای او خوش اخلاقی است.

121. امام علی علیه السلام: رَاكِبُ الْعَجَلَةِ مُشْرِفٌ عَلَى الْكِبْوَةِ؛ آن که بر مرکب عجله سوار است در آستانه سقوط است. (3)

شخصی که کارها را با شتاب انجام می دهد تمرکز لازم را ندارد و در اثر عدم تمرکز از جوانب کار غافل می شود و این سبب شکست و بی ثمر شدن فعالیت های او می شود بلکه چه بسا ضرر کند.

122. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: لَا تُمَيِّتُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ فَإِنَّ الْقُلُوبَ تَمُوتُ كَالزُّرُوعِ إِذَا كَثُرَ عَلَيْهَا الْمَاءُ؛ دل ها را با خوردن و نوشیدن زیاد نمیرانید همانا دل ها می میرند همچون زراعتی که آب بر آن زیاد شود. (4)

123. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةِ أَهْلِهِ وَ الْمُنَافِقُ يَأْكُلُ أَهْلَهُ

---

1- نهج الفصاحه، ح 2710.

2- همان، ص 107.

3- غررالحکم و درر الکلم، ص، 382.

4- مکارم الاخلاق، ص 150.



بَشَهْوَتِهِ؛ مؤمن با میل خانواده اش می خورد؛ ولی منافق، خانواده اش طبق میل او می خوردند. (1)

مؤمن شکم پاره نیست و از اشتهای خود به خاطر اشتهای خانواده دست می کشد در مقابل منافق که خانواده اش تابع شکم پارگی و اشتهای سیر نشدنی اویند.

124. امام صادق علیه السلام: مَنْ غَسَلَ يَدَهُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ عَاشَ فِي سَعَةٍ وَ عُوْفِي مَنْ بَلَوِي فِي جَسَدِهِ؛ هر کس قبل از غذا و پس از آن دست هایش را بشوید، پیوسته در گشایش زندگی خواهد کرد و از امراض جسمی در عافیت است. (2)

125. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: مَنْ أَكَلَ وَ ذُو عَيْنَيْنِ يَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ لَمْ يُؤَاسِهِ ابْتِلَى بِدَاءٍ لَا دَوَاءَ لَهُ؛ هر کس غذایی بخورد در حالی که صاحب چشمی (انسان یا حیوانی) او را می نگرد و او را در غذای خود شریک نگرداند به دردی بی درمان مبتلا می گردد. (3)

126. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: هَلْ يَأْكُلُ الشَّيْطَانُ مَعَ الْإِنْسَانِ فَقَالَ نَعَمْ كُلُّ مَا يَدِهِ لَمْ يُذَكَّرْ بِسْمِ اللَّهِ عَلَيْهَا يَأْكُلُ الشَّيْطَانُ مَعَهُمْ وَ يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَهَ عَنْهَا؛ از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد: آیا شیطان با انسان غذا می خورد؟

فرمود: آری. سفره ای که در آن بسم الله گفته نشود، شیطان همراه آن ها می خورد و خداوند، برکت را از آن سفره می برد. (4)

127. سَأَلَ رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ: فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا نَأْكُلُ وَ لَا نَشْبَعُ قَالَ لَعَلَّكُمْ تَقْتَرِقُونَ عَنْ طَعَامِكُمْ فَاجْتَمِعُوا عَلَيْهِ وَ اذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ يُبَارِكْ لَكُمْ فِيهِ؛

1- الكافي، ج 4، ص 12.

2- الكافي، ج 6، ص 290.

3- مجموعه ورام، ج 1، ص 47.

4- جامع الاخبار (شعیری)، ص 47.

مردی از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ما غذا می خوریم ولی سیر نمی شویم. فرمود:

شاید به طور متفرق غذا می خورید. دسته جمعی به دور طعام بنشینید و بر آن نام خدا را بر زبان جاری کنید در این صورت، خداوند به غذای شما برکت می دهد. (1)

128. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: إِذَا تَلَّاقْتُمْ فَتَلَّاقُوا بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصَافِحِ، وَإِذَا تَفَرَّقْتُمْ فَتَفَرَّقُوا بِالِاسْتِغْفَارِ؛ هرگاه به هم رسیدید، سلام کنید و دست بدهید و چون از هم جدا شدید با آمرزش خواهی، یکدیگر را ترک کنید. (2)

129. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: مَا آمَنَ بِي مَنْ بَاتَ شَبَعَانًا وَجَارَهُ الْمُسْلِمُ جَائِعٌ؛ به من ایمان نیاورده است آن کسی که شب، با شکم سیر بخوابد و همسایه مسلمانش گرسنه باشد (3)

130. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ بَيْتَهُ فَلْيُسَلِّمْ فَإِنَّهُ يَنْزِلُ الْبَرَكَةُ وَتُؤْتِيهِ الْمَلَائِكَةُ؛ هرگاه، یکی از شما وارد خانه خود شد، سلام کند تا بر آن خانه، برکت فرود آید و فرشتگان، با آن انس بگیرند. (4)

131. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: لَمَّا سُئِلَ عَنِ الشَّعْرِ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ مُجَاهِدٌ بِسَيْفِهِ وَ لِسَانِهِ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَكَأَنَّمَا يَنْضَحُونَهُم بِالنَّبْلِ؛ در پاسخ به سؤالی درباره شعر فرمود:

1- مکارم الاخلاق، ص 49.

2- الامالی (طوسی)، ص 215.

3- بحار الأنوار، ج 71، ص 94.

4- علل الشرایع، ج 2، ص 583.

همانا مؤمن با شمشیر و زبان خود جهاد می کند سوگند به آن که جانم در دست اوست، شاعران (مؤمن) با شعر خود، گویا دشمنان را هدف تیر قرار می دهند. (1)

132. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: يَا عَلِيُّ لَا تُشَاوِرْ جَبَانًا فَإِنَّهُ يُضَيِّقُ عَلَيْكَ الْمَخْرَجَ وَلَا تُشَاوِرِ الْبَخِيلَ فَإِنَّهُ يَقْصُرُ بِكَ عَنْ غَايَتِكَ وَلَا تُشَاوِرْ حَرِيصًا فَإِنَّهُ يُزَيِّنُ لَكَ شَرَّهَا؛ ای علی! با ترسو، مشورت مکن؛ زیر او راه حل مشکل را بر تو تنگ می کند. با بخیل نیز مشورت مکن؛ زیرا او تو را از هدفت، بازمی دارد با شخص حریص نیز مشورت مکن؛ زیرا او آزمندی را در نظرت، نیکو جلوه می دهد. (2)

133. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: تَصَافَحُوا فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْغُلِّ؛ با یکدیگر دست بدهید زیرا کینه و کدورت را از بین می برد. (3)

134. امام صادق علیه السلام: تَصَافَحُوا فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالسَّخِيمَةِ؛ به یکدیگر دست دهید، که کینه را از میان می برد. (4)  
دست دادن یکی از آداب مورد سفارش دین اسلام به هنگام ملاقات با دیگران است؛ و باعث از بین رفتن کینه می گردد.

135. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: رَاحَةُ الْإِنْسَانِ فِي حَبْسِ اللِّسَانِ؛ در بازداشتن زبان است (5)

سخنان نسنجیده و بدون فکر باعث گرفتاری و زحمت انسان می شود پس

1- مجمع البیان، ج 7، ص 326.

2- بحار الأنوار، ج 70، ص 304.

3- بحار الأنوار، ج 74، ص 165.

4- الکافی، ج 2، ص 183.

5- جامع الاخبار، ص 93.

برای راحتی باید زبان را کنترل کند.

136. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **الْمُؤْمِنُ دَعِبٌ لَعِبٌ وَ الْمُنَافِقُ قَطِبٌ غَضِبٌ**؛ مؤمن، شوخ و شنگ است و منافق، عبوس و خشمگین. (1)

137. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **التَّظَرُّ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ**؛ نگاه کردن، یکی از تیرهای زهرآلود ابلیس است. پس هر که از ترس خدا، چشم خود را (از نامحرم) فروبندد، خداوند به او ایمانی عطا می کند که شیرینی آن را در دلش بیابد. (2)

138. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **يَا أَبَا ذَرٍّ كُنْ عَلَى عُمْرِكَ أَشْحَ مِنْكَ عَلَى دِرْهَمِكَ وَ دِينَارِكَ**؛ ای ابوذر! بر عمرت، بخیل تر از درهم و دینارت باش. (3)

139. امام حسن عسکری علیه السلام: **لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّيَامِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ**؛ عبادت به زیادی روزه و نماز نیست، بلکه (حقیقت) عبادت، زیاد در کار خدا اندیشیدن است (4)

140. امام علی علیه السلام: **الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ**؛ شادی مؤمن در رخسار او و اندوهش در دل است. (5)

شادی مؤمن در چهره ی او آشکار است و غم و اندوه در دلش پنهان است.

141. امام باقر علیه السلام: **قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ**؛

1- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 49.

2- بِحَارِ الْأَنْوَارِ، ج 103، ص 38.

3- مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ، ص 460.

4- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 442.

5- نَهْجِ الْبَلَاغَةِ، ح 339.

به مردم بگویند چیزی که می خواهید به شما بگویند. (1)

هرگونه توقع دارید مردم با شما سخن بگویند شما نیز آن گونه با آنان سخن بگوئید و چون هر کس دوست دارد دیگران با احترام و انصاف و صداقت با او سخن بگویند او نیز باید این گونه با آنان سخن بگوید.

142. امام حسن عسکری علیه السلام: لَا تُمَارِ فِيذَهَبَ بِهَأْوُكَ وَلَا تَمَازِحَ فَيَجْتَرَأُ عَلَيكَ؛

جدال مکن که ارزشت می رود و شوخی مکن که بر تو دلیر شوند. (2)

ارزش و قدر انسان با بگو و مگو کردن کم می شود و شوخی زیاد و بی جا نیز از هیبت فرد می کاهد.

143. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: الزِّيَارَةُ تُنْبِتُ الْمَوَدَّةَ؛ دیدوبازدید، دوستی و محبت را شکوفا می کند. (3)

به دیدار یکدیگر رفتن پایه های دوستی را محکم و بادوام تر می کند.

144. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: تَهَادَوْا تَحَابُّوا تَهَادَوْا فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالضَّغَائِنِ؛ به یکدیگر هدیه دهید، تا محبوب یکدیگر شوید

هدیه بدهید؛ که کینه ها را می زداید. (4)

145. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: اخْتَبِرُوا النَّاسَ بِأَخْدَانِهِمْ فَإِنَّمَا يُخَادِنُ الرَّجُلُ مَنْ يُعْجِبُهُ نَحْوَهُ؛ مردم را بیازمایید زیرا انسان

(از نظر اخلاقی و عملی) مجذوب کسی

1- الکافی، ج 2، ص 165.

2- الکافی، ج 2، ص 665.

3- بحار الأنوار، ج 71، ص 355.

4- الکافی، ج 5، ص 144.

می شود که از او خوشش می آید. (1)

146. منسوب به امام علی علیه السلام: إِيَّاكَ وَصَاحِبَ السُّوءِ فَإِنَّهُ كَالْمَسْلُوقِ يُرِوقُ مَنْظَرُهُ وَيَبْعُحُ أَثَرُهُ؛ از رفیق بد بپرهیز که همچون شمشیری از نیام بیرون آمده ظاهری زیبا و پیامدی زشت دارد. (2)

147. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: مَنْ الْمَعْرُوفِ أَنْ تَلْقَى أَخَاكَ بِوَجْهِ طَلِقٍ وَبِشَرِّ حَسَنِ؛ از کارهای پسندیده آن است که برادر خود را با رویی گشاده و صورتی نکو ملاقات نمائی. (3)

148. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أَحْبَبْتُكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا؛ این گفته مرد به زنش که دوستت دارم هرگز از قلب زن بیرون نمی رود. (4)

149. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: إِيَّاكُمْ وَ مُشَارَةَ النَّاسِ، فَإِنَّهَا تُظْهِرُ الْعُرَّةَ وَ تَدْفِنُ الْغُرَّةَ؛ از بدی کردن و عداوت با مردم بپرهیزد؛ چراکه این کار، عیب ها را برملا می سازد و خوبی ها را دفن می کند. (5)

در اثر دشمنی با مردم دشمنان انسان زیاد می شوند و آن ها تلاش می کنند خوبی های او را بپوشانند و بدی های او را برملا سازند.

150. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: الْمُتَزَوِّجُ النَّائِمُ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْعَزَبِ؛ ازدواج کرده خفته، نزد خدا از ازدواج نکرده روزه گیر شب زنده دار برتر است. (6)

1- مجموعه ورام، ج 2، ص 249.

2- شرح ابن ابی الحدید، ج 20، ص 157.

3- مستدرک الوسائل، ج 12، ص 344.

4- الکافی، ج 5، ص 569.

5- الامالی (طوسی)، ص 482.

6- بحار الأنوار، ج 100، ص 221.

خواب انسان متأهل بافضیلت تر از روزه داری و شب زنده داری انسان مجرد است.

151. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **إِنَّ الرَّجُلَ لَيُوجِرُ فِي رَفْعِ اللَّقْمَةِ إِلَى فِي إِمْرَاتِهِ؛ كَسَى كَهْ بِه طَرَفِ دِهَانِ هَمْسَرَش لَقْمَه اِي رَا بِالَا بِيرِد، پاداش (الهی) نصیبت می گردد.** (1)

152. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم **مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى تُحْفَةً فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلِ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ مَحَاوِيحٍ وَ لِيَبْدَأُ بِالْإِنَاءِ قَبْلَ الدُّكُورِ؛ هر کس وارد بازار شود و هدیه ای بخرد و آن را برای خانواده خود ببرد، همانند کسی است که برای گروهی نیازمند، صدقه ای می برد و باید در دادن هدیه، از دختران شروع کند.** (2)

در اظهار محبت نمودن دختران مقدم می باشند.

153. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ؛ بهشت زیر پای مادران است.** (3)

154. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **سِرُّ سَنَّتَيْنِ بَرٍّ وَالِدَيْكَ؛ برای نیکی به والدین، حتی مسیر دوساله را بیما.** (4)

حدومرزی برای نیکی به والدین نیست اگرچه در دورترین مکان باشند و انسان موظف است به آنان نیکی نماید.

155. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **سِرُّ سَنَّةٍ صِلُ رَحِمَكَ؛ یک سال راه بیما تا صله رحم**

1- محجه البيضاء، ج 3، ص 70.

2- الامالی (صدوق)، ص 577.

3- مستدرک الوسائل، ج 15، ص 181.

4- من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 361.

به جای آوری. (1)

پیوند با خویشان و دیدویازدید آنان ارزش یک سال راه پیمودن را دارد.

156. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَ لَوْ بِالسَّلَامِ؛ صله رحم کنید، گرچه با یک سلام. (2)

157. امام صادق علیه السلام: النَّاسُ سَوَاءٌ كَأَسْنَانِ الْمُشْطِ؛ مردم (در حقوق انسانی) همانند دندان های شانه برابرنند. (3)

158. امام علی علیه السلام: الْمُؤْمِنُ مِرْآةُ الْمُؤْمِنِ؛ فرد مؤمن آینه مؤمن است (4)

چون که مؤمن آینه ی مؤمن بود روی او ز آلودگی ایمن بود (مولوی)

از این حدیث و گوهر بار و زیبا 22 نکته ظریف می شود آموخت:

آینه عیب را می گوید. موبه مو می گوید. با وضوح تمام می گوید نه با کنایه و ابهام. بی صدا می گوید. عیب را بی غرض می بیند و می گوید. خوب و بد را باهم می گوید. محسوسات را می گوید (آنچه را دیده می گوید). عیب نمایی آینه از روی خیرخواهی است نه به هدف تنقیص و ضربه زدن. در گفتن خجالت نمی کشد. عیب را که دید در حافظه نگه نداشته فراموش می کند، تا مگر دوباره ببیند. به همه یکسان می گوید. هر بیشتر نزدیک شوی بهتر می گوید. حال را می گوید نه گذشته یا آینده. آشکار و واضح می بیند (برای دیدن من کنجکاوی نمی کند). شرط دیدنش صافی صداقت است. همه وقت می گوید. همه را می بیند دوست

1- من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 361.

2- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 57.

3- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 368.

4- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 173.



و دشمن. یقین ترین چیزها را می گوید. از نشان دادن خسته نمی شود. هیچ کس از آینه آزرده نمی شود. کمک به اصلاح می کند. اگر شکسته شد باز نشان می دهد. (به نقل از مرحوم حسن عرفان)

159. امام علی علیه السلام: مُتَّفَقَةٌ فِي الدِّينِ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ عَابِدٍ؛ کسی که در راه شناخت دین خود باشد (این) از عبادت هزار عابد بر شیطان ناگوارتر و سخت تر است. (1)

160. امام سجاد علیه السلام: الْقَوْلُ الْحَسَنُ يَثْرِي الْمَالَ وَيُنْمِي الرِّزْقَ وَيُنْسِي فِي الْأَجَلِ وَيُحَبِّبُ إِلَى الْأَهْلِ وَيُدْخِلُ الْجَنَّةَ؛ سخن خوب موجب زیادی مال، توسعه روزی، طول عمر، محبوبیت در خانواده و سرانجام ورود به بهشت می شود. (2)

161. امام سجاد علیه السلام: إِنْ لِسَانَ ابْنِ آدَمَ يُشْرِفُ عَلَى جَمِيعِ جَوَارِحِهِ - كُلُّ صَبَاحٍ فَيَقُولُ كَيْفَ أَصَبَّ بِحَتْمٍ فَيَقُولُونَ بِخَيْرٍ إِنْ تَرَكَتْنَا وَ يَقُولُونَ اللَّهُ اللَّهُ فَيَتَأَمَّرُونَ وَ يَنَاشِدُونَهُ وَ يَقُولُونَ إِنَّمَا نَتَّابٌ وَ نُعَاقِبُ بِكَ؛ هر صبح گاه زبان آدمی به سراغ سایر اعضای بدن می رود. و از آن ها احوال پرسشی می نماید. آنان در جواب می گویند: حال ما بسیار خوب است، اگر تو ما را به حال خود واگذاری، و او را سوگند می دهند و می گویند ما به وسیله تو به پاداش می رسیم و به وسیله تو، به عقوبت و مجازات مبتلا می گردیم. (3)

162. امام سجاد علیه السلام: الْحَقُّودُ يَمُوتُ كَمَدَا؛ شخص کینه توز از غم و غصه می میرد. (4)

1- بحار الأنوار، ج 1، ص 554.

2- الخصال، ج 1، ص 317.

3- الكافي، ج 2، ص 115.

4- مستدرک الوسائل، ج 12، ص 20.

قاتل جان فرد کینه توز اندوهی است که دائم در وجودش جولان می دهد.

163. امام سجاد علیه السلام: يَكْتَفِي اللَّيْبُ بِوَحْيِ الْحَدِيثِ، وَيُنْسَى (يُنْبُو- خ) الْبَيَانُ عَنْ قَلْبِ الْجَاهِلِ؛ انسان خردمند به اشارات کلام اکتفا می کند اما قلب انسان نادان حتی توضیحات سخن را ضبط و نگهداری نمی کند. (1)

عقل با یک اشاره مطلب را درک می کند ولیکن نادان با هزاران اشاره نیز متوجه نمی شود. برای شخص دانا یک دلیل کافی است ولی برای نادان هزاران دلیل نیز کم است.

164. امام صادق علیه السلام: دَاوُوا مَرَضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ؛ بیماران خود را به وسیله پرداختن صدقه، مداوا نمایید. (2)

از راه های درمان بیماری ها روحی و جسمی دادن صدقه است. صدقه می تواند کلام نیک، شاد کردن دل مؤمن، سلام کردن، گره از کاری کسی گشودن،... باشد. هرچند که مصداق بارز صدقه، کمک نمودن به نیازمندان است.

165. قِيلَ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْتَ أَبْرُّ النَّاسِ بِأُمَّكَ وَلَا تَرَكَ تَأْكُلُ مَعَهَا قَالَ أَخَافُ أَنْ تَسَبِّحَ يَدَيَّ إِلَى مَا سَبَّحَتْ عَيْنُهَا إِلَيْهِ فَأَكُونُ قَدْ عَقَقْتُهَا؛ به امام سجاد علیه السلام: گفته شد: تو از هر کس به مادر خویش نیکوتری چرا با مادر خود در یک ظرف غذا نمی خوری؟ فرمود: می ترسم که دست من به سوی لقمه ای رود، که چشم او بدان افتاده باشد و موجب ناراحتی او شده و عاق گردم. (3)

166. امام سجاد علیه السلام: وَاللَّهِ لَقَضَاءُ حَاجَتِهِ يَعْزِي الْأَخَ الْمُؤْمِنَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ

1- مجموعه ورام، ص 93.

2- محاسن، ج 1، ص 294.

3- مکارم الاخلاق، ص 221.

صِيَامِ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ وَاعْتِكَافِهِمَا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ؛ به خدا سوگند، برطرف نمودن گرفتاری و برآوردن حاجت برادر مؤمن در پیشگاه پروردگار عالم محبوب تر است از دو ماه روزه گرفتن پی در پی در حال اعتکاف در مسجدالحرام. (1)

167. امام سجاد علیه السلام: مَا دَخَلَ قَلْبَ امْرِئٍ شَيْءٌ مِنَ الْكِبَرِ إِلَّا نَقَصَ مِنْ عَقْلِهِ مِثْلَ مَا دَخَلَهُ مِنْ ذَلِكَ قَلَّ ذَلِكَ أَوْ كَثُرَ؛ چیزی از کبر و غرور داخل قلب کسی نمی شود، مگر این که به همان اندازه از عقل او کاسته می گردد. (2)

168. امام سجاد علیه السلام: اصْبِرْ عَلَى الْحَقِّ وَإِنْ كَانَ مُرًّا؛ بر حق، صبر و استقامت پیشه کن، اگرچه تلخ باشد. (3)

صبر تلخ آمد ولیکن عاقبت میوه شیرین دهد پر منفعت (مولوی)

169. امام علی علیه السلام: أَدَاءُ الدَّيْنِ مِنَ الدَّيْنِ؛ ادای بدهکاری، بخشی از دین است. (4)

از نشان های دین داری پرداختن حقوقی است که بر عهده ماست.

170. امام علی علیه السلام: بَطْنُ الْمَرْءِ عَدُوُّهُ؛ شکم آدمی دشمن اوست. (5)

انسان در مسیر زندگی علاوه بر دشمنان خارجی، دشمنان داخلی نیز دارد و یکی از آن ها شکمپارگی است که علاوه بر تولید بیماری، موجب قساوت قلب و

1- وسائل الشیعه، ج 10، ص 556.

2- بحار الأنوار، ج 75، ص 186.

3- الکافی، ج 2 ص 91.

4- نثر اللالی، ح 6.

5- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 8175.

سلب نشاط در عبادت و فعالیت های دیگر و نیز کندی ذهن می گردد.

171. امام علی علیه السلام: *تَزَاحُمُ الْأَيْدِي عَلَى الطَّعَامِ بَرَكَهٌ*؛ کثرت دست ها بر سر سفره، مایه برکت است. (1)

غذای دسته جمعی از غذای انفرادی برکت بیشتری دارد.

172. امام علی علیه السلام: *كُلُّ طَيْرٍ يَأْوِي إِلَى شَكْلِهِ*؛ هر پرنده ای، کنار همانند خود فرود می آید. (2)

کبوتر با کبوتر باز با باز کند همجنس با همجنس پرواز.

173. امام علی علیه السلام: *تُلْمَهُ الْحَرِصِ لَا يَسُدُّهَا إِلَّا التُّرَابُ*؛ رخنه حرص را جز خاک گور نبندد. (3)

هیچ چیز نمی تواند حرص و طمع را قطع کند جز خاک گور. زمانی که فرد حریص به خاک سپرده شد. حرص او نیز به پایان می رسد. مگر اینکه در زندگی قناعت پیشه کند.

گفت چشم تنگ دنیادوست را یا قناعت پر کند یا خاک گور (سعدی)

174. امام علی علیه السلام: *حِرْفَةُ الْمَرْءِ كَنْزُهُ*؛ حرفه انسان، سرمایه اوست. (4)

کار و حرفه ای که انسان آموخته است جز سرمایه ی اوست و با آن می تواند به کسب و کار پردازد.

1- نثراللاالی، ح 29.

2- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 9722.

3- نثراللاالی، ح 41.

4- نثراللاالی، ح 59.

175. امام علی علیه السلام: حُمُوضَاتُ الطَّعَامِ خَيْرٌ مِنْ حُمُوضَاتِ الكَلَامِ؛ ترشی غذا بهتر از ترشی سخن است. (1)

ترشی غذا قابل تحمل و درمان دارد. ولی ضرر و زندگی کلام ناپسند به آسانی از بین نمی رود.

176. امام علی علیه السلام: دَوَاءُ الْأَحْزَانِ رُؤْيَةُ الْإِخْوَانِ؛ داروی اندوه ها دیدار دوستان است. (2)

درمان افسردگی و اندوه دیدار دوستان صمیمی و صالح است.

177. امام علی علیه السلام: دِينَارُ الشَّحِيحِ حَجْرٌ؛ دینار شخص بخیل (همچون) سنگ است. (3)

پول و ثروت هنگامی دارای ارزش است که مورد استفاده قرار گیرد اما وقتی که در اثر بخل، مصرف نشود و فقط ذخیره شود فرقی بین آن و سنگ های بی ارزش نیست نه رشد می کند و نه گره ای از کار کسی می گشاید.

178. امام علی علیه السلام: دَوَامُ السُّرُورِ رُؤْيَةُ الْإِخْوَانِ؛ دیدار برادران مایه دوام شادی است. (4)

دیدار با برادران (دوستان)، به استمرار سرحالی و شادی انسان کمک می کند.

179. امام علی علیه السلام: ذِكْرُ الشَّبَابِ حَسْرَةٌ؛ یاد جوانی حسرت آور است. (5)

افرادی که از گذشته خود به ویژه دوران جوانی استفاده به جا و کامل نبردند

1- نثراللائی، ح 65.

2- نثراللائی، ح 81.

3- نثراللائی، ح 88.

4- نثراللائی، ح 84.

5- نثراللائی، ح 91.

هرگاه به یاد آن دوران می افتند حسرت آن روزها را می خورند. عاقل آن است که از سرمایه نقد حاضر استفاده کامل ببرد و حسرت گذشته او را دچار غم و اندوه و توقف و رکود نکند.

180. امام علی علیه السلام: رَاعِ أَبَاكَ يُرَاعِكَ ابْنُكَ؛ (حق) پدرت را مراعات نما تا فرزندت (حق) تو را مراعات نماید. (1)

به پدر خود احسان و نیکی کن تا فرزندت به تو نیکی و احسان کند.

181. امام علی علیه السلام: سِيرَةُ الْمَرْءِ تُنْبِئُ عَنْ سَرِيرَتِهِ؛ رفتار آدمی از درون او خبر می دهد. (2)

رفتاری که از ما سر می زند نشانه از باطن انسان دارد. فردی که باطنی پاک داشته باشد رفتار او نیز درستکاری و صالح است؛ و فردی که رفتار ناشایست دارد باطنی پلید و زشت دارد. «از کوزه همان تراود که در اوست».

182. امام علی علیه السلام: صِلِ الْأَرْحَامَ يَكْثُرْ حَسَمُكَ؛ به خویشاوندان خود رسیدگی کن تا یاران و اطرافیان زیاد شوند. (3)

183. امام علی علیه السلام: ضَاقَتِ الدُّنْيَا عَلَى الْمُتَبَاغِضِينَ؛ دنیا بر کینه توزان تنگ جلوه می کند. (4)

دنیا به این وسعت بر شخص کینه توز زندان است.

1- نثراللاالی، ح 99.

2- نثراللاالی، ح 129.

3- نثراللاالی، ح 147.

4- نثراللاالی، ح 154.

184. امام علی علیه السلام: ضَرْبُ الْحَبِيبِ أَوْجَعُ؛ ضربه دوست دردناک تر است. (1)

آسیبی که از دوست به انسان می رسد دردناک تر و سخت تر از ضربه دشمن است.

185. امام علی علیه السلام: طَرَّ مَعَ الْأَشْكَالِ؛ با همگنان و همتایان خود مجالست کن. (2)

کبوتر با کبوتر باز با باز کند همجنس با همجنس پرواز.

دوست، همسر، همنشین، هم سفر، همسایه را از هم سطح خودت انتخاب کن.

186. امام علی علیه السلام: طَلَبُ الْأَدَبِ خَيْرٌ مِنْ طَلَبِ الذَّهَبِ؛ جستجوی ادب بهتر از جستجوی طلاست. (3)

ادب را فراگرفتن و به کار بستن بهتر است از این که در جستجوی ثروت و مال باشی.

187. امام علی علیه السلام: ظَمَأُ الْمَالِ أَشَدُّ مِنْ ظَمَأِ الْمَاءِ؛ عطش مال شدیدتر از عطش آب است. (4)

عطش و حرص به مال پایانی ندارد؛ و با هیچ ثروت و مالی این عطش فروکش نمی کند.

188. امام علی علیه السلام: عِشْ قَبْعاً تَكُنْ مَلِكاً؛ قانع باش و پادشاهی کن. (5)

1- نثراللائی، ح 155.

2- نثراللائی، ح 169.

3- نثراللائی، ح 170.

4- نثراللائی، ح 183.

5- نثراللائی، ح 188.

اگر انسان به همان مقدار مال و دارائی که نزدش موجود است اکتفا کند از دیگران بی نیاز می گردد و زیر بار منت و ذلت نمی رود و این عزت و آقائی خود پادشاهی است.

189. امام علی علیه السلام: عَلَيْكَ بِالْحِفْظِ دُونَ الْجَمْعِ لِلْكَتْبِ؛ بر تو باد به ذخیره نمودن دانش نه انباشتن کتاب! (1)

آموختن دانش موجب ترقی و رسیدن به سعادت است نه جمع آوری کتاب. ممکن است فردی دنیایی از کتاب داشته باشد اما از آن بهره ای نبرده باشد و به تعبیر قرآن کریم همچون مرکبی که کتاب حمل می کند خود از آن بی بهره. (سوره مبارکه، جمعه/5)

190. امام علی علیه السلام: غَمْرَةُ الْمَوْتِ أَهْوَنُ مِنْ مُجَالِسَةِ مَنْ لَا يَهْوَاهُ قَلْبُكَ؛ سختی جان کندن از همنشینی با کسی که او را دوست نداری آسان تر است. (2)

191. امام علی علیه السلام: فَضْلُ الْعَاقِلِ عَلَى الْجَاهِلِ كَفَضْلِ الْبَدْرِ عَلَى الشُّهُي؛ برتری شخص خردمند بر شخص بی خرد همچون برتری ماه شب چهارده است بر ستاره سُهی. (3)

ستاره سُهی یکی از کم نورترین ستاره هاست که در مجموعه ستارگان دُب اکبر واقع شده است.

192. امام علی علیه السلام: قَوْلُ الْمَرْءِ يُخْبِرُ عَمَّا فِي قَلْبِهِ؛ گفتار آدمی از آنچه در دل

1- نثر اللالی، ح 193.

2- نثر اللالی، ح 197.

3- نثر اللالی، ح 212.



اوست خبر می دهد. (1)

زبان گویای حال درونی انسان است؛ و هر آنچه در دل و نیت انسان است به زبان جاری می شود.

193. امام علی علیه السلام: قَاتِلُ الْحَرِيصِ حَرِيصُهُ؛ حرص، قاتل جان حریص است. (2)

194. امام علی علیه السلام: كَمَا تَرَحَّمُ تُرْحَمُ؛ همان گونه که بر دیگران ترحم می کنی مورد ترحم قرار می گیری. (3)

195. امام علی علیه السلام: كَمَا تَزْرَعُ تَحْصُدُ؛ هر چه بکاری، همان درو می کنی. (4)

196. امام علی علیه السلام: لَيْنُ قَوْلِكَ تُحَبِّبُ؛ سخن نرم گوی تا محبوب گردی. (5)

197. امام علی علیه السلام: مَجْلِسُ الْعِلْمِ رَوْضَةُ الْجَنَّةِ؛ محفل علم و دانش باغ بهشت است. (6)

198. امام علی علیه السلام: هَرَبُكَ مِنْ نَفْسِكَ، أَنْفَعُ مِنْ هَرَبِكَ مِنَ الْأَسَدِ؛ گریختن از نفس (سرکش و اماره) سودمندتر از گریختن از شیر است. (7)

199. امام علی علیه السلام: يَعْمَلُ النَّمَامُ فِي سَاعَةِ فِتْنَةِ أَشْهُرٍ؛ سخن چین در یک ساعت آتش فتنه ی چندماهه را شعله ور می کند. (8)

1- نثراللائی، ح 229.

2- نثراللائی، ح 219.

3- نثراللائی، ح 240.

4- نهج البلاغه، خ 153.

5- نثراللائی، ح 263.

6- نثراللائی، ح 266.

7- نثراللائی، ح 286.

8- نثراللائی، ح 313.

200. امام کاظم علیه السلام: **تَسَدَّ تَحَبُّ عَرَامَهُ الصَّبِيِّ فِي صِدِّ غَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ؛** بازیگوشی {و شیطنت} بچه در دوران کودکی پسندیده است تا در بزرگ سالی انسانی بردبار شود. (1)

201. امام کاظم علیه السلام: **كَثْرَةُ الْهَمِّ يُورِثُ الْهَمَّ؛** غم و غصه بسیار، باعث پیری می شود. (2)

غم و اندوه نشاط و سرزندگی را از انسان سلب می کند و پز مردگی و ناامیدی را فراهم می کند.

202. امام کاظم علیه السلام: **يَا هِشَامُ لَوْ كَانَ فِي يَدِكَ جَوْزَةٌ وَقَالَ النَّاسُ فِي يَدِكَ لَوْلَوْهَ مَا كَانَ يَنْفَعُكَ وَأَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهَا جَوْزَةٌ وَلَوْ كَانَ فِي يَدِكَ لَوْلَوْهَ وَقَالَ النَّاسُ أَنَّهَا جَوْزَةٌ مَا ضَرَبَكَ وَأَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهَا لَوْلَوْهَ؛** ای هشام! اگر گردویی در دست تو باشد و همه مردم بگویند مروارید است نفعی به حال تو ندارد در حالی که تو می دانی که گردو است، و اگر مرواریدی در دست تو باشد و مردم بگویند گردو است، به توزیانی نمی رساند در حالی که تو می دانی که مروارید است. (3)

مدح و ذم غیر واقعی افراد نباید در شخصیت ما اثر بگذارد.

203. امام کاظم علیه السلام: **يَا بَنِيَّ إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ قَدْ غَرِقَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرٌ فَلْتَكُنْ سَفِينَتَكَ فِيهَا تَقْوَى اللَّهِ وَحَشْوَهَا الْإِيمَانَ وَشِرَاعَهَا التَّوَكُّلَ وَفِيْمَهَا الْعُقْلَ وَدَلِيلُهَا الْعِلْمَ وَسَدِّ كَانِهَا الصَّبْرَ؛** لقمان به فرزندش گفت: فرزندم، دنیا دریایی است عمیق خلقی بسیار در آن غرق شدند، پس تلاش کن که در این دریا، کشتی تو،

1- الکافی، ج 6، ص 52.

2- تُحْفُ الْعُقُولِ، ص 403.

3- تُحْفُ الْعُقُولِ، ص 386.

تقوی الهی، و کالا و مال التجاره آن، ایمان و بادبانش توکل (به خدا) و ناخدایش عقل، و راهنمایش عمل، و سکنش صبر باشد. (1)

204. امام کاظم علیه السلام: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِالذَّرَّةِ شَرًّا أَنْبَتَ لَهَا جَنَاحَيْنِ فَطَارَتْ فَأَكَلَهَا الطَّيْرُ؛ چون خداوند تقدیر بدی را برای مورچه بخواهد، به او دو بال می دهد پس او پرواز کرده و خوراک پرندگان می گردد. (2)

آرزوهای نابجا و بلندپروازی های بی حساب مضراتی غیرقابل جبران به دنبال دارد. هر کس باید حد خود را بشناسد و با تکیه بر واقعیات زندگی برنامه ریزی و حرکت نماید.

205. امام کاظم علیه السلام: مُحَادَثَةُ الْعَالِمِ عَلَى الْمَزَابِلِ خَيْرٌ مِنْ مُحَادَثَةِ الْجَاهِلِ عَلَى الزَّرَائِبِ؛ گفتگو کردن با عالم بر خاکروبه ها، بهتر است از گفتگو کردن با انسان نادان و جاهل بر روی فرش های فاخر و گران قیمت. (3)

206. امام رضا علیه السلام: يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ كَيْلًا يَتَمَتَّؤا مَوْتَهُ؛ سزاوار است که مرد بر خانواده خودش توسعه و گشایش بدهد، تا آنان (به علت سخت گیری او و محرومیت خودشان) آرزوی مرگ او را نکنند. (4)

207. امام جواد علیه السلام: مَنْ أَصَغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ الشَّيْطَانِ فَقَدْ عَبَدَ الشَّيْطَانَ؛ هر کس به (سخنان) گوینده ای گوش دهد (گویا) او را پرستیده است،

1- الکافی، ج 1، ص 16.

2- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 403.

3- الکافی، ج 1، ص 39.

4- الکافی، ج 4، ص 11.

اگر از خدا سخن گوید پس همانا خداوند را پرستیده است و اگر (گوینده) از شیطان گوید شیطان را عبادت کرده است (1)

208. امام مهدی علیه السلام: فَأَغْلِقُوا أَبْوَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يَعْنِيكُمْ؛ از آنچه بکارتان نمی آید پرسش مکنید. (2)

209. امام هادی علیه السلام: الْحَسَدُ مَا حِيَ الْحَسَنَاتِ؛ حسد نیکی ها را محو و نابود می کند. (3)

210. امام هادی علیه السلام: وَجُهِكَ مَاءٌ جَامِدٌ يَقْطُرُ عِنْدَ السُّؤَالِ فَانْظُرْ عِنْدَ مَنْ تَقَطَّرَ؛ آبرو و اعتبار تو، چون یخی است که درخواست از دیگران، آن را آب می کند، پس بنگر این اعتبار و آبرو را، در نزد چه کسی می چکانی. (4)

211. امام حسن عسکری علیه السلام: جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ، وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكَذِبُ؛ تمام ناپاکی ها در خانه ای جمع شده و کلید آن خانه دروغ گویی است. (5)

212. حضرت عیسی علیه السلام: مَثَلُ عُلَمَاءِ السُّوءِ مَثَلُ صَخْرَةٍ وَقَعَتْ عَلَى فَمِ النَّهْرِ لَا هِيَ تَشْرَبُ الْمَاءَ وَلَا هِيَ تَتْرِكُ الْمَاءَ يَخْلُصُ إِلَى الرَّزْعِ؛ مثل دانشمندان ناشایسته مثل سنگ بزرگی است که بردهانه رود قرار می گیرد که نه خود آب می آشامد و نه مجال می دهد تا آب به کشتزار برسد. (6)

213. لقمان حکیم علیه السلام: يَا بَنِيَّ الشَّرُّ لَا يُطْفِئُ بِالشَّرِّ كَالنَّارِ لَا تُطْفِئُ بِالنَّارِ وَ لَكِنَّهُ

1- الکافی، ج 6، ص 434.

2- بحار الأنوار، ج 52، ص 92.

3- بحار الأنوار، ج 75، ص 369.

4- إرشاد القلوب (دیلمی)، ص 196.

5- بحار الأنوار، ج 77، ص 375.

6- مجموعه ورام، ج 1، ص 84.

يُطْفَى بِالْخَيْرِ كَالنَّارِ تُطْفَى بِالْمَاءِ؛ لقمان حكيم به فرزندش گفت: ای پسر! شر با شر خاموش نمی شود همچنان که آتش با آتش خاموش نمی شود، بلکه شر با خیر خاموش می شود، همانند آتش که با آب خاموش می شود. (1)

214. لقمان حکیم علیه السلام: يَا بُنَيَّ إِذَا امْتَلَأْتَ الْمَعِيذَةَ نَامَتِ الْفِكْرَةُ وَخَرَسَتِ الْحِكْمَةُ وَقَعَدَتِ الْأَعْضَاءُ عَنِ الْعِبَادَةِ؛ لقمان حکیم به فرزندش گفت: ای پسر! هنگامی که معده پر شد فکر می خوابد و حکمت گنگ و لال می گردد و اعضا از عبادت باز می افتند. (2)

215. يَا مُوسَى سَلْنِي كُلَّمَا تَحْتَاجُ إِلَيْهِ حَتَّى عَلَفَ شَاتِكَ وَ مَدَحَ عَجِينِكَ؛ ای موسی علیه السلام: از من درخواست کن هر آنچه به آن احتیاج داری حتی علف گوسفندان و نمک خمیرت. (3)

216. رُويَ عَنْ بَعْضِ الصَّادِقِينَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّ النَّاسَ أَرْبَعَةَ رَجُلٍ يَعْلَمُ وَيَعْلَمُ أَنَّهُ يَعْلَمُ فَذَاكَ مُرْشِدٌ عَالِمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَرَجُلٌ يَعْلَمُ وَلَا يَعْلَمُ أَنَّهُ يَعْلَمُ فَذَاكَ غَافِلٌ فَاتَّقِطُوهُ وَرَجُلٌ لَا يَعْلَمُ وَيَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَعْلَمُ فَذَاكَ جَاهِلٌ فَعَلِّمُوهُ وَرَجُلٌ لَا يَعْلَمُ وَيَعْلَمُ أَنَّهُ يَعْلَمُ فَذَاكَ صَانٌ فَارْشِدُوهُ؛

از امام صادق علیه السلام: یا امام باقر علیه السلام: روایت شده:

همانا مردم بر چهار دسته هستند:

کسی که می داند و می داند که می داند، پس این شخص هدایت کننده و عالم است، پس از او پیروی کنید.

1- مجموعه ورام، ج 1، ص 231.

2- مجموعه ورام، ج 1، ص 102.

3- بحار الأنوار، ج 90، ص 303.

کسی که می داند و نمی داند که می داند، چنین شخصی غافل است پس باید او را بیدار کرد.

کسی که نمی داند و می داند که نمی داند او جاهل است پس او را یاد دهید.

کسی که نمی داند و نمی داند که نمی داند، پس او گمراهی است که باید او را ارشاد کنید. (1)

217. امام حسن مجتبی علیه السلام: بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ أَرْبَعُ أَصَابِعَ مَا رَأَيْتَ بِعَيْنَيْكَ فَهُوَ الْحَقُّ وَقَدْ تَسْمَعُ بِأُذُنَيْكَ بَاطِلًا كَثِيرًا؛ میان حق و باطل چهار انگشت فاصله است آنچه را که به چشم خود دیده ای درست و حق است و چه بسا با گوش های خود سخنان باطل فراوانی بشنوی. (2)

218. امام علی علیه السلام: الْفُرْصَةُ سَرِيعَةُ الْفَوْتِ وَبَطِيئَةُ الْعُودِ؛ فرصت ها سریع از دست می رود و دیرباز می گردد. (3)

219. امام حسین علیه السلام: لَا تَتَكَلَّفْ مَا لَا تُطِيقُ؛ خود را نسبت به انجام کاری که از توان تو خارج است در زحمت مینداز. (4)

هر کس در پذیرفتن مسئولیت مراقب باشد کاری که توان انجام آن را ندارد را به عهده نگیرد که باعث زحمت و گرفتاری او می شود.

220. امام حسین علیه السلام: يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّمَا أَنْتَ أَيَّامٌ كُلَّمَا مَضَى يَوْمٌ ذَهَبَ بَعْضُكَ؛ ای فرزند آدم! همانا تو چند روزی بیش نیستی، هرگاه روزی بگذرد بخشی از تورفته

1- بحار الأنوار، ج 1، ص 195.

2- تَحْفَ الْعُقُول، ص 229.

3- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 10812.

4- نزهه الناظر، ص 99.

است. (1)

221. امام حسین علیه السلام: مَا لَكَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُنْتَ لَهُ فَلَا تُبْقِ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ لَا يُبْقِي عَلَيْكَ وَكُلُّهُ قَبْلَ أَنْ يَأْكُلَكَ؛ مال تو، اگر برای تو و در خدمت تو نباشد. تو برای آن (و در خدمت آن) خواهی بود پس بر (محبت) آن باقی مباش همچنان که او برای تو باقی نخواهد ماند، و آن را بخور قبل از آنکه تو را بخورد. (2)

222. امام حسین علیه السلام: اعلموا أن الدنيا حلوها و مرها حلم؛ بدانید شیرینی و تلخی دنیا خوابی بیش نیست. (3)

223. امام حسین علیه السلام: فلو رأيتم اللوم رأيتموه سمجاً مشوهاً تنفر منه القلوب و تغض دونه الأبصار؛ اگر پستی و فرومایگی را مجسم می دیدید، همانا آن را چنان زشت و دگرگون می دیدید که دل ها از آن متنفر شود و چشم ها از (نفرت دیدن) آن فروافتد. (4)

224. امام حسین علیه السلام: اعلموا أن المعروف مكسب حمداً و معقب أجراً فلو رأيتم المعروف رجلاً لرأيتموه حسناً جميلاً يسر الناظرين و يفوق العالمين؛ بدانید که کار نیک، حمد و سپاس (دیگران) را جلب می کند و پاداشی را به دنبال دارد، پس اگر کار نیک را (می) توانستید ببینید آن را به صورت انسانی زیبا و نیکو که نظر کنندگان را شاد و مسرور می کند. و برتر از همه جهانیان می دیدید. (5)

1- ارشاد القلوب، ج 1، ص 40.

2- بحار الأنوار، ج 68، ص 357.

3- بحار الأنوار، ج 45، ص 91.

4- بحار الأنوار، ج 75، ص 121.

5- بحار الأنوار، ج 75، ص 127.

225. امام سجاده علیه السلام: مَا مِنْ خُطْوَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ خُطْوَتَيْنِ خُطْوَةٍ يَسُدُّ بِهَا الْمُؤْمِنُ صَفًّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ خُطْوَةٍ إِلَى ذِي رَحْمٍ قَاطِعٍ؛ هیچ گامی نزد خدای متعال محبوب تر از دو گام نیست گامی که مؤمن به جهت پر نمودن صفی در راه خدا برمی دارد و گامی که به جهت صله رحم با خویشاوندی که قطع رحم نموده است برداشته است. (1)

226. امام سجاده علیه السلام: مَا مِنْ جُرْعَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ جُرْعَتَيْنِ جُرْعَةٍ غَيْظٍ رَدَّهَا مُؤْمِنٌ بِحِلْمٍ وَ جُرْعَةٍ مُصِيبَةٍ رَدَّهَا مُؤْمِنٌ بِصَبْرٍ؛ هیچ جرعه ای نزد خدا محبوب تر از دو جرعه نیست؛ جرعه خشمی که مؤمن با بردباری فرومی برد و جرعه مصیبتی که مؤمن با شکیبایی بنوشد. (2)

227. امام سجاده علیه السلام: مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَطْرَتَيْنِ قَطْرَةٍ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَطْرَةٍ دَمَعَةٍ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ لَا يُرِيدُ بِهَا عَبْدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؛ هیچ قطره ای نزد خداوند متعال محبوب تر از دو قطره نیست قطره ی خونی که در راه خدا و قطره اشکی در سیاهی شب ریخته شود و بنده از آن قطره اشک جز خداوند متعال را در نظر ندارد. (3)

228. امام سجاده علیه السلام: إِيَّاكَ وَ الْغَيْبَةَ فَإِنَّهَا إِدَامُ كِلَابِ النَّارِ؛ از غیبت کردن بپرهیز، که آن خورشت سگ های دوزخ است. (4)

احتمال دارد مراد این باشد که غیبت کننده با غیبت های خود خوراک سگ های جهنم را تأمین و آن ها را نیرومند می کند و در نتیجه بیشتر به او حمله

1- الخصال، ج 1، ح 60.

2- الخصال، ج 1، ص 60.

3- الخصال، ج 1، ح 60.

4- بحار الأنوار، ج 72، ص 246.



می کنند و مورد اذیت و آزار قرار می دهند و احتمال دیگر اینکه این است که شخص غیبت کننده، خود به سگ جهنمی تشبیه شده است که گوشت دیگران را می دزد و غیبت را غذای خود قرار داده است. (شرح غررالحکم، خوانساری، ج 1، ص 298)

229. امام باقر علیه السلام: جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ؛ جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است. (1)

230. امام باقر علیه السلام: اَطْلُبْ بَقَاءَ الْعِزِّ بِإِمَاتَةِ الطَّمَعِ؛ عزت همیشگی را با کشتن طمع (در خود) بطلب. (2)

اگر کسی می خواهد همیشه عزیز و سربلند باشد، به هیچ عنوان در مال و مقام و داشته های دیگران طمع و حرص و آز نداشته باشد.

231. امام باقر علیه السلام: صَلَاحُ شَأْنِ النَّاسِ التَّعَايُشُ وَ التَّعَاشُرُ مِلْءٌ مِ كَيْالٍ ثُلَاثَةٌ فَطَنٌ وَ ثُلُثٌ تَعَاْفُلٌ؛ آنچه امور مردم را اصلاح می کند زندگی مسالمت آمیز است معاشرت پیمانه ی است که دوسوم آن زیرکی و یک سوم دیگرش نادیده گرفتن خطای دیگران است. (3)

انسان برای داشتن یک معاشرت صحیح با همنوعان، علاوه بر رعایت هوشیاری و زیرکی باید در بسیاری از موارد خطای دیگران را نادیده بگیرد و با سعه صدر و بزرگواری از کنار آن ها بگذرد.

232. امام علی علیه السلام: خَالِطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مِثَّمْ مَعَهَا بَكُوا عَلَيْكُمْ وَإِنْ

1- الکافی، ج 11، ص 163.

2- تَحْفَ الْعُقُول، ص 286.

3- بِحَارِ الْأَنْوَارِ، ج 71، ص 167.

عَشْتُمْ حَتَّىٰ إِلَيْكُمْ؛ با مردم آن چنان معاشرت کنید که اگر بمیرید بر شما اشک ریزند و اگر زنده بمانید با اشتیاق به سوی شما آیند. (1)

233. امام صادق علیه السلام: أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَىٰ إِلَيَّ عُيُوبِي؛ محبوب ترین ب-رادران-م نزد من، کس-ی است که عیب هایم را به من اهدا کن-د. (2)

هدیه دادن عیوب به این است که تذکر به دیگران به صورت خیر خواهانه و مؤدبانه باشد و به قصد تحقیر و خرده گیری انجام نگیرد.

234. امام حسن علیه السلام: عَجَبٌ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَا أَكُولُهُ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ فَيَجَنَّبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَيُودِعُ صَدْرَهُ مَا يُرِيدِهِ؛ در شگفتم از کسی که در خوراک خود می اندیشد چگونه در افکار خود نمی اندیشد پس او شکم را از غذای آزاد دهنده دور می کند ولی در دل خود افکار تباه کننده جای می دهد. (3)

235. امام علی علیه السلام: الْعَالِمُ حَيٌّ وَإِنْ كَانَ مَيِّتًا الْجَاهِلُ مَيِّتٌ وَإِنْ كَانَ حَيًّا؛ عالم زنده است گر چه مرده باشد جاهل مرده است گر چه زنده باشد. (4)

حقیقت انسانی به حیات نباتی و حیوانی او نیست بلکه آنچه او را از سائر موجودات جدا می کند و مایه حیات انسانی اوست علم و دانش است که در این دنیا و هم در دنیای پس از مرگ با انسان باقی است و نابود نمی شود.

236. امام علی علیه السلام: الْعَالِمُ يَنْظُرُ بِقَلْبِهِ وَ خَاطِرِهِ وَ الْجَاهِلُ يَنْظُرُ بِعَيْنِهِ وَ نَاطِرِهِ؛ دانا با قلب و فکرش می نگرد و نادان (صرفاً) با چشم و دیده اش می نگرد. (5)

1- نهج البلاغه، ح 10.

2- الکافی، ج 2، ص 639.

3- بحار الأنوار، ج 1، ص 218.

4- عیون الحکم و المواعظ، ص 45.

5- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ح 207.

عالِم نگاهش همراه با تفکر و تدبیر است و در مورد اشیایی که می بیند تفکر و تدبیر می کند. ولی جاهل نگاهش در حدّ نگاه ظاهری با چشم است و بدون تفکر و تدبیر در امور خیلی ساده از آن ها می گذرد.

237. امام سجاد علیه السلام: يَا سَوَاتِنَا لِمَنْ غَلَبَتْ إِحْدَاثُهُ عَشْرَاتِهِ يُرِيدُ أَنْ السَّيِّئَةَ بِوَاحِدِهِ وَالْحَسَنَةَ بِعَشْرِهِ؛ بدا به حال کسی که یک هایش (گناهانش) برده هایش (حسناتش) غالب شود. (1)

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ؛ هر کس کار نیکی بجا آورد، ده برابر آن پاداش دارد، و هر کس کار بدی انجام دهد، جز بمانند آن، کیفر نخواهد دید؛ و سستی بر آن ها نخواهد شد». انعام/160. درعین حال عده ای آن قدر خود را آلوده به گناه می کنند که گناهانشان بر ثواب هایشان غلبه می کند.

238. امام باقر علیه السلام: يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِطْعَامَ الطَّعَامِ وَإِفْشَاءَ السَّلَامِ؛ همانا خداوند دادن طعام و آشکار نمودن سلام را دوست دارد. (2)

منظور از افشاء سلام، سلام نمودن به همگان است طوری که فراگیر و همگانی شود.

239. امام صادق علیه السلام: أَحْسِنُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ؛ به کسی که به تو بدی کرد خوبی کن. (3)

جواب بدی، بدی نیست؛ بلکه هر کس به تو بدی کرد تو به او خوبی کن.

1- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 281.

2- المحاسن، ج 2، ص 387.

3- مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، ج 4، ص 179.

جواب سنگ کلوخ نیست. البته این دستور مربوط به روابط شخصی است که در آن عفو و گذشت نشان بزرگواری و موجب عزت است نه در مقابل ظلم و ستم ظالمان و ستمگران که زیر بار ظلم رفتن ذلت و خواری را به دنبال دارد.

240. امام صادق علیه السلام: *مُجَامَلَةُ النَّاسِ ثُلُثُ الْعَقْلِ*؛ تسامح و سخت گیری نکردن با مردم یک سوم خردمندی است. (1)

241. امام صادق علیه السلام: *مَنْ حَسَنَتْ نِيَّتَهُ زِيدَ فِي رِزْقِهِ*؛ هر که نیتش خوب باشد روزی اش فزونی می یابد. (2)

نیت خوب از دلی پاک و سالم نشأت می گیرد و مردم، انسان های پاک دل و خوش قلب را دوست دارند و جذب آن ها می شوند و این باعث رونق کاروکاسبی و در نتیجه زیاد شدن روزی آنان می شود.

242. امام کاظم علیه السلام: *تَوْمُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهْرِ الْجَاهِلِ*؛ خواب عاقل بهتر از بیداری جاهل است. (3)

انسان عاقل و خردمند ثواب خوابش از شب زنده داری شخص جاهل، بیشتر است.

243. امام رضا علیه السلام: *الْبُخْلُ يُمَزَّقُ الْعِرْضُ*؛ بخل آبرو و اعتبار انسان را از بین می برد. (4)

انسان خسیس آبرویش لکه دار می شود و آبرویی برایش نمی ماند؛ و مردم مثل

1- الکافی، ج 2، ص 643.

2- الکافی، ج 2، ص 105.

3- تحف العقول، ص 397.

4- بحار الأنوار، ج 75، ص 375.

انسان های پست با او برخورد می کنند.

244. امام جواد علیه السلام: طُولُ التَّسْوِيفِ حَيْرَةٌ؛ عقب انداختن کارها به مدت طولانی، باعث سرگردانی است. (1)

اگر انسان ناچار باشد کارش را به آینده موکول نماید نباید مدت آن طولانی باشد که این طولانی شدن مانع از برنامه ریزی و موجب تشویش و سرگردانی است.

245. امام جواد علیه السلام: الْعُلَمَاءُ غُرَبَاءُ لِكَثْرَةِ الْجَهَالِ بَيْنَهُمْ؛ عالمان غریب هستند چراکه افراد جاهل در میانشان زیاد است. (2)

فرد نادان قدر و منزلت عالم را نمی داند لذا عالم و دانشمند در بین جاهلان تنها و غریب است.

246. امام هادی علیه السلام: الْجَاهِلُ أَسِيرٌ لِسَانِهِ؛ نادان اسیر زبان خویش است. (3)

فرد نادان در سخن گفتن شرایط زمانی و مکانی را ملاحظه نمی کند، و در مورد حرف هایش قبل از صحبت فکر نمی کند، لذا حرف هایش او را گرفتار می کند.

247. امام صادق علیه السلام: الْغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ؛ خشم، کلید هر شری است. (4)

وقتی انسانی غضب می کند و عصبانی می شود امکان دارد هر کاری از او سر بزند و خشم عواقب بدی را در پی دارد از جمله دعوا، ناسزاگویی، تهمت، بی حرمتی...

248. امام صادق علیه السلام: مَنْ يَزْرَعُ خَيْرًا يَحْصُدْ غِنًى؛ کسی که خوبی می کارد

1- تحف العقول، ص 456.

2- بحار الأنوار، ج 75، ص 81.

3- بحار الانوار، ج 75، ص 365.

4- الكافی، ج 2، ص 303.

منفعت درو می کند. (1)

249. امام صادق علیه السلام: مَنْ يَزْعُ شَرًّا يَحْصُدُ نَدَامَةً؛ کسی که بدی می کردد پشیمانی درو می کند. (2)

کسی که کار ناشایست انجام می دهد در آینده ناراحت و پشیمان می شود و عواقب آن را می بیند.

250. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ؛ سخن نیک صدقه است. (3)

سخن خوش و نیکو با دیگران؛ حکم صدقه دادن را دارد. اگر کسی توان مالی ندارد تا به مستمندان کمک کند؛ می تواند با زبانش به گونه ای صحبت کند که دیگران خوشحال شوند؛ و این، پاداش صدقه دارد.

251. امام علی علیه السلام: الْمَالُ لَا يَنْفَعُكَ حَتَّى يُفَارِقَكَ؛ مال تا از تو جدا نگردد به تو سود نمی رساند. (4)

هر چیز و هرکس تا وقتی نزد ماست برای ما مفید است ولی مال این گونه نیست تا از ما جدا نشود نفعی نمی رساند پس به جای انباشتن مال و ثروت باید آن را در راه خیر صرف نمود تا منفعت آن نصیب انسان گردد.

252. امام علی علیه السلام: تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَحْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ؛ سخن بگویند تا شناخته شوید، زیرا که مرد در زیر زبانش پنهان است. (5)

1- الکافی، ج 2، ص 458.

2- الکافی، ج 2، ص 458.

3- مکارم الاخلاق، ص 467.

4- عیون الحکم و المواعظ، ح 376.

5- نهج البلاغه، ح 398.

انسان تا صحبت نکند شناخته نمی شود سخن هر کس میزان علم، عقل، ادب و سائر ویژگی های شخصی او را نشان می دهد.

تا مرد سخن نگفته باشد علم و هنرش نهفته باشد (سعدی)

253. امام علی علیه السلام: **زُبَّ قَوْلٍ أَنْفَذُ مِنْ صَوْلٍ؛** بسا گفتاری که اثرش بیشتر از حمله کردن است. (1)

گاهی نفوذ و اثر یک سخن از نفوذ و اثر یک عملیات نظامی بیشتر است. سخن، می تواند دل ها را تسخیر کند و روحیه یاران را تقویت و روحیه دشمن را تضعیف کند و در نهایت پیروزی را هموار سازد.

254. امام علی علیه السلام: **مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَا ظَلَمْتَ إِذَا وَقَفْتَ وَقَفَ وَإِنْ طَلَبْتَهُ بَعُدَ؛** مثال دنیا مانند سایه توست، اگر بایستی می ایستد و اگر دنبالش کنی دور می شود. (2)

انسان هر چه دنبال خواسته های دنیایی خود برود اولاً: تمام شدنی نیست و ثانیاً: به تمام آن ها نمی رسد و ثالثاً: رسیدن به آن ها سخت تر می شود و آن ها از او دورتر می شوند مثل انسانی که دنبال سایه ی خودش برود که وقتی می ایستد سایه انسان هم می ایستد و وقتی سایه را دنبال می کنیم، سایه هم از ما دور می شود.

255. امام علی علیه السلام: **زُبَّ كَلَامٍ كَلَامٌ؛** چه بسیار سخنی که موجب جراحت است (3)

بعضی به گونه ای صحبت می کنند که دل و قلب طرف مقابل را جریحه دار می کنند و گویا با نیزه در قلب آن ها زده اند.

1- نهج البلاغه، ح 402.

2- عیون الحکم و المواعظ، ح 9020.

3- عیون الحکم و المواعظ، ح 4859.

256. امام علی علیه السلام: **زُبُّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ**؛ چه بسا کلامی که مانند تیغ تیز برنده است. (1)

257. امام علی علیه السلام: **الْهَمُّ يُذَيِّبُ الْجَسَدَ**؛ غم و غصه، بدن را آب می کند. (2)

258. امام علی علیه السلام: **الشُّكُوتُ عَلَى الْأَحْمَقِ أَفْضَلُ جَوَابِهِ**؛ بهترین پاسخ در برابر شخص احمق سکوت است. (3)

وقتی انسانی کم خرد و احمق حرفی زد سکوت بهترین جواب است چون اولاً: او (توانایی درک موقعیت یا موضوع را ندارد) و ثانیاً: ممکن است پاسخ دادن به جروبحث بیهوده کشیده شود؛ که جز خستگی و زیاد شدن کدورت ها اثری ندارد از همین رو گفته اند: جواب ابلهان خاموشی است.

259. امام علی علیه السلام: **قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَيِّكَ وَ مُعَلِّمِكَ وَ إِن كُنْتَ أَمِيرًا**؛ به احترام پدر و آموزگارت از جا برخیز اگر چه امیر و فرمانروا باشی. (4)

260. امام علی علیه السلام: **أَهْلُ الدُّنْيَا كَرَكِبٍ يُسَارُّ بِهِمْ وَ هُمْ نِيَامٌ**؛ اهل دنیا مانند سوارانی هستند که آن ها را می برند در حالی که خوابند. (5)

شخص سواره باید همواره هوشیاری خود را حفظ کند و مرکب را به طرف مقصد دلخواه هدایت کند و اگر به خواب رود کنترل مرکب از دست او خارج شده و بی اختیار به جایی که نباید برود برده می شود و به مقصد نمی رسد و چه بسا

1- عیون الحکم و المواعظ، ح 4860.

2- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ح 7453.

3- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ح 1256.

4- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ح 9970.

5- نهج البلاغه، ح 62.



موجب سقوط و هلاکت او گردد.

261. امام علی علیه السلام: لَوْ سَكَتَ مَنْ لَا يَعْلَمُ سَقَطَ الْإِخْتِلَافُ؛ اگر کسی که نمی داند سکوت می کرد اختلاف از بین می رفت. (1)
- اگر شخصی نسبت به مطلبی جاهل است و علم نسبت به آن ندارد، سکوت کند و در مورد آن مطلب نظر ندهد و صحبت نکند، اختلافی پیش نمی آید چون کسی که در مورد آن علم دارد نظر درست و صحیح را ارائه می دهد.
262. امام علی علیه السلام: لِكُلِّ شَيْءٍ بَذْرٌ وَبَذْرُ الْعَدَاوَةِ الْمِرَاحُ؛ هر چیزی بذری دارد و بذر دشمنی شوخی کردن است. (2)
- شوخی زیاد و بی مورد منجر به دشمنی می شود.
263. امام علی علیه السلام: اجعل سيرك إلى واحدٍ و مشورتك إلى ألفٍ؛ رازت را فقط نزدیک نفر قرار بده، ولی مشورت را با هزار نفر انجام بده. (3)
264. امام علی علیه السلام: عَذِبَ حُسَادَكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ؛ حسودان را با احسان و خوبی نمودن به آنان عقوبت کن! (4)
- اگر کسی به تو حسودی می کند، تو مقابله به مثل نکن. بلکه به او نیکی و احسان کن تا او خودش خجالت بکشد و این تنبیه و عقوبت برای اوست.
265. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: قلبٌ ليس فيه شيءٌ من الحكمة كَيِّتِ خَرِبٌ؛ دلی که در آن حکمت نیست، مانند خانه ای ویران است. (5)

1- کنزالفوائد، ج 1، ص 319.

2- عیون الحکم و المواعظ، ح 6794.

3- شرح ابن ابی الحدید، ج 20، ح 556.

4- شرح ابن ابی الحدید، ج 20، ح 644.

5- نهج الفصاحه، ح 2095.

حکمت یعنی درک صحیح از واقعیات زندگی، داشتن این درک صحیح می تواند در تعیین اهداف و راهبردهای درست، انسان را یاری کند و باعث موفقیت و رستگاری انسان گردد و برعکس نداشتن این درک صحیح موجب پریشانی فکر و به بیراهه رفتن و شک های پی در پی انسان گردد و وجود انسان را همانند خانه ای خراب و ویرانه قرار دهد.

266. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: قَالَ لِأَصْحَابِهِ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَاعَدَ الشَّيْطَانُ مِنْكُمْ كَمَا تَبَاعَدَ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ قَالُوا بَلَى قَالَ الصَّوْمُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ وَ الصَّدَقَةُ تَكْسِرُ ظَهْرَهُ وَ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْمُوَازَرَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعُ دَابِرَهُ وَ الْإِسْتِغْفَارُ يَقْطَعُ وَتَيْنَهُ؛

آیا به شما خبر ندهم از چیزی که اگر آن را انجام بدهید شیطان از شما دور می شود همان طور که مشرق از مغرب دور است؟ (اصحاب) گفتند: آری حضرت فرمودند: روزه گرفتن چهره او را سیاه می کند و صدقه پیشش را می شکند و دوستی در راه خدا و کمک کردن بر انجام کار خوب ریشه او و استغفار کردن رگ گردنش را قطع می کند. (1)

قرآن می فرماید: إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا؛ البتّه شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید.

(فاطر/6). حال برای جنگ با شیطان در مسیر زندگی به ابزارها و سلاح نیاز داریم که در این حدیث شریف به برخی از مهم ترین ابزارها اشاره شده است.

267. امام علی علیه السلام: عُقُولُ الْفُضَلَاءِ فِي أَطْرَافِ أَقْلَامِهَا؛ عقل های انسان های

برتر در نوک قلم های آن هاست. (1)

آثار قلمی افراد فرهیخته، حاکی از مقدار عقل و درایت و دانش آنان است زیرا نوشته های هر شخص خلاصه افکار او و چکیده معلومات و آموخته ها و تجربیات زندگی اوست. و نیز نوعی تشویق به مطالعه کتب دانشمندان و علما است.

268. امام صادق علیه السلام: *إِنَّ الْمُتَكَبِّرِينَ يُجْعَلُونَ فِي صُورِ الذَّرِّ يَتَوَطَّأُهُمُ النَّاسُ حَتَّى يَفْرُغَ اللَّهُ مِنَ الْحِسَابِ*؛ همانا متکبران (در روز قیامت) به صورت مورچه درآمده و پایمال مردم می گردند تا خدا از حساب فارغ شود. (2)

منشأ تکبر این است که شخص به درستی، خود و موقعیت خود در عالم را نشناخته است و این عدم شناخت و جهل حکایت از حقارت او دارد و در روز قیامت که روز آشکار شدن باطن امور است این حقارت به این صورت مجسم می شود و شاید این تجسم عقوبتی است متناسب با نوع اشتباهی که در دنیا مرتکب شده است.

269. امام علی علیه السلام: *الْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشُبُّ نِيرَانَ اللَّجَاجِ*؛ زیاده روی در ملامت آتش لجاجت را مشتعل می سازد. (3)

ملامت زیاد موجب تحقیر و خرد شدن شخصیت طرف مقابل است و همین باعث عدم تأثیر آن می شود زیرا شخص به فکر جبران این تحقیر برمی آید و اولین کار این است که با لجاجت این پیام را به ملامت کننده منتقل می کند که کلام تو ارزشی برای من ندارد.

1- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 288.

2- الکافی، ج 2، ص 311.

3- تُحْفُ الْعُقُولِ، ص 84.

270. امام علی علیه السلام: الْكُتُبُ بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ؛ كتاب ها باغ های دانشمندان هستند. (1)

271. امام علی علیه السلام: الْمَعِدَةُ بَيْتُ الدَّاءِ؛ معده خانه بیماری است. (2)

272. امام علی علیه السلام: مَنْ تَرَكَ إِتْكَارَ الْمُتَكِرِ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَيِّتٌ فِي الْأَحْيَاءِ؛ کسی که با دل و دست و زبانش با کارهای ناپسند مخالفت نکند همانند مرده ای در بین زندگان است. (3)

شخصی که منکر و کار بدی را می بیند، ولی نسبت به آن بی تفاوت است و هیچ مخالفتی با آن نمی کند (نه مخالفت عملی نه کلامی و نه حداقل مخالفت قلبی) این شخص مانند انسانی مرده در بین زنده ها است، زنده بودن او ثمره ای ندارد.

273. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: لَوْ كَانَ الْعِلْمُ مَنُوطًا بِالثُّرَيَّا لَتَنَاوَلَهُ رَجَالٌ مِنْ فَارِسٍ؛ اگر علم و دانش در پروین باشد مردمی از ایران آن را به دست خواهند آورد. (4)

خوشه پروین، یا ثریا، نام خوشه ای در صورت فلکی گاو که به هفت خواهر مشهور است.

274. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: تَذَاكُرُوا وَ تَلَاقُوا وَ تَحَدَّثُوا فَإِنَّ الْحَدِيثَ جِلَاءٌ لِلْقُلُوبِ إِنَّ الْقُلُوبَ لَتَرِينُ كَمَا يَرِينُ السَّيْفُ جِلَاءُهَا الْحَدِيثُ؛ با یکدیگر گفتگو و ملاقات داشته باشید و حدیث بگوئید زیرا حدیث مایه جلای دل هاست، دل ها نیز مانند

1- عیون الحکم و المواعظ، ح 92.

2- مکارم الاخلاق، ص 362.

3- مجموعه ورام، ج 2، ص 126.

4- بحار الأنوار، ج 1، ص 195.

شمشیر زنگ می زند و جلای آن حدیث است. (1)

275. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **الْوَلَدُ سَدِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ**؛ فرزند هفت سال (اول) سید و سرور است و هفت سال (دوم) مطیع و فرمان بردار و هفت سال (سوم) وزیر و مشاور است. (2)

دوران کودکی و نوجوانی و جوانی فرزند به سه زمان تقسیم می شود در هفت سال اول نه از قدرت جسمی زیادی برخوردار است و نه قدرت فکری لازم؛ بنابراین نه می توان او را با کار زیاد واداشت و نه از او مشاوره فکری خواست او در این هفت سال مانند آقایی است که سروری می کند و پدر و مادر در خدمت اویند.

در هفت سال دوم از قدرت بدنی بالاتری برخوردار شده است و می توان به فراخور توان او را به کارهایی واداشت تا کم کم مهارت ها و تجربیات زندگی را بیاموزد و از طرفی عصائی برای دست پدر و مادر باشد بنابراین در هفت سال دوم مدت سروری او به پایان می رسد و همچون گماشته ای باید در کارها به پدر و مادر کمک کند و این خود در ساخته شدن او نقش به سزائی دارد.

و در هفت سال سوم علاوه بر توان بدنی از قدرت فکری مناسبی هم برخوردار می شود همچون وزیری لایق و توانا پشتیبان و یاور پدر و مادر باشد.

276. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **حُبُّ الْمَالِ وَالشَّرْفِ يُنْبِتَانِ النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الْبُقْلَ**؛ شیفته ثروت و ریاست بودن نفاق در دل می رویاند همان گونه که آب گیاه را می رویاند. (3)

1- الکافی، ج 1، ص 41.

2- مکارم الاخلاق، ص 222.

3- مجموعه ورام، ص 155.

کسی که تشنه ثروت و ریاست است برای به دست آوردن آن یا از دست ندادن آن به هر چیزی چنگ بزند گاهی دروغ می گوید گاهی واقعیات را وارونه جلوه می دهد گاهی ظاهرسازی می کند و این موجب دوگانگی بین باطن و ظاهر شخص می شود و این همان نفاق است.

277. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **الْمُتَزَوِّجُ النَّائِمُ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْعَرَبِ**؛ مرد همسر داری که مشغول خواب و استراحت است نزد خدا بهتر از مرد بی همسر روزه داری است که به عبادت خدا ایستاده باشد. (1)

278. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ**؛ علم و دانش را طلب کنید هر چند در چین باشد. (2)

چین در زمان قدیم مثالی برای سرزمین های دوردست بود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم با این جمله می خواهند اهمیت فراگیری علم و دانش در اسلام را گوش زد نمایند که برای طلب آن باید حتی رنج سفرهای طولانی و تحمل هزینه های فراوان و غربت و دوری از وطن و مشکلات دیگر را به جان خرید.

279. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **مَا شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الْبُخْلِ وَ سُوءِ الْخُلُقِ وَ إِنَّهُ لَيُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الطَّيْنُ الْعَسَلَ**؛ چیزی نزد خدای عزوجل مبغوض تر از بخل و بداخلاقی نیست و همانا آن، عمل (انسان) را فاسد می کند همان گونه که گل عسل را فاسد می کند. (3)

نکته زیبایی این حدیث تشبیه بخل و بداخلاقی به سرکه و اعمال صالحه به

1- بحار الأنوار، ج 103، ص 221.

2- بحار الأنوار، ج 1، ص 177.

3- بحار الأنوار، ج 16، ص 231.

عسل است.

280. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: الشَّيْخُ يَضْعُفُ جِسْمُهُ وَقَلْبُ الشَّيْخِ شَابٌّ عَلَى حُبِّ اثْنَيْنِ عَلَى جَمْعِ الْمَالِ وَ طُولِ الْحَيَاةِ؛ انسان پیر ناتوان می شود ولی دل او بر محبت دو چیز جوان است: جمع کردن مال و عمر طولانی. (1)

انسان در معرض این خطر است که با فرارسیدن فصل کهنسالی و پیری هرچند قوای جسمی او ضعیف شده و توان انجام بسیاری از گناهان از او سلب می گردد ولی ممکن است بعضی از صفات و رذائل روحی او قوت گیرد و او را از پرداختن به امور آخرتش بازدارد مانند دلپستگی زیاد به ثروت و آرزوی عمر طولانی. این دو خصالت باعث می شود که سفر آخرت را جدی نگیرد و کمتر به جبران گذشته ها و تهیه مقدمات سفر فکر نماید.

281. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: يَأْتِي زَمَانٌ يَذُوبُ فِيهِ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ كَمَا يَذُوبُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ قِيلَ بِمِ ذَلِكَ قَالَ مِمَّا يَرَى مِنَ الْمُنْكَرِ لَا يَسَّ تَطْبِيعُ تَغْيِيرِهِ؛ روزگاری بر مردم فرارسد که دل مؤمن آب می شود بدان گونه که نمک در آب حل می شود عرض شد: چرا؟ فرمودند: چون منکر را (در مردم) می بیند و قدرت تغییر آن را ندارد. (2)

سست شدن ایمان و گرایش به مادیات و اصل شدن لذت و شهوت موجب شیوع بسیاری از گناهان و از بین رفتن قبح آن می گردد به طوری که مخالفت نمودن با گناه، مخالفت کردن با جو عمومی و شنا کردن برخلاف مسیر آب می شود و انسان های دردمند فقط شاهد این صحنه های شوند و به دلیل عدم قدرت تغییر رنج می برند و اندوه می خورند.

1- نهج الفصاحه، ح 1827.

2- مجموعه، ورام، ج 2، ص 32.

282. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: اعْلَمُ أَنْ كُلَّ شَيْءٍ إِذَا فَسَدَ فَالْمِلْحُ دَوَاؤُهُ فَإِذَا فَسَدَ الْمِلْحُ فَلَيْسَ لَهُ دَوَاءٌ؛ بدان که هر چه بگندد دارویش نمک است اما اگر نمک بگندد دارویی ندارد. (1)

اصلاح امور یک جامعه به دست فرهیختگان و صاحبان قدرت است ولی اگر خود این ها فاسد شوند توان و انگیزه اصلاح را از دست می دهند و فساد در جامعه تبدیل به یک بیماری مزمن و بی علاج می گردد.

283. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: الْعِلْمُ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ وَالْحِلْمُ وَزِيرُهُ وَالْعَقْلُ دَلِيلُهُ وَالْعَمَلُ قِيَمُهُ وَالصَّبْرُ أَمِيرُ جُنُودِهِ وَالرَّفْقُ وَالإِدَّةُ وَالْبِرُّ أَخُوهُ؛ علم و دانش دوست مؤمن است و عقل راهنمای اوست و کار و تلاش سرپرست او و بردباری وزیر او و صبر فرمانده سربازان او و رفق و مدارا پدر او و نرم خوئی برادر اوست. (2)

زندگی هر انسان همچون کشوری است که نیاز به مدیریت دارد و مدیر و مسئول اصلی آن خود انسان است. البته انسان نیاز به یاران و کارگزارانی دارند که او را یاری دهند در این حدیث شریف برخی از آن کارگزاران و یاران معرفی شده اند.

284. امام علی علیه السلام: الْقَلْبُ خَازِنُ اللِّسَانِ؛ دل خزانه دار زبان است. (3)

اگر انسان زبان خود را رها کند زبان، سرمایه خود را که همان سخن است بیهوده مصرف می کند بنابراین نیاز به نگهبانی دارد که آن را کنترل نماید و تنها نگهبان او قلب و دل انسان است اگر انسان به ندای قلب خود توجه کند قلب، او را راهنمایی می کند که کجا سخن بگوید و کجا نگوید؟ و چه بگوید و چه نگوید؟

1- مکارم الاخلاق، ص 465.

2- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 55.

3- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 877.



285. امام علی علیه السلام: الْكَذِبُ يُزْرِى بِالْإِنْسَانِ؛ دروغ، انسان را کوچک می کند و بر او عیب وارد می سازد. (1)

286. امام علی علیه السلام: اللَّجَّاجُ يَكْبُو بِرَاكِبِهِ؛ لجاجت (مرکبی است که) سوار خویش را از رو به زمین می اندازد. (2)

لجبازی و اصرار بر عمل یا حرف باطل نوعی مقابله و جنگ با حقیقت است و کسی که با حقیقت درآویزد به زمین خواهد خورد.

287. امام علی علیه السلام: اللِّسَانُ مِيزَانُ الْإِنْسَانِ؛ زبان ترازوی سنجش انسان است. (3)

میزان سنجش انسان ها زبان آن هاست مقدار صداقت آن ها مقدار علم و ادب و سایر فضائل آن ها از زبانشان و سخنانشان آشکار می شود.

288. امام علی علیه السلام: الْمُرِيبُ أَبَدًا عَلِيلٌ؛ کسی که در هر چیز شک می کند همیشه بیمار است. (4)

هرچند شک و تردید مقدمه ای برای جستجو و تحقیق است ولی شک بیش از حد به صورتی که انسان در هر چیز و به هر کس شک نماید و هیچ گاه نتواند به اطمینان و یقین برسد موجب سلب آرامش روحی و زمینه ساز انواع بیماری هاست.

289. امام علی علیه السلام: الْمِرَاحُ يُورِثُ الضَّغَائِنَ؛ شوخی (بی مورد) کینه ها را به

1- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 4395.

2- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 10651.

3- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 4021.

4- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 1066.

دنبال می آورد. (1)

290. امام علی علیه السلام: الْبِشْرُ يُطْفِئُ نَارَ الْمُعَانَدَةِ؛ خوش رویی، آتش دشمنی را خاموش می کند. (2)

291. امام علی علیه السلام: الصَّاحِبُ كَالرُّقْعَةِ فَاتَّخِذْهُ مُشَاكِلًا؛ همنشین مانند وصله است پس همانند آن را انتخاب کن. (3)

برای وصله لباس باید از پارچه ای استفاده کرد که با جنس و رنگ لباس تناسب داشته باشد وگرنه آن وصله به چشم می آید؛ و موجب ناهماهنگی است باید در انتخاب همنشین مانند همسر و دوست نیز خصوصیات اخلاقی و رفتاری او را در نظر گرفت و کسی را انتخاب کرد که با انسان سنخیت داشته باشد وگرنه شاهد عدم تفاهم و ناهماهنگی در روابط خواهیم بود.

292. امام علی علیه السلام: الْفَرَضُ تَمَرٌ مَرَّ السَّحَابِ؛ فرصت ها بسان ابر می گذرند. (4)

293. امام علی علیه السلام: الْقَنَاعَةُ سَيْفٌ لَا يَنْبُو؛ قناعت شمشیری است که گند نمی شود. (5)

تأثیر قاطع قناعت در زندگی هیچ گاه از بین نمی رود و در تمامی مراحل زندگی اثرگذار است.

294. امام علی علیه السلام: الْمَرْءُ عَدُوٌّ مَا جَهِلَ؛ آدمی دشمن چیزی است که

1- تُحَفَ الْعُقُولُ، ص 86.

2- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 9924.

3- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 9713.

4- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 10809.

5- بحار الأنوار، ج 68، ص 96.

نمی داند. (1)

ریشه بسیاری از دشمنی ها جهل و عدم شناخت است. طبیعی است کسی که چیزی را نمی شناسد به آن گرایش ندارد و با چشم انکار و مخالفت به آن می نگرد. از این رو اطلاع رسانی و تلاش برای زدودن جهل و ناآگاهی می تواند بسیاری از عداوت ها و اختلافات را برطرف سازد.

295. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **إِيَّاكُمْ وَ الْمَدْحَ فَإِنَّهُ الذَّبْحُ**؛ از مدح بپرهیزید که سربریدن است. (2)

احتمالاً این حدیث شریف به این نکته تربیتی اشاره می کند که دیگران را در مقابل آنان مدح و ثنا نکنید که آفاتی را به دنبال دارد اگر طرف مقابل کم ظرفیت باشد باعث غرور و خودپسندی و توقف پیشرفت او می شود و گویا با این کار او را قربانی کرده ایم ناگفته پیداست که مسئله تشویق و قدردانی از دیگران امری مطلوب و با مدح و ثناگویی متفاوت است.

296. امام علی علیه السلام: **تَقَالَ بِالْخَيْرِ تَنْجَحُ**؛ فال نیک بزن تا کامیاب شوی. (3)

فال بد زدن و به قول معروف آیه یأس خواندن نشاط و روحیه انسان را از بین می برد و انگیزه کار و تلاش انسان را ضعیف می کند و در مقابل، کارها را به فال نیک گرفتن و خوش بین بودن به انسان انرژی و روحیه می بخشد.

297. امام علی علیه السلام: **الْجَهْلُ مَعْدِنُ الشَّرِّ**؛ نادانی، معدن بدی ها است. (4)

1- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 1142.

2- نهج الفصاحه، ح 1000.

3- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 1857.

4- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 1093.

وقتی انسانی جاهل و نادان است به دلیل همین نادانی بدی های زیادی از او سر می زند.

298. امام علی علیه السلام: الْجُودُ حَارِسُ الْأَعْرَاضِ؛ بخشندگی، نگهبان آبروها است. (1)

سخاوت و بخشندگی مزیتی است که موجب جذب دل ها دیگران و محبوبیت انسان می شود و این سبب می شود که بسیاری از عیوب انسان تحت الشعاع قرار گیرد و پوشیده بماند و دیگران نیز از بازگو کردن آن ها صرف نظر کنند.

299. امام علی علیه السلام: الْخَطُّ لِسَانُ الْيَدِ؛ خط، زبان دست است. (2)

خداوند به انسان دو زبان برای تفهیم مقاصد خویش عطا کرده است. یکی زبان سر که با سخن گفتن مقاصد و خواسته های درونی انسان آشکار می نماید و دیگر زبان دست که با نوشتن این کار را انجام می دهد.

300. امام علی علیه السلام: الْخِيَانَةُ أَخُو الْكُذْبِ؛ خیانت برادر دروغ است. (3)

انسان دروغ گو در گفتارش حقیقت را نشان نداده است و خیانت کار هم در رفتارش حقیقت را نشان نمی دهد. پس خیانت کار برادر دروغ گو است که یکی در گفتار است و دیگری در رفتار است.

301. امام علی علیه السلام: السَّاعَاتُ تَنْتَهَبُ الْأَعْمَارَ؛ ساعت ها عمرها را غارت می کنند. (4)

1- بحار الأنوار، ج 66، ص 410.

2- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ح 283.

3- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ح 10515.

4- عیون الحکم و المواعظ، ح 847.

هر لحظه ای که می گذرد از عمر انسان کاسته می شود و گویا عمر انسان گنج گران بهایی است که گذر لحظه ها در حال غارت کردن آن است.

302. امام علی علیه السلام: السَّهْرُ رَوْضَةُ الْمُشْتَقِينَ؛ شب زنده داری، باغ صاحبان اشتیاق است. (1)

همان گونه که مردم از تفرج در باغ ها لذت می برند، کسانی که مشتاق پروردگار و رسیدن به مقام قرب اویند، از بیداری در شب و عبادت خداوند لذت می برند.

303. امام علی علیه السلام: الْبَخِيلُ خَازِنٌ لَوَرَثَتِهِ؛ بخیل برای وارثان خود می اندوزد. (2)

فرد بخیل نگهبان و انباردار مال و ثروت خود برای وارثان است و خود از آن ها بهره ای نمی برد.

304. امام علی علیه السلام: الْمَرْءُ بِأَصْغَرِيهِ: بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ؛ ارزش آدمی به دو عضو کوچک او است؛ قلبش و زبانش. (3)

قدر و منزلت و ارزش هر انسانی به دو عضو کوچک یعنی قلب و زبان اوست قلبش هر چه قوی تر و سالم تر و مهربان تر و... و زبانش هر چه فصیح تر و راستگوتر و... باشد ارزش او در نزد مردم بیشتر است.

305. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: أَنَّ الْغَضَبَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ أَنَّ الشَّيْطَانَ خُلِقَ مِنَ النَّارِ وَ إِنَّمَا يُطْفِئُ النَّارَ الْمَاءُ فَإِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَتَوَضَّأْ؛ خشم از شیطان است و شیطان از آتش آفریده شده است. آتش با آب خاموش می شود؛ پس هرگاه یکی از

1- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 7375.

2- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 6511.

3- عیون الحکم و المواعظ، ح 1643.

شما خشمگین شد وضو بگیرد. (1)

306. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **إِيَّاكَ وَاللَّوْفَ إِنْ اللَّوْفَ تَفَتَّحَ عَمَلَ الشَّيْطَانِ**؛ از اگر و ای کاش گفتن بپرهیز که این آغاز کار شیطان است. (2)

افسوس خوردن بر عدم موفقیت ها و یا بر فقدان برخی از امکانات و توانمندی ها گره ای از کار کسی نمی گشاید بلکه زمینه سستی و تنبلی و عدم انگیزه و ناامیدی شیطان برای شکست دادن انسان است. عاقل کسی است که با عبرت گرفتن از گذشته با امکانات موجود، زندگی و کار خود را تدبیر کند و بداند اگر چیزهایی را ندارد در مقابل چیزهای زیادی هم دارد که می تواند با همان به موفقیت برسد. برگزیده ها افسوس خوردن دردی را دوا نمی کند باید به پا خواست به فکر آینده شد.

به قول معروف «اگر را کاشتنند سبز نشد» اگر دکتر بودم، اگر پول داشتم، اگر نمی رفتم...

307. امام علی علیه السلام: **مَنْ اسْتَدَامَ قَرْعَ الْبَابِ وَ لَجَّ وَ لَجَّ**؛ هر کس پیوسته دری را بکوبد و پافشاری کند، به درون راه یابد (در به رویش گشوده شود). (3)

بردباری و استقامت عامل مهمی برای پیروزی رسیدن به هدف است.

308. امام علی علیه السلام: **مَنْ عَذَّبَ لِسَانَهُ كَثُرَ إِخْوَانُهُ**؛ هر که خوش زبان باشد، دوستانش افزون شوند. (4)

سخنان تلخ و نیش دار و گزنده و نیز سخنان عاری از نزاکت و ادب و انصاف

1- بحار الأنوار، ج 70، ص 272.

2- کنز العمال، ح 8385.

3- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ح 3785.

4- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ح 9994.

باعث پراکنده شدن دیگران از اهداف انسان می شود و در مقابل سخنان شیرین و دلنشین سبب جذب آنان خواهد شد.

309. امام علی علیه السلام: **بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تُكُونَ غُصَّةً**؛ فرصت ها را دریاب پیش از آنکه سبب دریغ خوردن شود. (1)

هر وقت فرصت کار خیر و کاری که برای تو مفید است، پیش آمد، امروز و فردا نکن و زود آن را انجام بده، چون وقتی آن کار را انجام ندهی و وقت آن کار بگذرد ثمره ای جز پشیمانی و غصه ندارد

310. امام علی علیه السلام: **التَّوْبَةُ مَمْحَاةٌ**؛ بازگشت به خدا (و پشیمانی)، محوکننده (گناهان) است. (2)

اگر انسانی از خطایی که انجام داده است پشیمان شود و توبه کند آن کار از پرونده ی اعمالش پاک می شود؛ و اگر آن خطا در مقابل مردم بوده است و واقعاً پشیمان شود و به سوی خدا بازگردد خداوند متعال آن را جبران می کند و دل های مردم را نیز جذب او می کند گویا خطایی مرتکب نشده است.

311. امام علی علیه السلام: **الْجَهْلُ مَطِيَّةٌ شَدَّ مُوسَىٰ مِنْ رَكْبِهَا زَلٌّ وَمَنْ صَدَّ حَبَّهَا ضَلٌّ**؛ نادانی مرکبی است چموش هر که بر آن سوار شود بلغزد، و هر که با آن همراه شود گمراه گردد. (3)

312. امام علی علیه السلام: **الْجَهْلُ مَوْتُ**؛ نادانی مرگ است. (4)

هدف از آفرینش انسان این است که در پرتو فهم و دانائی خود را به کمال

1- نهج البلاغه، نامه، 31.

2- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 3834.

3- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 1172.

4- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 1162.

برساند انسانی که در جهالت و نادانی است از حیات انسانی برخوردار نیست و گویا مرده ای در بین زندگان است.

313. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ؛ حسد حسنات را می خورد چنانکه آتش هیزم را می خورد. (1)

انسان حسود در اثر حسد مرتکب گناهان زیادی می شود و موجب از بین رفتن و محو شدن حسنات و خوبی های او می گردد.

314. امام علی علیه السلام: كَمَا أَنَّ الصَّدَأَ يَأْكُلُ الْحَدِيدَ حَتَّى يُفْنِيَهُ كَذَلِكَ الْحَسَدُ يَكْمِدُ الْجَسَدَ حَتَّى يُفْنِيَهُ؛ چنانکه زنگار، آهن را می خورد تا آن را نابود سازد حسد نیز بدن را بیمار می کند تا آن را فانی گرداند. (2)

315. امام علی علیه السلام: قَدْ يُنْبُو الْحُسَامُ؛ گاهی شمشیر کند می گردد. (3)

این طور نیست که اسباب و عوامل همواره بر وفق مراد نتیجه دهد گاهی موانعی پیش می آید و نتیجه مطلوب به دست نمی آید.

316. امام علی علیه السلام: الْمُحْسِنُ حَيٌّ وَإِنْ نُقِلَ إِلَى مَنَازِلِ الْأَمْوَاتِ؛ نیکوکار زنده است هرچند به سوی منزل های مردگان حمل و نقل شود. (4)

انسانی که کارهای نیک انجام می دهد، اگرچه از دنیا برود و در جمع زندگان نباشد ولی آثار کارهای نیک او باقی است و یاد او در خاطره ها است پس گویا نمرده و هنوز زنده است.

1- مجموعه ورام، ج 1، ص 126.

2- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 6824.

3- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 1107.

4- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 8819.



سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز مرده آن است که نامش به نکوئی نبرند (مواعظ، غزل، 20)

317. امام علی علیه السلام: مَنْ سَاءَتْ سَجِيَّتُهُ سَرَّتْ مَنِيَّتُهُ؛ هر که اخلاق او بد باشد مرگ او مایه خوشحالی است. (1)

مرگ فرد بد اخلاق مایه خوشحالی و شادمانی دیگران است چراکه از اخلاق بد او آسوده می گردند.

318. امام صادق علیه السلام: اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ؛ روزی را با صدقه فرود آورید. (2)

از اسباب جذب روزی، صدقه دادن است.

319. امام علی علیه السلام: حَدِيثُ كُلِّ مَجْلِسٍ يُطَوَّى مَعَ بَسَاطِهِ؛ سخن هر مجلسی با بساط آن پیچیده می شود. (3) (اسرار مجلس نیز باید پیچیده شود)

گاه در مجلسی سخنانی گفته می شود که از اسرار آن مجلس است و باید در سینه محفوظ بماند؛ و به دیگران منتقل نشود خواه جلسه دوستانه باشد یا رسمی.

320. امام علی علیه السلام: مَا أَكَلْتَهُ رَاحَ وَ مَا أَطْعَمْتَهُ فَاحَ؛ آنچه را که خوردی رفت. و آنچه را که خورانییدی پخش (ماندگار) شد. (4) (پاداش و ستایش آن باقی است)

وقتی انسانی چیزی را خودمصرف می کند، نام و نشان و اثری از آن باقی نمی ماند. ولی وقتی آن را به دیگران انفاق می کند نام و نشان و پاداش آن می ماند و گویا آن چیز ماندگار شده است.

1- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 5713.

2- الکافی، ج 4، ص 3.

3- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 11041.

4- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 8583.

321. امام علی علیه السلام: عَدَاوَةُ الْأَقْرَابِ أَمْرٌ مِنْ لَسَعِ الْعَقَارِبِ؛ دشمنی خویشان و نزدیکان تلخ تر از گزیدن عقرب هاست. (1)

زیرا انسان انتظار دشمنی از آنان را ندارد بلکه انتظار محبت و دوستی و پشتیبانی دارد و این واقعاً تلخ و دردآور است.

322. امام علی علیه السلام: الْكَذَّابُ وَالْمَيِّتُ سَوَاءٌ فَإِنَّ [لِأَنَّ] فَضِيلَةَ الْحَيِّ عَلَى الْمَيِّتِ الثَّمَّةُ بِهِ فَإِذَا لَمْ يُوثَّقْ بِكَلَامِهِ [فَقَدْ] بَطَلَتْ حَيَاتُهُ؛ دروغ گو و مرده برابرند چون برتری زنده بر مرده اعتماد به اوست پس هرگاه به سخن او اعتمادی نباشد بر زندگی او مهر بطلان خورده است. (2)

323. امام علی علیه السلام: إِذَا قَصُرَتْ يَدُكَ عَنِ الْمُكَافَأَةِ فَأَطِلْ لِسَانَكَ بِالشُّكْرِ؛ هرگاه دستت از مکافات و تلافی کردن کوتاه گردد زیانت را به شکر بلند کن. (3)

وقتی انسانی به تو محبت و احسان کرد و تو نتوانستی احسان او را در عمل جبران کنی و مقابله به مثل کنی؛ به وسیله زیانت از او تشکر شایسته و فراوان کن.

324. امام علی علیه السلام: لَا تَكُنْ فِيمَا تُوْرِدُ كَحَاطِبِ لَيْلٍ وَ غُثَاءِ سَيْلٍ؛ در ایراد سخن چون هیزم چین شب، و کف و خاشاک روی سیل مباش. (4)

جمع کنند هیزم در شب در اثر عدم دید کافی ممکن است هر چیز خوب و بدی را جمع نماید و نیز سیل ممکن است هر چیز باارزش یا بی ارزش را با خود بیاورد و این حدیث توصیه می فرماید که سخنگو باید مراقب باشد و فقط کلام

1- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 9337.

2- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 4386.

3- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 6160.

4- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 10969.

صحیح و مفید بر زبان جاری کند و مانند این دو خوب و بد را در هم نگیرد.

325. امام باقر علیه السلام: **يُنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِينَ إِذَا تَوَارَى أَحَدُهُمَا عَنْ صَاحِبِهِ بِشَجَرَةٍ ثُمَّ التَّقِيَا أَنْ يَتَصَافَحَا؛** برای مؤمنین سزاوار است که چون یکی از آن ها از رفیقش به فاصله درختی نهان شد و سپس به هم رسیدند مصافحه کنند. (1)

اهمیت مصافحه (دست دادن) آن قدر مهم است که حتی برای چند لحظه دوری بازهم تأکید بر انجام آن شده است.

326. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **مَثَلُ الْمُؤْمِنِ وَأَخِيهِ كَمَثَلِ الْكَفَيْنِ يَنْقِي أَحَدَهُمَا الْآخَرَ؛** مثل مؤمن و برادرش مثل دو دست است که یکی دیگری را می شوید و پاک می کند. (2)

هر انسان مؤمن باید تلاش کند که عیوب و اوصاف ناپسند را از برادر مؤمنش بزداید و او را پیراسته از آلودگی ها کند.

327. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **مَنْ عَرَّضَ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ الْمُتَكَلِّمِ فِي حَدِيثِهِ فَكَأَنَّمَا خَدَشَ وَجْهَهُ؛** هر کس در بین سخن گفتن برادر مسلمانش لب به سخن بگشاید، گویا به صورتش چنگ کشیده است. (3)

328. امام علی علیه السلام: **لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا لَحَشَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ؛** اگر انسانی سنگی را دوست داشته باشد با همان سنگ محشور می شود. (4)

در قیامت که صحنه آشکار شدن سریره ها و باطن انسان هاست، محبت ها

1- الکافی، ج 2، ص 181.

2- میزان الحکمه، ش 18180.

3- الکافی، ج 2، ص 660.

4- الامالی (صدوق)، ص 210.

و علاقه ها تجسم پیدا کرده و مُحب و محبوب در کنار هم ظاهر می شوند و آنچه محشور شدن با او ارزنده نیست لایق نیست که کمند محبت بر او افتد.

329. امام صادق علیه السلام: مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ؛ هر انسانی دو روزش مساوی باشد بازنده است. (1)

انسان باید دائماً در حال تکامل و رشد باشد به طوری که امروزش مانند دیروزش نباشد اگر این گونه نباشد در تجارت عمر و زندگی دچار ضرر و خسارت گردیده است.

330. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: مَنْ وَقِيَ شَرَّ ثَلَاثٍ فَقَدْ وَقِيَ الشَّرَّ كُلَّهُ لَقَلْبِهِ وَ قَبْقَبِهِ وَ ذُبْذِبِهِ؛ هر انسانی از شر سه چیز در امان باشد از تمام شرور در امان است؛ زبانش و شکمش و شهوتش. (2)

تمام اعضای انسان نعمت های است که خداوند متعال به او ارزانی داشته است تا از آن ها در راه صحیح استفاده نماید ولی در اثر عدم مراقبت ممکن است این اعضا و جوارح در مسیر ناصحیح مورد استفاده قرار گیرد و صرف در حرام شود مخصوصاً بعضی از آن ها که زمینه انحراف و سوق به گناه در آن ها قوی تر است که در این حدیث به آن ها اشاره شده است.

331. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: إِيَّاكَ وَ الْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يُسَوِّدُ الْوَجْهَ؛ از دروغ بپرهیز که دروغ، روسیاهی می آورد. (3)

332. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: طُوبَى لِمَنْ أَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ وَأَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ

1- الامالی (صدوق)، ص 668.

2- بحار الأنوار، ج 74، ص 169.

3- تُحْفُ الْعُقُولِ، ص 14.

قَوْلُهُ؛ خوشا بر آن کس که افزون بر نیاز مالش را انفاق و از افزون بر نیاز کلامش را ذخیره کند. (1)

333. امام علی علیه السلام: ابْنُ آدَمَ أَشْبَهُ شَيْءٍ بِالْمَعْيَارِ إِمَّا نَقِصٌ بِجَهْلٍ أَوْ رَاحِحٌ بِعِلْمٍ؛ آدمی زاده شبیه ترین چیز به ترازوست: یا با نادانی سبک شود و یا به دانش سنگین گردد. (2)

334. امام حسن مجتبی علیه السلام: إِذَا لَقِيَ أَحَدَكُمْ أَخَاهُ فَلْيَقْبَلْ مَوْضِعَ النُّورِ مِنْ جَبْهَتِهِ؛ هرگاه یکی از شما با برادر خود دیدار کند، جای نور پیشانی او را ببوسد. (3)

335. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: يُبْصِرُ أَحَدَكُمْ الْقَدَى فِي عَيْنِ أَخِيهِ، وَيَدْعُ الْجِدْعَ فِي عَيْنَيْهِ؛ برخی از شما خسی را در چشم برادرش می بیند امام تنه ی درخت را در چشم خویش نادیده می گیرد. (4)

برخی در حالی عیب های اندک دیگران را می بینند که از عیب های بزرگ خود غافل اند.

336. امام صادق علیه السلام: الْيَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى؛ دست دهنده از دست گیرنده بهتر است. (5)

انسانی که به دیگری کمک و نفع می رساند و گرفتاری دیگران را برطرف می کند از انسانی که فقط دنبال این است که دیگران به او نفع برسانند؛ بهتر

1- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 30.

2- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 212.

3- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 236.

4- نهج الفصاحه، ح 3208.

5- الكافي، ج 4، ص 11.

است.

337. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: الهدیة تذهب بالسمع و البصر و القلب؛ هدیه، گوش و چشم و دل را می برد. (1)

در فطرت هر انسانی این است که احسان کننده به خویش را دوست دارد. و این محبت و دوستی چنان در گوش و چشم و قلب او تأثیر می گذارد که گویا دیگر عیوب احسان کننده را نمی بیند و سخن دیگران بر علیه او را نمی شنود و دلش آن ها را باور نمی کند.

338. امام علی علیه السلام: أَلَا وَ إِنَّ الْخَطَايَا خَيْلٌ شَمْسٌ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَ خُلِعَتْ لُجْمُهَا فَتَقَحَّمَتْ بِهِمْ فِي النَّارِ؛ به هوش باشید! گناهان اسبانی سرکشند که گناهکاران بر آن سوار گشته اند؛ اسبانی لگام گسیخته که سواران خویش را در آتش افکنند. (2)

339. امام علی علیه السلام: أَلَا وَ إِنَّ التَّقْوَى مَطَايَا ذُلٌّ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَ أُعْطُوا أَزِمَّتْهَا فَأُورِدَتْهُمْ الْجَنَّةَ؛ آگاه باشید که تقوی مرکبی رام است که اهل تقوی بر آن سوار گشته و مهار مرکب ها به دست آنان است و عاقبت آنان را به بهشت وارد کند. (3)

340. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: إِنَّ لِإِبْلِيسَ كُحْلًا وَ لَعُوقًا وَ سَعِ عُوْطًا فَكُحِلُّهُ التُّعَاسُ وَ لَعُوقُهُ الْكُذِبُ وَ سَعِ عُوْطُهُ الْكِبْرُ؛ همانا شیطان برای چشم انسان سرمه ای و برای هر یک از کام و بینی او دارویی فراهم دارد! سرمه ی او خواب آلودگی و داروی کام او

1- نهج الفصاحه، ح 3169.

2- الکافی، ج 8، ص 67.

3- الکافی، ج 8، ص 67.

دروغ گویی و داروی بینی او کبر و غرور است. (1)

شیطان برای گمراه کردن انسان و تصرف در هر یک از اعضا و جوارح ابزارهایی دارد چرت و خواب آلودگی ابزاری است که با آن در چشم تصرف می کند و با داروی فاسد دروغ کام را آلوده می کند و باد تکبر و غرور را به بینی و دماغ او می دمد.

341. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **الْغَضَبُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ**؛ خشم ایمان را تباه می کند همچنان که سرکه باعث تباهی و فساد عسل می گردد. (2)

342. امام صادق علیه السلام: **لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنَ الْكِبْرِ**؛ کسی که در دلش به اندازه خردلی کبر باشد به بهشت وارد نمی شود. (3)

343. امام صادق علیه السلام: **إِزَالَةُ الْجِبَالِ أَهْوَنُ مِنْ إِزَالَةِ قَلْبٍ عَنْ مَوْضِعِهِ**؛ برکنندن کوه ها از برکنندن قلب از جایگاهش آسان تر است. (4)

پیچیدگی ساختمان روح و روان به مراتب از ساختمان وجود اجسام پیچیده تر است از همین رو تصرف در اجسام و ایجاد و تغییرات در آن ها آسان تر از تصرف در روح و روان انسان ها است آری کنندن کوه از کنندن افکار و عقائد و عادت ها و علاقه ها از دل آسان تر است.

344. امام صادق علیه السلام: **صُحْبُهُ عَشْرِينَ سَنَةً قَرَابَةٌ**؛ رفاقت بیست ساله در حکم خویشاوندی است. (5)

1- بحار الأنوار، ج 60، ص 242.

2- الکافی، ج 2، ص 302.

3- الکافی، ج 2، ص 310.

4- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 358.

5- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 293.

345. امام صادق علیه السلام: كَمَا تَدِينُ تُدَانَ؛ آن گونه که رفتار کنی جزا می بینی. (1)

از هر دست بدهی، با همان دست پس می گیری.

346. امام علی علیه السلام: مَغْرَسُ الْكَلَامِ الْقَلْبُ وَ مَسَدُ تَوَدُّعِهِ الْفِكْرُ وَ مَقْوِيهِ الْعَقْلُ وَ مُبَدِيهِ اللِّسَانُ وَ جِسْمُهُ الْحُرُوفُ وَ رُوحُهُ الْمَعْنَى وَ حَلِيَّتُهُ الْإِعْرَابُ وَ نِظَامُهُ الصَّوَابُ؛ کشتگاه سخن، دل است. و انبار آن، اندیشه و تقویت کننده آن خرد و آشکارکننده آن، زبان و جسم آن، حروف و جانش، معنا و زیورش واضح بیان کردن و نظامش درستی است. (2)

حضرت علی علیه السلام آن امیر بیان در این کلام نغز به ماهیت شناسی سخن پرداخته است که خاستگاه سخن کجاست و در کجا ذخیره می شود و چه چیز آن را قوت می بخشد و با چه ابزاری آشکار می شود جسم او چیست و جان و روحش کدام است زیور او چیست و استواری و نظامش به چه چیزی است؟

347. امام علی علیه السلام: الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ؛ سخن چون داروست، اندکش سود می بخشد و بسیارش کشنده است. (3)

348. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: الْبَلَاءُ مُوَكَّلٌ بِالْمَنْطِقِ؛ بلا گماشته ای بر گفتار است. (4)

سخن و گفتار آدمی در معرض بلا و خطاهای فراوانی است گویا بلا مأمور و گماشته ای است که دائم قرین با سخن و کلام آدمی است. پس انسان باید مراقب سخنانش باشد و سخنانش سنجیده و با تأمل باشد.

1- المحاسن، ج 1، ص 107.

2- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 4080.

3- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 4081.

4- بحار الأنوار، ج 68، ص 286.



349. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ رَجُلٍ غَيْرِ صَالِحٍ؛ یک زن شایسته بهتر از هزار مرد ناشایست است. (1)

350. امام علی علیه السلام: الْخَرَسُ خَيْرٌ مِنَ الْكَذِبِ؛ لال بودن، بهتر از دروغ گفتن است. (2)

351. امام علی علیه السلام: مَنْ أَعْجَبَهُ قَوْلُهُ فَقَدْ غَرَبَ عَقْلُهُ؛ کسی که گفتارش او را خوش آید، هر آینه خردش غروب کرده است. (3)

شخصی که گفتار خود را بی عیب و نقص می داند. و آن را می پسندد این چنین شخصی عقلش پنهان شده است و نورش به محاق (پوشیده شده) رفته است. انسان عاقل هیچ گاه احتمال عیب و نقص در سخنانش را منتفی نداشته و دائماً در حال پالایش و پالایش سخنان خود است.

352. حضرت عیسی علیه السلام: لَا تَكُونُوا كَالْمُنْخَبَلِ يُخْرَجُ مِنْهُ الدَّقِيقُ الطَّيِّبُ وَيُمَسِكُ النُّخَالَهَ كَذَلِكَ أَنْتُمْ تُخْرَجُونَ الْحِكْمَةَ مِنْ أَفْوَاهِكُمْ وَ يَبْقَى الْغُلُّ فِي صُدُورِكُمْ؛ مانند غربال نباشید که آرد خوب را بیرون می دهد و نخاله (سبوس) را نگه می دارد. بدین سان شما نیز از دهانتان حکمت بیرون شود و کینه و ناخالصی در دل هایتان به جا ماند. (4)

بعضی از انسان ها زبانشان حکمت دارد و دیگران استفاده می کنند و هدایت می شود ولی در دل هایشان از آن حکمت خبری نیست؛ و خودشان به گفتارشان عمل نمی کنند و رذائل اخلاقی را برای دیگران بیان می کنند ولی خودشان به آن

1- إرشاد القلوب، ج 1 ص 175.

2- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 4360.

3- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 7092.

4- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 510.

مبتلا هستند. دیگران را از کینه بر حذر می دارند ولکن خود در دل، کینه انباشته اند.

353. امام صادق علیه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَمْشِي مَشْيَهُ كَأَنَّ عَلَى رَأْسِهِ الطَّيْرَ لَا يَسْبِقُ يَمِينُهُ شِمَالَهُ؛ امام سجاد علیه السلام چنان راه می رفت که گویا بر سر پرنده ای دارد سمت راست بدن او از سمت چپ پیشی نمی گرفت. (1)

حضرت سجاد علیه السلام وزین و باوقار قدم بر می داشت همچون کسی که پرنده ای بر سر اوست و به گونه ای حرکت می کند که آن پرنده نلغزد یا از ترس به پرواز درنیاید.

354. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: خَطَّ النَّبِيُّ خَطًّا مُرَبَّعًا وَخَطَّ خَطًّا فِي الْوَسْطِ خَارِجًا مِنْهُ وَخَطَّ خُطُوطًا صِغَارًا إِلَى هَذَا الَّذِي فِي الْوَسْطِ مِنْ جَانِبِهِ الَّذِي فِي الْوَسْطِ فَقَالَ: هَذَا الْإِنْسَانُ وَهَذَا أَجَلُهُ مُحِيطٌ بِهِ أَوْ قَدْ أَحَاطَ بِهِ وَهَذَا الَّذِي هُوَ خَارِجٌ أَمَلُهُ وَهَذِهِ الْخِطَطُ الصِّغَارُ الْأَعْرَاضُ فَإِنْ أَخْطَأَ هَذَا نَهَشَهُ هَذَا وَإِنْ أَخْطَأَ هَذَا نَهَشَهُ هَذَا؛

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: مربعی رسم کرد و یک خط در وسط آن به سمت بیرون مربع کشید و خطوط کوچکی به سوی خط میانی رسم کرد و فرمود این انسان است و این (مربع) اجل اوست که دورش را گرفته یا بر او احاطه دارد و این خطی که به سمت بیرون مربع کشیده شده آرزوی اوست و این خط های کوچک (که او را نشانه گرفته اند) پیشامدهای ناگوارند اگر یکی خطا رود، آن یکی او را نیش می زند و اگر آن هم خطا رود دیگری او را می گزد. (2)

1- وسائل الشیعه، ج 15، ص 382.

2- میزان الحکمه، ج 10، ص 402.

دنیا زودگذر و عمر انسان محدود است. و گرفتاری‌ها و بلاها انسان را نشانه گرفته است؛ و از این رو می‌بایست واقع بین باشیم و به جای آرزوهای خام و دست نیافتنی از امکانات موجود استفاده نموده و با مقاومت در برابر مشکلات به سوی سعادت حقیقی گام برداریم.

355. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **الْوَلَدُ الصَّالِحُ رِيحَانٌ مِنْ رِيَّاحِينَ الْجَنَّةِ**؛ فرزند شایسته، گلی از گل‌های بهشت است. (1)

356. امام رضا علیه السلام: **نِعْمَ الشَّيْءُ الْهَدِيَّةُ وَ هِيَ مِفْتَاحُ الْحَوَائِجِ**؛ خوب چیزی است هدیه و آن کلید حاجت‌هاست. (2)

برای تشویق و تربیت فرزندان و دانش‌آموزان و برای ایجاد صمیمیت و رفع کدورت بین دوستان و همکاران و برای ایجاد نشاط و روحیه در زندگی زناشویی و برای دفع دشمنی و سنگ اندازی افراد نادان و ... هدیه وسیله کارگشاست.

357. امام علی علیه السلام: **الْوَفَاءُ حِصْنُ السُّودِ**؛ وفاداری، قلعه سروری و آقایی است. (3)

اگر کسی بخواهد سروری و بزرگی او ادامه پیدا کند باید به تعهدات و پیمان‌ها و رعایت حقوق دیگران وفادار باشد این وفاداری همچون قلعه‌ای از سروری او صیانت می‌کند و در مقابل بی‌وفائی و نقص عهد موجب سلب اعتماد شده و دوستان و یاران و همپیمانان را متفرق می‌سازد و این پایان سروری و آقایی است.

358. امام مهدی علیه السلام: **أَمَّا وَجْهُ الْإِثْفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِثْفَاعِ بِالشَّمْسِ**

1- بحار الأنوار، ج 10، ص 368.

2- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 72.

3- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ح 5247.

إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ؛ چگونگی بهره مند شدن از من در روزگار غیبتم، همچون بهره مند شدن از خورشید است آنگاه که در پس ابراز دیدگان پنهان شود، من مایه امنیت زمینانم همچنان که ستارگان مایه امنیت آسمانان هستند. (1)

359. امام علی علیه السلام: مَثَلُ الْمُنَافِقِ كَالْحَنْظَلِ الْخَضِرِ رَهْ أَوْ رَافِهَا الْمُرَّ مَدَا فِهَا؛ مثل منافق مانند میوه حنظل است که برگ های آن سبز است و طعمش تلخ. (2)

منافق ظاهرش به گونه ای و باطنش به گونه دیگر است مانند هندوانه ابوجهل است؛ که ظاهرش سبز ولی مزه اش تلخ است.

360. لقمان حکیم علیه السلام: يَا بَنِي لَا تُكَالِبِ النَّاسَ فَيَمَقْتُوكَ وَلَا تَكُنْ مَهِينًا فَيَدُلُّوكَ وَلَا تَكُنْ حُلُوءًا فَيَاكُلُوكَ وَلَا تَكُنْ مُرًّا فَيَلْفِطُوكَ؛ لقمان در اندرز به فرزندش فرمود: پسرکم! با مردم، به نزاع و درگیری پرداز که با تو دشمن شوند و پست و ضعیف هم مباش که تو را خوار شمارند و شیرین مباش که تو را بخورند و تلخ مباش که تو را دور اندازند. (3)

انسان در مواجهه با افراد دیگر جامعه باید همیشه حد اعتدال را رعایت کند نه همیشه در فکر غلبه و برتری بر آنان باشد تا مردم دشمن او شوند و نه آن قدر از خود ضعف نشان دهد که در انظار آنان خوار و کم ارزش شود نه چنان شیرین و خواستنی باشد که حریمش را حفظ نکنند و به حش تعدی کنند نه آن قدر تلخ و عبوس باشد که از گردش پراکنده گردند.

1- بحار الأنوار، ج 52، ص 92.

2- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ح 10481.

3- الاختصاص، ص 338.

361. امام علی علیه السلام: الدُّنْيَا مُطْلَقَةٌ الْأَكْيَاسُ؛ دنیا، طلاق داده شده زیرکان است. (1)

انسان های زیرک دلبسته دنیا نمی شود و گویا آن را طلاق داده اند.

362. امام علی علیه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا شَوْكًا وَ انْظُرْ أَيْنَ تَضَعُ قَدَمَكَ مِنْهَا؛ دنیا را خاری بدان و نگاه کن که پایت را در کجای از آن می گذاری. (2)

دنیا فریبنده و راه به سوی آن لغزشگاه است باید با احتیاط به سوی آن حرکت کرد همچون احتیاط کسی که به روی خارها گام می گذارد و در هر قدم خطر در کمین اوست و نباید غافل شود و چشم از مسیر بردارد.

363. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: مَثَلُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَمَثَلِ ثَوْبٍ شَقَّ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ فَتَعَلَّقَ بِخَيْطٍ مِنْهَا فَمَا لَبِثَ ذَالِكَ الْخَيْطُ أَنْ يَنْقَطِعَ؛ مثل دنیا نسبت به آخرت، همانند لباسی است که از اول تا آخرش پاره شده و به نخی آویزان شده و چیزی نمانده که آن نخ نیز قطع شود. (3)

دنیا اعتباری ندارد و قابل اعتماد نیست خطرات چنان انسان را احاطه کرده است که از فردای خود بی خبر است پس دل بستن به آن و غفلت از مرگ و زندگی پس از مرگ عاقلانه نیست.

364. حضرت مسیح علیه السلام: إِنْ الَّذِي يَخُوضُ النَّهْرَ لَا بُدَّ أَنْ يُصِيبَ ثَوْبَهُ الْمَاءَ وَإِنْ جَهَدَ أَنْ لَا يُصِيبَهُ كَذَلِكَ مَنْ يُحِبُّ الدُّنْيَا لَا يَنْجُو مِنَ الْخَطَايَا؛ کسی که داخل رودخانه شود \_هرچند بکوشد\_ بازهم لباسش مرطوب می شود و همچنان

1- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 2537.

2- بحار الأنوار، ج 75، ص 22.

3- کنز العمال، ح 6301.

است دوست دار دنیا که هر چه کند باز از خطا و گناه گریزی ندارد. (1)

365. شخصی در حضور امام علی علیه السلام: سخنی بزرگ تر از شأن خود گفت امام در پاسخ این جمله را فرمود: لَقَدْ طُرْتُ شَكِيرًا وَ هَدَّيْتُ سَقْبًا؛ پَر در نیاورده پرواز کردی و در خردسالی آواز بزرگان سر دادی. (2)

انسان باید حد و موقعیت خود را بشناسد و از بلندپروازی بی حساب بپرهیزد و پا به اندازه گلیمش دراز نماید.

366. رسول صلی الله علیه و آله و سلم: الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ؛ عبادت همراه با حرام خواری همچون ساختمانی بر زمین شنزار است. (3)

پایه عبادت، لقمه حلال است. عبادت با لقمه حرام همچون خانه ای که از پای بست ویران است.

367. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود: تو نسبت به من مانند هارون نسبت به موسی هستی جز این که بعد از من پیامبری نیست. (4)

حضرت هارون علیه السلام وصی و جانشین حضرت موسی علیه السلام بود؛ و همین طور امام علی علیه السلام وصی و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.

با این فرق که پس از حضرت موسی علیه السلام پیامبرانی آمدند و لکن پس از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبری نخواهد آمد.

1- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 510.

2- نَهَجُ الْبَلَاغَةِ، ح 402.

3- بِحَارِ الْأَنْوَارِ، ج 81، ص 258. ادامه روایت «قِيلَ عَلَى الْمَاءِ؛ بِه قَوْلِي بِرُؤْيِ آبِ اسْتِ» ثبت شده است.

4- الْكَافِي، ج 8، ص 107.

368. امام علی علیه السلام: سَفَهَكَ عَلِيٌّ مَنْ فَوْقَكَ جَهْلٌ مُرِدٌّ وَسَفَهَكَ عَلِيٌّ مَنْ دُونَكَ جَهْلٌ مُزْرٍ وَسَفَهَكَ عَنْ مَنْ فِي دَرَجَتِكَ نِقَارٌ كَنَقَارِ الدِّيَكَيْنِ وَهَرَأَشُ كَهَرَأَشِ الْكَلْبَيْنِ وَلَنْ يَفْتَرِقَا إِلَّا مَجْرُوحَيْنِ أَوْ مَفْضُوحَيْنِ وَلَيْسَ ذَلِكَ فِعْلَ الْحُكَمَاءِ وَسِنَّةَ الْعُقَلَاءِ؛ حماقت (در گفتار و کردار) در برابر بالاتر از خود جهالتی است که موجب سقوط تو شود و حماقت در برابر پایین تر از خود جهالتی است که بر تو عیب وارد کند و حماقت در برابر هم رتبه خود نزاع و جنگی است همچون دو خروس و دو سگ که از هم جدا نشوند جز مجروح یا شکست خورده و این، کار حکیمان و روش خردمندان نیست. (1)

369. امام علی علیه السلام: الْفُرْصَةُ خُلْسَةٌ؛ فرصت، ربودنی است. (2)

فرصت ها ماندگار نیستند باید آن ها را در لحظه ها ربود و شکار نمود.

370. امام علی علیه السلام: التَّوَّاضُعُ سَلْمٌ الشَّرْفُ؛ فروتنی، نردبان شرافت و بزرگی است. (3)

برخی بر این توهم اند که تواضع و فروتنی از مقام آنان کاسته و در مقابل، تکبر موجب رفعت جایگاه آنان است ولی در نگاه حکیمانانه اولیاء دین، فروتنی نردبان بزرگی و سروری است.

371. امام علی علیه السلام: مَنْ زَرَعَ الْإِحْنَ حَصَدَ الْمِحْنَ؛ کسی که کینه بکارد، رنج و میحنت درو کند. (4)

1- مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ، ج 12، ص 79.

2- بِحَارُ الْأَنْوَارِ، ج 2، ص 97.

3- تَصْنِيفُ غُرَرِ الْحَكَمِ وَدُرَرِ الْكَلِمِ، ح 5146.

4- تَصْنِيفُ غُرَرِ الْحَكَمِ وَدُرَرِ الْكَلِمِ، ح 6783.

372. امام صادق علیه السلام: **إِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعَ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السَّكِينِ فِي اللَّحْمِ**؛ سرعت تأثیر کار بد در (جان و روان) آدمی از سرعت تأثیر کارد در گوشت، بیشتر است. (1)

373. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **إِذَا رَأَيْتُمْ رَوْضَةً مِنْ رِبَاضِ الْجَنَّةِ فَارْتَعَوْا فِيهَا قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا رَوْضَةُ الْجَنَّةِ قَالَ مَجَالِسُ الْمُؤْمِنِينَ**؛ هرگاه باغی از باغ های بهشت را دیدید در آن به تفریح درآیید گفته شد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باغ بهشت چیست؟ فرمود: مجالس مومنین. (2)

374. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُمْ بِهَا بَعْضًا**؛ مؤمن برای مؤمن مانند ساختمان است که قسمتی از آن دیگر را قوت می بخشد و نگه می دارد. (3)

مؤمن باید به گونه ای باشد که برادر مؤمنش با بودن او امنیت و آرامش بیشتری داشته باشد. همانند ساختمان که اجزای یکدیگر را نگه می دارند.

375. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **الْمَوْتُ رَيْحَانَةُ الْمُؤْمِنِ**؛ مرگ، گلی خوشبو برای مؤمن است. (4)

مؤمن چون حقیقت مرگ را می شناسد و همواره خود را مهیای آن نموده است از مرگ هراسی ندارد بلکه آن را گل و هدیه ای زیبا از جانب خداوند می داند که او را از رنج های دنیا رها کند و به سرای سعادت ابدی می رساند

1- الکافی، ج 2، ص 272.

2- بحار الأنوار، ج 71، ص 177.

3- جامع الاخبار (شعیری)، ص 85.

4- بحار الأنوار، ج 79، ص 168.



376. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ؛ انسان ها معادنی هستند مانند معادن طلا و نقره.

(1)

حقیقت انسان، حقیقتی است با ارزش و ناشناخته که باید همچون معدن استخراج شود و تفاوت میان انسان ها مانند تفاوت طلا و نقره است که در عین دوگانگی هر یک ارزشی مخصوص به خود دارند.

377. امام علی علیه السلام: الْمَوْتُ أَلْزَمُ لَكُمْ مِنْ ظِلِّكُمْ وَأَمْلَكُ بِكُمْ [لَكُمْ] مِنْ أَنْفُسِكُمْ؛ مرگ، از سایه شما به شما همراه تر و از خودتان نسبت به شما صاحب اختیار است. (2)

378. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: الْمُشَاوَرَةُ حِصْنٌ مِنَ الدَّامَةِ وَأَمْنٌ مِنَ الْمَلَامَةِ؛ مشورت کردن، دژی در برابر پشیمانی و موجب ایمنی از ملامت و سرزنش است. (3)

در اثر مشورت نمودن یا انسان راه صحیح را پیدا می کند و در کار خود موفق می شود و یا راه صحیح را نمی یابد و دچار خطا می شود ولی به دلیل این که تک روی نکرده است و دیگران هم با او هم نظر بودند نزد همه معذور است و کسی او را ملامت نمی کند و از کار خود پشیمان نیست.

379. امام علی علیه السلام: بَصَّاعَةُ الْأَخْرَجِ كَأَسَدَةٍ فَاسْتَكْثِرُوا مِنْهَا فِي أَوَانِ كَسَادِهَا؛ بازار کالای آخرت، کساد است. پس در زمان کسادیش کالای زیاد خریداری کنید. (4)

1- بحار الأنوار، ج 58، ص 68.

2- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ح 3161.

3- نهج الفصاحه، ح 3095.

4- بحار الأنوار، ج 75، ص 90.

کالایی که در آخرت برای انسان مفید است عمل نیک و صالح است. از این رو به دنبال کسب آن باشید.

380. امام علی علیه السلام: **أَنْفَعُ الدَّوَاءِ تَرْكُ الْمُتَمَنَّى؛** سودمندترین دواء، ترک آرزوهاست. (1)

انسان هایی که آرزوهای طولانی و دست نیافتنی دارند دچار مریضی های روحی می شوند چراکه هیچ وقت به آن ها نمی رسند و بهترین دواء برای این گونه افراد ترک آن آرزوها است و انسان عاقل و دوراندیش دنیا را به مزرعه ای حاصلخیز و سرسبز برای کشت آخرت تبدیل می کند نه اینکه آن را مکانی ماندگار برای رسیدن به آرزوها و خواسته های مادی ببیند و از حقیقت آن غافل بماند و ناگهان بانگی برآید...

381. امام علی علیه السلام: **إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ عَنِ أَهْلِ الْحَقِّ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ؛** حذر می دهم شما را از جدا شدن (و تک روی)، پس همانا شخص جدا شده از اهل حق نصیب شیطان است همچنان که گوسفند جدا شده (از گله) نصیب گرگ می شود. (2)

اجتماع مؤمنان زمینه ساز همفکری و همدلی آنان و قوت قلب ایمان آن هاست. مراقبت از یکدیگر و توأسی به خوبی ها و ترک بدی ها در این اجتماعات شکل می گیرد کسی که تک روی کند و خود را از این اجتماع و فوائد آن محروم نماید زمینه نفوذ شیطان در خود را هموار کرده است.

382. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **إِنَّ مِنَ النَّاسِ مَفَاتِيحَ لِلْخَيْرِ مَغَالِيقَ لِلشَّرِّ وَإِنَّ مِنَ**

1- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 7213.

2- غررالحکم، ح 2747.

النَّاسِ نَاسًا مَفَاتِيحَ لِلشَّرِّ مَغَالِيقَ لِلخَيْرِ؛ بعضی مردم کلید خیرند و قفل شر و بعضی دیگر کلید شرنند و قفل خیر. (1)

383. امام علی علیه السلام: غَارِسُ شَجَرَةِ الخَيْرِ مُجْتَنِبُهَا أَحْلَى ثَمَرَهُ؛ کِشْتِ کُنْدَةِ درخت نیکی، شیرین ترین میوه را از آن می چیند. (2)

384. امام کاظم علیه السلام: المَعْرُوفُ غُلٌّ لَا یُفُكُهُ إِلَّا مُكَافَاةٌ أَوْ شُكْرٌ؛ احسان و نیکی (در) غُل و زنجیر است که جز با جبران (زحمات دیگران) تشکر نمودن از آنان گشوده نمی شود. (3)

اگر انتظار کار خیر و معروف از دیگران داریم باید همیشه خوب های آن ها را جبران کنیم یا لااقل از آن ها تشکر کنیم این کار، آن ها را در انجام کار خیر دلگرمی می دهد و بالعکس چنانچه از زحمات دیگران تقدیر و تشکر نشود موجبات دلسردی آنان فراهم گردیده و در ب کارهای خیر بسته خواهد شد.

385. امام باقر علیه السلام: كُنْ خَيْرًا لَا شَرَّ مَعَهُ كُنْ وَرَقًا لَا شَوْكَ مَعَهُ وَلَا تَكُنْ شَوْكًا لَا وَرَقَ مَعَهُ وَ شَرًّا لَا خَيْرَ مَعَهُ؛ (4)

خیری باشید که شری ندارد و برگی باشید که خار ندارد و خاری نباشید که برگ ندارد و شری نباشید که خیر ندارد.

386. أَوْحَى اللَّهُ إِلَى عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْ كُنْ لِلنَّاسِ فِي الْجِلْمِ كَالْأَرْضِ تَحْتَهُمْ وَفِي السَّخَاءِ كَالْمَاءِ الْجَارِي وَفِي الرَّحْمَةِ كَالشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ فَإِنَّهُمَا يَطَّلَعَانِ عَلَى الْبَرِّ

1- کنز العمال، ح 43016.

2- عیون الحکم و المواعظ، ح 5947.

3- بحار الأنوار، ج 72، ص 43.

4- بحار الأنوار، ج 75، ص

وَ الْفَاجِرُ؛ خداوند به حضرت عیسی علیه السلام وحی فرمود: در بردباری نسبت به مردم، مانند زمین زیر پای آن ها باش و در سخاوت مانند آب روان و در مهربانی مانند آفتاب و ماه باش زیرا این دو بر نیکوکار و بدکار یکسان می تابند. (1)

در برخورد خود با مردم و صبوری در مقابل بدرفتاری های مردم مانند افتاده و متواضع و صبور باشیم که همه بر آن پا می کوبند ولی همه را تحمل می کند. و در سخاوت مانند آب جاری باشیم که به هر جا بگذرد بدون هیچ چشم داشتی طراوت و زندگی ارزانی می کند. و در مهربانی مانند خورشید و ماه باش که مهربانی و لطف خود را از هیچ کس دریغ نمی کنند و به نیکوکار و تبهکار می تابند.

387. امام علی علیه السلام: *إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَتَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ*؛ دل نوجوان همانند زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود آن را می پذیرد. (2)

نوجوانان برای دریافت مطالب و هدایت آماده ترند مانند زمین خالی و حاصلخیزی که آماده پذیرش هرگونه بذر و نهال است.

388. منسوب به امام علی علیه السلام: *الْأَدَبُ عِنْدَ الْأَحْمَقِ كَالْمَاءِ الْعَذْبِ فِي أَصُولِ الْخَنْظَلِ كَلِمَا إِزْدَادَ رِيَا إِزْدَادَ مَرَارَه*؛ ادب در برابر احمق، همانند آب گوارا در ریشه های گیاه تلخ خنظل است که هر چه سیراب تر گردد تلخی آن بیشتر می شود. (3)

سخنان توأم با ادب در مقابل کسی که در اثر حماقت قدر ادب را نمی شناسد

1- مجموعه ورام، ج 1، ص 80.

2- *تُحَفُّ الْعُقُولُ*، ص 70. در ادامه روایت چنین آمده «*فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ وَيَسْتَعْلَ لُبُّكَ*».

3- شرح ابی ابی الحدید، ج 20، ح 780.

و کمال را در بی ادبی خود می بیند نه تنها سودی ندارد بلکه چه بسا به تمسخر و بی ادبی بیشتر او منجر شود.

389. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: **إِيَّاكُمْ وَ خَصَّ رَأءِ الدَّمَنِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خَصَّ رَأءِ الدَّمَنِ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحَسَدَ نَاءً فِي مَنِيَتِ السَّوءِ؛** رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خطاب به مردم فرمود: از سبزه در مزبله بپرهیزید. گفته شد: ای رسول خدا سبزه در مزبله چیست؟ فرمود: زن زیبا که در خانواده و محیط فاسد رشد کرده است. (1)

390. **نَزَلَ جَبْرِيْلُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْرِيكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ إِنَّ الْأَبْكَارَ مِنَ النِّسَاءِ بِمَنْزِلَةِ الثَّمَرِ عَلَى الشَّجَرِ فَإِذَا أَيْعَ الثَّمَرُ فَلَا دَوَاءَ لَهُ إِلَّا اجْتِنَاؤُهُ وَ إِلَّا أَفْسَدَتْهُ الشَّمْسُ وَ غَيَّرَتْهُ الرِّيحُ وَ إِنَّ الْأَبْكَارَ إِذَا أُذْرِكْنَ مَا يُدْرِكْنَ النِّسَاءَ فَلَا دَوَاءَ لَهُنَّ إِلَّا الْبُعُولُ وَ إِلَّا لَمْ يُؤْمَنْ عَلَيْهِنَّ الْفِتْنَةُ؛**

جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و گفت: ای محمد، خداوند بر تو سلام می گوید و می فرماید: زنان باکره مانند میوه ای بر روی درخت اند. میوه چون رسید، چاره اش چیدن است وگرنه خورشید آن را فاسد و باد دگرگون می کند. وقتی که دختران باکره به زمان ازدواج رسیدند، چاره آن ها به شوی رفتن است وگرنه از فتنه و فساد در امان نیستند. (2)

391. امام علی علیه السلام: **مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنَفْتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّي؛** تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر، چونان قطره ای در برابر دریای موج

1- الکافی، ج 5، ص 332.

2- عیون الاخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 289.

و پهناور است. (1)

392. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: إِنَّ التَّفَكُّرَ حَيَاةُ قَلْبِ الْبَصِيرِ كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَبِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ فَعَلَيْكُمْ بِحُسْنِ التَّخَلُّصِ وَقَلِّهِ التَّرْبِصِ؛ اندیشیدن مایه حیات قلب انسان صاحب بصیرت است همان گونه که چراغ به دست به کمک نور در تاریکی قدم برمی دارید پس (با اندیشه و تفکر) به خوبی خود را برهانید و کمتر درنگ نمایید. (2)

393. امام صادق علیه السلام: مَا مَحَقَّ الْإِسْلَامَ مَحَقَّ الشُّحِّ شَيْءٌ ثُمَّ قَالَ إِنَّ لِهَذَا الشُّحِّ دَبِيباً كَدَيْبِ النَّمْلِ؛ هیچ چیز همانند بخل، اسلام را بی نور نسازد و سپس فرمود: همانا بخل، حرکت (و نفوذ) نامحسوسی همانند حرکت مورچه دارد. (3)

بخل به ترک بسیاری از دستورات اسلام مانند زکات، خمس، حج، صله رحم و دستگیری از مستمندان، تأسیس بناهای ماندگار، وقف اموال، هدیه به دوستان و آشنایان و ... منجر می شود.

394. امام صادق علیه السلام: إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ انَّمَا الْإِيمَانُ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَنْمِثُ الْمِدْحُ فِي الْمَاءِ؛ هرگاه مؤمن به برادر خود تهمت زند، ایمان در قلب او ذوب می شود همانند ذوب شدن نمک در آب. (4)

395. امام علی علیه السلام: لَا يَهْلِكُ عَلَى التَّقْوَى سِنْخُ أَصْلٍ وَلَا يَظْمَأُ عَلَيْهَا زَرْعُ قَوْمٍ؛ بر اساس تقوی هیچ پایه ای ویران نگردد و کشتزار هیچ قومی تشنه نماند. (5)

1- نهج البلاغه، ح 380.

2- الکافی، ج 2، ص 599.

3- الکافی، ج 4، ص 45.

4- الکافی، ج 2، ص 361.

5- نهج البلاغه، خطبه، 16.

منشأ تمام ویرانی‌ها و نارسائی‌ها در عالم خود انسان‌های هستند گروهی در اثر خودخواهی و عدم پذیرش دعوت فرستادگان الهی زیر بار عدالت و رعایت حقوق دیگران نمی‌روند. منفعت طلبی و فزون خواهی آنان باعث بروز جنگ‌ها و محرومیت‌ها و عدم توزیع عادلانه ثروت و قدرت می‌شود و گرنه خداوند مهربان زمین و آسمان را برای خدمت رسانی به انسان مجهز کرده است.

396. منسوب به امام علی علیه السلام: **لِكُلِّ نِعْمَةٍ مِفْتَاحٌ وَ مِغْلَاقٌ فَمِفْتَاحُهَا الصَّبْرُ وَ مِغْلَاقُهَا الكَسَلُ**؛ برای هر نعمتی کلید و قفلی است کلید آن صبر و قفل آن تنبلی است. (1)

کلید رسیدن و راه به هر نعمتی صبر کردن در برابر مشکلاتی است که بر سر راه آن نعمت است. و کسی که تنبلی کند گویا قفلی بر آن نعمت‌ها زده و راه رسیدن به آن را مسدود کرده است.

397. امام باقر علیه السلام: **تَوَقَّى الصَّبْرَ عَمَهُ خَيْرٌ مِنْ سُؤَالِ الرَّجْعَةِ**؛ پیشگیری و پرهیز از فروافتادن (در گناه) بهتر از تقاضای بازگشت (و توبه) است. (2)

398. امام علی علیه السلام: **التَّوَكُّلُ خَيْرٌ عِمَادٍ**؛ توکل، بهترین تکیه‌گاه است. (3)

بهترین تکیه‌گاه در زندگی توکل کردن بر قدرت بی‌نهایت و رحمت بی‌پایان خداوند است. با توکل گام‌های انسان در مسیر زندگی محکم و استوارتر می‌گردد.

399. امام علی علیه السلام: **التَّوَكُّلُ حِصْنُ الْحِكْمَةِ**؛ توکل، دژ حکمت است. (4)

حکمت یعنی روشن بینی و درک صحیح واقعیت‌ها، و کسی که برخوردار از

1- شرح ابن ابی الحدید، ج 20، ح 692.

2- نزهه الناظر و تنبیه الخاطر، ص 99.

3- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 3855.

4- تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ح 3856.

حکمت است توکل را دژی مستحکم می بیند که پناه بردن به آن، ایمنی از خطر را به دنبال دارد؛ بنابراین توکل در نگاه حکمت آمیز به منزله دژ است و به تعبیر دیگری که در این حدیث آمده است توکل، دژی برای حکمت است (شرح آقا جمال خوانساری، ج 1، ص 146).

400. امام علی علیه السلام: نِعْمَةُ الْجَاهِلِ كَرُوضِهِ عَلَي مَرْبَلَه؛ نعمت در دست نادان، مانند گلزاری است در زباله دان. (1)

وقتی انسان نادانی از نعمتی برخوردار است نه خودش از آن استفاده صحیح می کند و نه در اختیار دیگران است تا بتواند از آن استفاده کنند و این موجب از بین رفتن آن نعمت می شود مانند باغ سرسبزی که در زباله دانی باشد؛ که غیرقابل استفاده و از بین رفتنی است.

401. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: الْحَسَدُ يَفْسِدُ الْإِيْمَانَ كَمَا يَفْسِدُ الصَّبْرُ الْعَسَلَ؛ حسد، ایمان را فاسد می کند، همچنان که گیاه صبر عسل را فاسد می کند. (2)

حسادت با ایمان از دو جهت در تضاد است زیرا اولاً: اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد هر نعمتی را از آن خدا می داند همان طوری که فقدان یک نعمت را هم به اراده او می داند پس دلیلی برای حسادت وجود ندارد و ثانیاً: حسادت ممکن است انسان را به کارهای غیر خدائی بکشاند که باعث ضعف ایمان شود.

402. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: الدَّاعِي بِإِلَاءِ عَمَلٍ كَالرَّامِي بِإِلَاءِ وَتَرٍ؛ دعاکننده بدون عمل، مانند تیرانداز بدون زه است. (3)

1- مجموعه ورام، ج 2، ص 17.

2- نهج الفصاحه، ح 1411.

3- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 111.



انسانی که فقط دعا می کند و هیچ تلاشی را برای به دست آوردن خواسته خود نمی کند مانند کسی است که می خواهد با کمانی بدون زه تیراندازی کند که البته به مقصودش نمی رسد و نیز دعای کسی که در راه رسیدن به خواسته های خود تلاشی نمی کند به هدف اجابت نمی رسد.

403. منسوب به امام علی علیه السلام: كَمَا تُعْرَفُ أَوَانِي الْفَخَّارِ بِامْتِحَانِهَا بِأَصْوَاتِهَا فَيَعْلَمُ الصَّحِيحُ مِنْهَا مِنَ الْمَكْسُورِ كَذَلِكَ يُمْتَحَنُ الْإِنْسَانُ بِمَنْطِقِهِ فَيَعْرِفُ مَا عِنْدَهُ؛ همان طور که ظرف های سفالین را با صداهایشان می آزمایند و سالم را از شکسته تشخیص می دهند انسان نیز با سخنش آزموده می شود و آنچه نزد اوست معلوم می گردد. (1)

معیار عاقل یا نادان بودن انسان، سخنان او است.

آن کس که بدم گفت، بدی سیرت اوست و آن کس که مرا گفت نکو خود نیکوست

حال متکلم از کلامش پیداست از کوزه همان برون تراود که در اوست (شیخ بهائی، رباعیات)

404. امام علی علیه السلام: مَنْ رَكِبَ مَرْكَبَ الصَّبْرِ اهْتَدَى إِلَى مِصْدَرِ النَّصْرِ؛ کسی که بر مرکب صبر نشیند به جاده پیروزی رهنمون گردد. (2)

405. امام علی علیه السلام: إِنْ الطَّمَعُ مُورِدٌ غَيْرُ مُصْدِرٍ وَضَامِنٌ غَيْرُ وَفِي؛ طمع، انسان را به جائی می برد، ولی باز نمی گرداند و تعهد می دهد، ولی وفا نمی کند. (3)

انسان باید با کسی رفاقت کند که اگر انسان را به جائی برد در نیمه راه او را رها

1- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ح 363.

2- بحار الأنوار، ج 75، ص 78.

3- نهج البلاغه، ح 281.

نکند و اگر تعهدی بدهد به آن وفادار باشد. اما طمع این گونه نیست انسان را در مشکلاتی وارد می سازد و او را رها می کند؛ قول موفقیت در تلاش های آزمندانه می دهد و آن را تعهد می کند ولی به آن وفا نمی کند پس طمع شایسته همراهی و رفاقت نیست.

406. امام علی علیه السلام: مَمْلُ الْعَقْلُ فِي الْقَلْبِ كَمَثَلِ السَّرَاجِ فِي وَسْطِ الْبَيْتِ؛ مثل عقل و خرد در قلب همانند چراغ در میان خانه است. (1)

چراغ در وسط خانه همه جای خانه را روشن می کند ولی اگر در گوشه ای از خانه باشد بعضی از قسمت های آن را کاملاً روشن نمی کند. استفاده از عقل در هر مسئله موجب می شود که انسان همه جوانب و اطراف آن مسئله را به طور روشن مورد بررسی قرار دهد.

407. امام علی علیه السلام: الْجِلْمُ غِطَاءٌ سَائِرٌ وَالْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ فَاسْتُرْ خَلَلَ خُلُقِكَ بِحِلْمِكَ وَقَاتِلْ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ؛ پرده ای پوشاننده و خرد تیغی برنده است. پس نقص های اخلاقی خود را با بردباری بپوشان و با عقلت با هوی و هوس ات پیکار کن. (2)

انسان بردبار در مقابل رفتار دیگران تحمل و سکوت می کند و عکس العمل نشان نمی دهد و این موجب می شود که ضعف های اخلاقی او مانند حسد، کینه، ناامیدی و امثال آن که غالباً در سخن و عکس العمل بروز می کند پنهان بماند.

408. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ صَخْرَةٌ يَخَافُ أَنْ تَقَعَ عَلَيْهِ

1- بحار الأنوار، ج 1، ص 99.

2- نهج البلاغه، ح 433.

وَإِنَّ الْكَافِرَ يَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ ذُبَابٌ مَرَّ عَلَى أَنْفِهِ؛ همانا مؤمن گناه خود را همچون تخته سنگ بزرگی می بیند که می ترسد به روی او بیفتد و کافر گناه خود را مانند مگسی می بیند که از جلوی بینی اش رد شود. (1)

یکی از عوامل ارتکاب گناه کوچک شمردن آن است و اما کسی که حقیقت گناه و اثرات بسیار مخرب آن را به خوبی می شناسد از ارتکاب آن دوری می کند.

409. حضرت عیسی علیه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ إِنَّهُ كَمَا لَا يَنْقُصُ الْبَحْرَ أَنْ تَغْرُقَ فِيهِ السَّفِينَةُ وَلَا يَضُرُّهُ ذَلِكَ شَيْئاً كَذَلِكَ لَا تَنْقُصُونَ اللَّهَ بِمَعَاصِيكُمْ شَيْئاً وَلَا تَضُرُّونَهُ بَلْ أَنْفُسُكُمْ تَضُرُّونَ وَإِيَّاهَا تَنْقُصُونَ؛ به حق می گویم شمارا: همان گونه که غرق شدن کشتی، هیچ کاستی و زیانی به دریا وارد نمی کند؛ همچنان گناهانتان هیچ نقصان و زیانی به خدا نمی رساند بلکه این شماست که به نفس خود زیان رسانده و آن را دچار نقصان می کنید. (2)

410. امام علی علیه السلام: مَنْ تَرَكَ قَوْلَ لَا أَدْرِي أُصِيبَتْ مَقَاتِلُهُ؛ کس که از گفتن «نمی دانم» روی گردان است، هلاک می گردد. (3)

انسان وقتی چیزی را نمی داند به ویژه نسبت به احکام الهی باید بگوید نمی دانم. ولی اگر این گونه نباشد و بدون علم و آگاهی پاسخ دهد خود را در هلاکت انداخته است.

411. امام علی علیه السلام: عَاتِبَ أَخَاكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَازْدُدْ شِدْرَهُ بِالْإِنْعَامِ عَلَيْهِ؛ برادرت را با احسانی که در حق او می کنی سرزنش کن، و شر او را با نعمتی که به

1- مکارم الاخلاق، 460.

2- تُحَفُّ الْعُقُولُ، ص 507.

3- نهج البلاغه، ح 85.

او ارزانی می کنی برگردان. (1)

در پاسخ رفتار ناشایست دوستان و برادران به جای سرزنش کردن و مقابله به مثل می توان با احسان و خوبی کردن، آنان را متوجه اشتباهشان نمود و از تکرار آن جلوگیری کرد.

412. امام علی علیه السلام: *إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَايْتَنُّوْا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ*؛ این دل ها همانند تن ها خسته می شوند پس برای آن ها طرفه سخنانی حکمت آمیز بجوئید. (2)

روح نیز مانند جسم خسته و ملول می شود و نشاط و استراحت روح به سخنان حکیمانه است.

413. امام علی علیه السلام: *مَنْ يُعْطِ بِالْيَدِ الْقَصِيرَةِ يُعْطِ بِالْيَدِ الطَّوِيلَةِ*؛ آن کس با دست کوتاه ببخشد، از دستی بلند پاداش می گیرد. (3)

انسان هر چه باشد از امکانات و اختیارات محدودی برخوردار است و دستش از کارهای زیادی کوتاه است ولی چنانچه با همین دست کوتاه و امکانات در راه خدا انفاق نماید پاداشش را از دست بلندمرتبه خداوند می گیرد که قدرتش نامحدود و خزینه های لطف و کرامتش بی نهایت است و این بالاترین تجارت است.

414. امام علی علیه السلام: *إِنَّ كَلَامَ الْحُكَمَاءِ إِذَا كَانَ صَوَابًا كَانَ دَوَاءً وَإِذَا كَانَ خَطَأً كَانَ دَاءً*؛ گفتار حکیمان اگر درست باشد دارو و اگر نادرست باشد، مایه بیماری

1- نهج البلاغه، ح 158.

2- نهج البلاغه، ح 197.

3- نهج البلاغه، ح 232.

است. (1)

انسان های حکیم و فرهیخته مورد توجه آحاد جامعه هستند و سخنانشان در بین آنان مقبولیت دارد پس اگر سخنانشان درست باشد عده زیادی با عمل به آن درمان می شوند و اگر نادرست باشد عده ی زیادی با عمل به آن منحرف و دچار بیماری گردند.

415. امام علی علیه السلام: يَنَامُ الرَّجُلُ عَلَى الثَّكَلِ وَلَا يَنَامُ عَلَى الْحَرَبِ؛ شخص داغدار به خواب می رود، اما غارت شده، به خواب نمی رود. (2)

شخص مصیبت زده می تواند بخوابد ولی اگر مال و ثروت کسی را به سرقت ببرند خواب به چشمان چنین شخصی نمی آید.

416. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: مَنَّهُوَمَا نِ لَا يَشِدُّ بَعَانَ طَالِبُ دُنْيَا وَ طَالِبُ عِلْمٍ؛ دو گرسنه هرگز سیر نشوند؛ جوینده دنیا و جوینده دانش. (3)

417. امام علی علیه السلام: الْغَيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ؛ غیبت کردن تلاش ناتوان است. (4)

غیبت کننده یا به این دلیل دیگران را به گونه ای بالاتر از خود و خود را عاجز از رقابت با آنان می بیند با غیبت کردن در صدد تنقیض و فرو کاستن منزلت آنان است و یا به دلیل عجز از گفتگوی صریح و رودررو با دیگران به سخن گفتن در غیاب آنان متوسل می شود پس در هر غیبتی عجزی نهفته است.

418. امام علی علیه السلام: وَ اعْلَمَنَّ أَنَّ لِكُلِّ عَمَلٍ نَبَاتًا وَ كُلُّ نَبَاتٍ لَا غِنَى بِهِ عَنِ الْمَاءِ

1- نهج البلاغه، ح 265.

2- نهج البلاغه، ح 307. در برخی نسخ «لَا يَنَامُ عَلَى الظُّلْمِ» ضبط شده است. غرر الحکم و درر الکلم، ح 10406.

3- الکافی، ج 1، ص 46.

4- نهج البلاغه، ح 461.

وَالْمِيَاهُ مُخْتَلِفَةٌ فَمَا طَابَ سَمِيئُهُ طَابَ غَرْسُهُ وَحَلَّتْ ثَمَرَتُهُ وَ مَا خَبِثَ سَقِيئُهُ خَبِثَ غَرْسُهُ وَ أَمَرَتْ ثَمَرَتُهُ؛ بدان برای هر عمل نهالی است و هر درختی بی نیاز از آب نیست و آب ها گوناگون اند، نهالی که آبیاری اش پاکیزه است رویشش خوب و میوه اش شیرین خواهد شد و نهالی که آبیاری اش پلید است رویشش نامناسب و میوه اش تلخ می گردد. (1)

عمل انسان همچون درختی است که اعتقاد و نیت به منزله آب آن است هر قدر اعتقاد و نیت انسان پاک باشد عمل انسان بهتر رشد می کند و ثمرات خوبی به دنبال می آورد ولی اعتقادات ناصحیح و نیت های ناپاک عمل را ناقص و میوه های آن را فاسد می کند.

419. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: لَيْسَ أَلَّا أَحَدُكُمْ رَبَّهُ حَاجَتُهُ كُلُّهَا حَتَّى يَسْأَلَهُ شَيْعَ نَعْلِهِ إِذَا انْقَطَعَ؛ هر یک از شما می بایست تمامی حاجت های خود را از خدا بخواهد تا آنجا که اگر بند کفشش (هم) پاره شد آن را از خدا بخواهد. (2)

اظهار نیاز به خداوند بی نیاز انسان را کنترل کرده و مانع از غرور و سرکشی و غفلت او می شود و او را از جنایت و تعدی به حقوق دیگران باز می دارد بنابراین داشتن روحیه دعا و تضرع حتی در کمترین نیازها اثرات مطلوبی بر انسان به جای می گذارد. البته کاملاً واضح است که این به معنای ترک تلاش و فعالیت نیست بلکه منظور جهت دادن به فعالیت ها است.

420. در حدیث قدسی چنین آمده است: يَا مُوسَى سَلْنِي كَلِّمًا تَحْتَاجُ إِلَيْهِ حَتَّى عَلَفَ شَاتِكَ وَ مِلْحَ عَجِينِكَ؛ ای موسی علیه السلام از من درخواست کن هر آنچه

1- نهج البلاغه، خطبه، 154.

2- مکارم الاخلاق، ص 270.

به آن احتیاج داری حتی علف گوسفندان و نمک خمیرت. (1)

421. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: لَا تَمَسَّحَ يَدَكَ بِثَوْبٍ مِنْ لَا تَكْسُوهُ؛ دستت را با جامه ی کسی که او را نپوشانده ای پاک مکن. (2)

این جمله ضرب المثل است و کنایه از این است که از هیچ کس بدون دادن اجرت و پرداخت حق زحمت، بهره نکش.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین»

هزاران درود و هزاران سلام ز ما بر محمد علیه السلام

(اسدی طوسی)

---

1- بحار الأنوار، ج 90، ص 303.

2- بحار الأنوار، ج 63، ص 366.

**كتاب نامه**

1. قرآن كريم.

2. نهج البلاغه، شريف الرضى، محمد بن حسين.

3. تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، تميمي آمدى، عبدالواحد، مصحح: درايتى، مصطفى، دفتر تبليغات، قم، 1366. ش.

4. الإختصاص، مفيد، محمد بن محمد، المؤتمر العالمى لالفیه الشيخ المفيد، قم، 1413. ه.

5. إرشاد القلوب إلى الصواب (للديلمى)، ديلمى، حسن بن محمد، ناشر: الشريف الرضى، قم، 1412. ه.

6. الأمالى (للطوسى)، طوسى، محمد بن الحسن، دار الثقافه، قم، 1414. ه.

7. الأمالى (للمفيد)، مفيد، محمد بن محمد، كنگره شيخ مفيد، قم، 1413 ق. ه.

8. بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار عليهم السلام، مجلسى، محمد باقر، دار إحياء التراث العربى، بيروت، 1403. ه.



9. تُحَفُّ العقول، ابن شعبه حراني، حسن بن علي، جامعه مدرسين، قم، 1404. ه.
10. جامع الأخبار (لشعيري)، شعيري، محمد بن محمد، مطبعة حيدريه، نجف، بي تا.
11. الخصال، ابن بابويه، محمد بن علي، جامعه مدرسين، قم، 1362 ش.
12. شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد، ابن أبي الحديد، عبدالحميد بن هبه الله، كتبه آيه الله المرعشي النجفي، قم، 1404. ه.
13. علل الشرائع، ابن بابويه، محمد بن علي، كتاب فروشي داوري، قم، 1385 ش.
14. عيون الحكم و المواعظ (للبيهي)، لبيهي واسطى، علي بن محمد، دارالحديث، قم، 1376. ش.
15. الكافي، كليني، محمد بن يعقوب، دار الكتب الإسلاميه، تهران، 1407. ه.
16. كنز العمال، لعلی بن حسام الدين المتقى الهندي.
17. مجموعه ورام، بن أبي فراس، مسعود بن عيسى، بنياد پژوهش های اسلامي آستان قدس رضوي، مشهد، 1369. ش.
18. المحاسن، برقي، احمد بن محمد بن خالد، دار الكتب الإسلاميه، قم، 1371 ق.
19. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوري، حسين بن محمدتقي، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، 1408. ق.
20. مشكاه الأنوار في غرر الأخبار، طبرسي، علي بن حسن، المكتبة الحيدريه، نجف، 1385. ه.

21. معانی الأخبار، ابن بابویه، محمد بن علی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1403. ه.
22. مکارم الأخلاق، طبرسی، حسن بن فضل، الشریف الرضی، قم، 1412. ه.
23. من لا یحضره الفقیه، ابن بابویه، محمد بن علی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1413. ه.
24. منیه المرید، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مکتب الإعلام الإسلامی، قم، 1409. ه.
25. نثر اللآلئ / ترجمه شیخی، طبرسی، فضل بن حسن، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، 1384 ش.
26. نزهه الناظر و تنبیه الخاطر، حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، مدرسه الإمام المهدی علیه السلام، قم، 1408. ه.
27. نهج الفصاحه، پاینده، ابوالقاسم، دنیای دانش، تهران، 1382. ش.
28. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، 1409 ق.

ص: 125

## نمایه موضوعی احادیث

احمق:

10، 38، 73

اختلاف: 261

اخلاق:

120، 52، 317، 290، 52، 136، 279

ادب:

388، 186، 59

ازدواج:

389، 390، 277، 150

استغفار:

266، 128، 50

اشک: 227

اگر گفتن: 306

امانت: 79

امر به معروف و نهی از منکر:

391، 272

امروز و فردا کردن: 46

امید:

102، 55

انتقام: 112

اندوه:

92، 176، 201، 257، 309.

انسان:

80، 83، 135، 287، 294، 304، 333، 354، 376، 403

انفاق:

18، 322،

اهل بيت:

77، 367

ايمان:

68، 117، 129، 137، 341

ايران: 273

آبرو: 8، 210.

آخرت:

35، 363، 379

آرزو: 380

آرامش: 70

باطل:

7، 217

بخل:

25، 54، 132، 138، 177، 143، 279، 303، 393

بدی: 41، 64، 65، 213، 223، 239، 249، 281، 297، 330، 372، 382، 385

بدهکاری: 169

بدگمانی: 288

بردباری:

4، 386، 407

برابری: 157

بلا:

84، 348

بلندپروازی: 365

بدون اجرت: 421

پدر:

180، 295

پرسش:

208، 81، 107

پرداختن به کارهای گوناگون: 95

پشیمانی:

7، 249، 378

پیری: 280

ترس: 132

تشکر و قدردانی:

323، 384

تغافل: 231

تفکر:

139, 93, 392, 28

تقوی:

395, 339, 28

تکبر:

47, 342, 340, 268, 167, 47

تک روی: 381

تکلیف: 219

تلاش و کوشش:

307, 9

تنبلی:

396, 23

ص: 126

تواضع:

47، 370، 353

توبه:

310، 397، 50

توکل:

398، 399

تهمت:

394، 68، 394

جدل: 142

جوانی: 179

چشم:

6، 27

حاجت:

210، 166، 215، 419، 420

حجاب: 106

حرص:

71، 83، 132، 173، 193، 195، 230، 280، 405

حرفه: 174

حرام خوری:

367، 29، 139، 366

حسد:

24، 314، 313، 264، 66، 209

حق:

268، 217

حلم:

112

حیات طیبه: 42

خانواده:

152، 151، 148، 43، 389، 349، 229، 206

خدا: 20

خشم:

341، 305، 247، 226

خط: 299

خواستن بدی برای دیگری:

345، 98

خوردن:

271، 238، 224، 214، 171، 170، 320، 45، 129، 127، 126، 125، 124، 123، 122، 110

خویشاوند: 321

خیانت 300

دارو، 282، 45

دانشمند:



414 ،270 ،267 ،245 ،242 ،236 ،235 ،212 ،205 ،191 ،163 ،159 ،73 ،48 ،37 ،19

دانش:

416 ،278 ،273 ،265 ،216 ،197 ،189 ،114 ،107 ،82 ،81 ،76 ،59 ،37 ،34 ،33 ،29 ،21 ،19

دروغ:

40 ،350 ،340 ،331 ،322 ،300 ،285 ،211

دشنام: 368

دشمن: 321 ،360 ،290 ،262 ،170 ،149 ،113

دعا:

402 ،31 ،30 ،14

دنیا:

363 ،362 ،361 ،260 ،254 ،203 ،222 ،71 ،58 ،57 ،56 ،35

دوست:

344 ،308 ،294 ،328 ،291 ،190 ،185 ،184 ،172 ،146 ،145 ،119 ،116 ،109 ،103 ،101 ،72 ،65 ،64 ،41 ،39 ،36

411

دوراندیشی: 51

دیدار:

334 ،274 ،178 ،176 ،143 ،128 ،109

ص: 127

60

راز:

1، 2، 263، 319

راضی بودن: 204

رزق و روزی: 241

رفتار: 181

روزه: 266

ریاست: 276

زبان:

10، 12، 13، 16، 62، 63، 67، 84، 85، 87، 89، 99، 161، 135، 246، 284، 287، 299، 304، 308

زن: 106

سپردن امور به خدا:

88

سخاوت:

207، 298، 120، 126، 413، 53

سخن:

11، 12، 15، 16، 90، 100، 93، 160، 175، 192، 196، 207، 250، 252، 253، 255، 256، 324، 327، 322، 346، 347

141، 414، 410، 403، 352، 348

سخن چین:

97، 199

سرزنش: 269

سکوت:

90، 258، 261

سلام: 130، 238

شادی: 178

شب زنده داری: 302

شعر: 131

شنیدن: 15

شوخی:

142، 289، 262

شهادت: 227

شیطان:

340، 305، 266

شیعه: 49

صبر:

61، 168، 396، 404

صدقه:

118، 164، 250، 266، 318

صله رحم:

155، 156، 182، 225

ضرر: 329

عبادت:

366، 139، 29

عجله: 121

عجب: 351

عذرخواهی: 105

عزت: 230

عقل:

407، 406، 10

عمر:

301، 220، 138، 83

عمل:

402، 418، 195، 114، 87، 75، 74

عیب:

335، 233، 101

غذا 320،

غرور 32،

غفلت 26

غیبت:

78، 228، 417، 78

غیبت امام زمان: 358

فال نیک: 296

فرزند:

21، 44، 96، 180، 275، 355

فرصت:

92، 218، 301، 369، 92، 292، 309

فرومایه: 223

قلب:

6، 20، 27، 73، 122، 274، 284، 343، 412،

ص: 128

قناعت:

293، 188

کودک:

76، 108، 200، 76، 108،

کمک: 94

کینه:

133، 134، 144، 162، 183، 289، 352، 371

گناه:

17، 52، 60، 69، 234، 237، 338، 408، 409

گوش دادن:

15، 207

گشاده روئی: 147

لجبازی:

268، 269

مال:

34، 83، 415، 416، 187، 221، 251، 276، 280

مادر: 153

محبت:

104، 194

مدارا:

240، 118، 117

مدح و ذم:

295، 202

مرگ:

377، 375، 26

مردم: 216

مسافرت: 103

مسئولیت:

263، 219

مشورت:

378، 132

مصافحه:

325، 133، 128، 60

مصیبت: 226

مظلوم: 14

معلم: 259

معاشرت:

232، 231

منافق: 359

مؤمن:

408، 374، 373، 326، 325، 283، 281، 166، 158، 140، 136، 131، 123، 120، 115، 86، 72، 70

میانہ روی:

360، 111

نادانی: 163، 205، 235، 206، 242، 246، 258، 294، 297، 311، 312، 388، 400

ناتوانی: 23

نشاط: 109

نفاق و دورویی:

123، 79، 136

نفس: 198

نگاہ کردن: 137

نمک: 282

نماز: 69

نوشتن: 267، 82

نوکیسہ: 22

نوجوان: 387

نیت: 241

نیکی:

91، 224، 248، 239، 264، 411، 316، 248، 264، 382، 383، 384، 385

وفا: 357

والدین:

96، 154، 165

ہدیہ:



356، 352، 337، 233، 144، 104، 101

هشیاری: 86

همسایه: 103

یاسین: 21

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

